



رهبر انقلاب ۲ ماه مانده به انتخابات مجلس دوازدهم نکات مهمی خطاب به دستگاه‌های حاکمیتی، احزاب و سیاسیون و مردم بیان کردند

مانیفست جمهوریت

- انتخابات مقدمه تحول است
- راه حل مشکلات، انتخابات است
- نبود انتخابات موجب برقراری دیکتاتوری یا هرج و مرج می‌شود
- میدان باید برای حضور جناح‌های سیاسی و گرایش‌های گوناگون در انتخابات باز باشد
- مجلس قوی باید هم نماینده جوان داشته باشد و هم نماینده باسابقه
- رقابت یعنی همه بتوانند تبلیغات کنند

برخی مدیران دانشگاهی معتقدند تمرکزگرایی مانع نقش آفرینی اساتید در پروژه‌های ارتباط با صنعت شده است

مصائب تهرانیزه شدن پروژه‌های اقتصادی

فرهنگستان

دانشگاه

یکشنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۳ | WWW.FDN.IR

بنیانگذار مایکروسافت در یادداشت پایان سال خود پیشرفت‌های علمی ۲۰۲۴ را پیش بینی می‌کند

کلید مشکلات در دستان هوش مصنوعی



دکتر طهرانچی در اولین رویداد حل مساله و همایش ملی علوم و فناوری‌های همگرا:

منحنی دوم دانشگاه آزاد باتشکیل دانشکده علوم و فناوری‌های همگرا آغاز شد

دکتر محمدمهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در اولین رویداد حل مساله و همایش ملی علوم و فناوری‌های همگرا و فناوری‌های کوانتومی که صبح دیروز در واحد تهران مرکزی برگزار شد، گفت: «بسیار خرسندم که فرصتی دست داد تا به فلسفه تغییرات در دانشگاه آزاد بپردازم. پیش از آنکه بحث را آغاز کنم، با توجه به پشت سر گذاشتن شب یلدا اشاره‌ای به آنچه پیوسته سوره یونس دارم که خداوند می‌فرماید اوست خدایی که آفتاب را رخشان و ماه را تابان فرود و میره سایه را در منازل معین کرد تا به این واسطه شماره سنوات و حساب ایام را بداند. اینها را خدا جز به حق نیافریده. خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت مفصل بیان می‌کند. واقعیت این است که در میان ادیان الهی، دین اسلام بیشترین عنایت و توجه را به اتفاقات ملکی و چرخش خورشید و ماه و نظام خلقت داشته است. یک طرف همه اعمال اتفاقات و پدیده‌های طبیعی است؛ از نماز صبح تا نماز عشاء و از روزه ماه رمضان تا عید سعید فطر، پس در دینی زندگی می‌کنیم که تاکید دارد بین ملک و ملکوت ارتباط مستمر برقرار است و منازلی که خداوند برای خورشید و ماه در نظر گرفته، برای ما عبرت آموز است.»

وی خاطرنشان کرد: «یکی از مباحث جدی که این عبرت را دارد، این است که سکون وجود ندارد و همراه با چرخش و حرکت تناوبی است و این حرکت تناوبی است که به ما درک و فهم مجرداتی همچون حساب و سن را داده است. واقعیت این است که اگر این تناوب در خلقت الهی نبود، مفهوم حساب در ذهن ما نداعی پیدا نمی‌کرد. همه ما از گذشت سال‌هاست که حساب را دریافته‌ایم و مجردات برای ما شکل گرفته و ریاضیات در ذهن بشر نشسته است، پس خلقت الهی یک الگوست که زمستان دارد و دریی آن بهار می‌آید.

متوفقان بر زمستان، بهار را نمی‌بینند.»

وی با بیان اینکه خداوند متعال در آیه ۲۰ سوره حدید برای حیات بشری چهار مرحله را ذکر کرده است، گفت: «دوران اول چرخه حیات «آزادی عمل، مواجهه حال نگر و ریسک بالا» است که خداوند در این آیه از آن به‌عنوان «لُجْمٌ وَ لَهْمٌ» یاد می‌کند. چرخه دوم دوران «بلوغ و ثمردهی» است که حصول دستاوردهای افتخارآفرین قابل اتکا در این مرحله اتفاق می‌افتد

که با عنوان «رَبِّنَةٌ» در این آیه شریفه آمده است.»

رئیس دانشگاه آزاد ادامه داد: «مرحله سوم مربوط به مباحات و دستاوردهاست که تحت عنوان «وَقَدْ خُفِّرْنَا بِنُجْمٍ» ذکر شده است. مرحله چهارم افول و فروریزی درونی است که با عبارت «تَكَافُرٌ فِي الْأُمُورِ وَ الْأَوْلَادِ» در این آیه آمده است. البته برای تفهیم بهتر این مفهوم، خداوند متعال در ادامه مثال به طبیعت اشاره کرده که هنگامی که باران می‌بارد، مرحله شکل‌گیری است و از این باران، سرزمین سبزی می‌شود. حصول دستاوردهای افتخارآفرین قابل اتکا که این سبزی و رشد، انسان‌ها را به اعجاب می‌آورد که در آیه ۲۱ سوره زمر به آن اشاره شده است (سُبْحٰنَ عِیْشِیِّ قَتَرًا مُمْسِكًا). دوران سوم مباحات و دوران چهارم صدقاً «لَمْ يَخْجَلْهُ خَطَاَمَا» است، یعنی از بین می‌رود.»

وی با بیان اینکه سازمان بالنده سازمانی است که وقتی به دوران مباحات و دستاوردهایش رسید، دوباره شکل‌گیری جدیدی را رقم بزند، گفت: «کشاورز موفق کسی است که پس از آنکه محصول خود را برداشت کرد، دوباره با شخم زدن برای حرکت جدید آماده شود. سازمان علم و دانشگاه نیز به همین شکل است و اساساً عمر بیشتر اینچنین است که متولد می‌شود، به رشد می‌رسد و به ۴۰ سالگی می‌رسد (حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً) و پس از آن مصداق «مَنْ تَعَزَّوْهُ تَكْشَفْهُ فِي الْخَلْقِ» هرچه جلو می‌رود، از طبیعت و خلقت او فروکاسته می‌شود. اینجاست که نعمت‌های خداوند بر او و گذشتگان را شاکر است و برای فرزندان طلب اصلاح می‌کند، پس توقف بر خود به هیچ وجه شایسته نیست.»

دکتر طهرانچی با بیان اینکه آینده‌نگری، جوان‌گرایی و نقش دادن به جوانان برای حرکت رو به جلو را جزئی از ارکان نظام خلقت است، تصریح کرد: «نظام پیشرو باید این موضوع را در نظر بگیرد. اینکه بیانیته‌گا دوم انقلاب، ۴۰ سالگی را مفروض دانسته و پس از ۴۰ سالگی نگاه به جوانان دارد، در این قالب است.»

رئیس دانشگاه آزاد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به داستان دانشگاه و خلق فناوری‌های معاصر گفت: «سه‌دهه است که دانشگاه بر مدار علم، فرهنگ و فناوری می‌چرخد اما فناوری خلق کرده که این فناوری بر دانشگاه و بر جریان علم دانشگاه تاثیر گذاشته و درحال رقم زدن تغییرات جدی است. درست است که علم دوران معاصر علمی است که بر بستر یونان شکل گرفت اما در دوران اسلامی تحولی به‌وقع پیوست که دوباره علم به خاستگاه غرب رفت و در آنجا با فلسفه دیگری درآمیخت؛ فلسفه‌ای که در آن مهار طبیعت و به‌استخدام درآوردن علم منظور بود و تکنیک قالب بود به‌عنوان تلقی موجودات به‌عنوان منبع نیرو و به قصد تصرف در جهان و موجودات پدید آمد.»

دکتر طهرانچی خاطرنشان کرد: «این علم با فن شناخت همراه شد و با تکنولوژی در هم آمیخت و روح و مساله خود را از تکنولوژی گرفت. اما چرا علوم پایه؟ تصور اول این بود که علوم پایه مولد فن شناخت است. بنابراین عنوان «علوم پایه» بر آن گذاشته شد. در این نگاه دانشگاه یک حصار داشت که درون آن فرهنگ، علم و فناوری وجود داشت و در جامعه، اقتصاد، امور اجتماعی و امور نژادانه نمود می‌کرد.»

وی افزود: «باتحولاتی که پیش رو داشتیم، دانشگاه‌مز خود را برداشت و بین سه‌گانه اول (فرهنگ، علم و فناوری) و سه‌گانه دوم (اقتصاد، امور اجتماعی و امور نژادانه) ارتباطات جدی برقرار شد.» رئیس دانشگاه آزاد با بیان اینکه با نگاهی به ابتدای خلق دانش جدید، درمی‌یابیم که این دانش طبیعیات و علوم طبیعی را شکست و مفهومی تحت‌عنوان «جزء‌نگری» یا Segmentation) و مطرح کرد، اظهار داشت: «در نتیجه این جزء‌نگری، علومی به‌وجود آمد که عمری بیش از ۳۰۰ سال نداشتند و پایان قرن بیستم، پایان این نگاه فراسید. نتیجه این جزء‌انگاری طبیعت و خلقت الهی، تخصص در علم و آموزش بود. تصور بشر این شد که برای فهم جهان هستی می‌تواند ریاضیات، شیمی، فیزیک، بیولوژی و... را جداگانه ببیند. بر همین مبنا رشته‌های مهندسی و شاخه‌های اقتصاد و... را خلق کرد؛ اقتصادی است که بر مهندسی برق، مهندسی مواد و مهندسی مکانیک استوار بود. درحقیقت از کل، یک نگاه تجزیه‌ای شکل گرفت.»

وی ادامه داد: «اگرچه رنگ نور سفید به‌ظاهر سفید است ولی در واقع دربرگیرنده طیفی از رنگ‌هاست. تصور این شد که به‌صورت تجزیه‌گراییانه، کل را می‌بینیم و با فهم هر جزء می‌توانیم کل را در یابیم. این نگاه درحقیقت نگاه نیوتونی به عالم هستی بود. در دوران نیوتن بود که فیزیک آکوستیک، فیزیک مکانیک، فیزیک استاتیک و... جزء جزء شد. در این دوره نگاه کل‌نگر به نگاه جزء‌نگر تبدیل شد و آرام‌آرام انسان‌ها طی ۳۰۰ سال به افرادی متخصص تبدیل شدند و تخصص‌گرایی در نظام آموزش عالی نهادینه شد.»

دکتر طهرانچی خاطرنشان کرد: «این تخصص‌گرایی باعث شد بین مفهوم تدریس و پژوهش نیز جدایی بیفتد؛ چراکه در تدریس کل‌منظر بود و در پژوهش جزء. به دانشمندانی رسیدیم که در حوزه کشاورزی وقتی به گلخانه می‌رفتند، دانشی از گلخانه نداشتند، بلکه تخصص آنها در حوزه بیماری‌های خاص یک گیاه خاص بود. این نگاه در پزشکی نیز به‌وجود آمد و باعث ایجاد تخصص‌گرایی جزء به جزء شد.» رئیس دانشگاه آزاد با اشاره به اینکه نظام‌واره علمی ایالات متحده آمریکا پس از ۷۰ سال با این مبنا شکل گرفت، گفت: «این نظام‌واره در نظام زبته‌بندی سایه‌گو ترسیم شده است. در قسمت پایین دست آن، علوم طبیعی و قسمت بالادست علوم حیات قرار دارد. در واقع علوم پایه نیز دو قسمت شد؛ علوم پایه‌ای که شامل شیمی، فیزیک، ریاضی و... و علوم پایه‌ای که شامل ژنتیک، زیست‌شناسی مولکولی و... بود.» وی ادامه داد: «اساساً نگاه این‌گونه شد که بخشی از خلقت حیات دارد و بخشی دیگر نه. این نگاه، نگاه گذشته بود که در آن علوم دقیقه را علوم پایه، یعنی پایه تکنولوژی می‌نامید. این اتفاق زمانی رخ داد که می‌شد بین تکنولوژی، فناوری و علم فاصله انداخت و این تصور وجود داشت که ابتدا پژوهش علمی صورت می‌گیرد و بعد تکنولوژی خلق می‌شود، غافل از اینکه مسائل علم، عین مسائل فناوری است و اساساً مسائل علم از حوزه فناوری می‌آید و پژوهش علمی مقدم بر تکنیک و تکنولوژی نیست. این نکته در کتاب «سیر تجدد و علم

جدید در ایران» نوشته دکتر داوری آمده است.»

دکتر طهرانچی با بیان اینکه پس از گذشت ۳۰۰ سال بشر به این واقعیت رسید که با نگاه جزء‌نگر پس از خلق فناوری‌های جدید نمی‌توان پیش رفت، گفت: «درحقیقت سه‌گانه‌ای که در دانشگاه بود، با سه‌گانه‌ای که در جامعه وجود داشت، درهم فرورفت؛ اقتصاد و علم، اجتماع و علم، اقتصاد دانش بنیان و دانش اقتصاد بنیان، فناوری که نوآوری خلق کرد و نوآوری که در علم اثر گذاشت. جامعه دانش بنیان و دانشگاه اجتماعی دوگانه‌هایی که از سر یاتایی جامعه و دانشگاه بود.»

وی افزود: «در نگاه جدید صحنه‌ای آرایش یافت که لازمه آن رویکرد جدید است. در نگاه جدید تکنولوژی شاخه‌ای در قرن بیستم به integrated interbranch technology تبدیل شد؛ اثرژی پیچیده‌تر، یکپارچه‌تر و میان‌شاخه‌ای که از آن هوابیما به‌وجود آمد. در تولید هوابیما مهندسی مکانیک، مهندسی آیرودینامیک، مهندسی برق، مهندسی صنایع و... همگی نقش دارند و اقتصاد آن نیز یک اقتصاد ترکیبی به‌هم پیوسته است.» رئیس دانشگاه آزاد اظهار داشت: «با ظهور فرادیسپلین‌ها بازی تغییر کرد. در واقع پایان قرن بیستم فناوری اطلاعات به‌عنوان اولین حلقه از فرادیسپلین‌ها پا به عرصه وجود گذاشت اما خود رشته نشد. در ابتدا در کشور ما عده‌ای از محققان دانشگاهی تصور کردند که نانوفیزیک را می‌توانند به‌عنوان یک رشته مستقل درکنار فیزیک قرار دهند اما غافل از این بودند که فناوری اطلاعات، فناوری ریزساختار فرادیسپلین هستند و نه دیسپلین. اینها حلقه و نخ تسبیح هستند که اجزا را درکنار یکدیگر فشرده‌تر می‌کنند؛ به‌عنوان حلقه‌هایی بر علم تخصصی‌شده افتادند و کلیت جدیدی خلق کردند.»

دکتر طهرانچی تصریح کرد: «فناوری زیستی و علوم شناخت ادامه داشت اما این چهار فناوری که در اثر قدرت دست‌ورزی ریزساختاری بشر حاصل شده بود، از فناوری کلاسیک- که فناوری که در سطح میکرون بود- به فناوری نانومتری گذار کرد. در فناوری نانومتری نوع فناوری، کوانتومی است؛ اثراتی حاصل از رفتار کوانتومی ریزساختارها داشت، پس بستر از فناوری کلاسیک به فناوری کوانتومی آمد و فناوری‌هایی روی آن شکل گرفت. درحقیقت

مفهومی به نام NBIC یا NBICS در سال ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد.»

وی با بیان اینکه اصل موضوع این بود که بشر توانست به قدرت دست‌ورزی ریزساختار نانومتری دست یابد، گفت: «در این نگاه، پایه‌های دی‌ان‌ای، اتم، سیناپس و بیت هم‌راستا شدند و اساساً بشر به یک نگاه یکپارچه تبدیل شد و به این نتیجه رسید که با نگاه کوانتومی و در تکنولوژی کوانتوم، بین اجزایی که پیش از این در چهار حوزه متفاوت بودند، می‌شود به یکپارچگی رفتاری رسید. نکته مهم این بود که نگاه نیوتنی و ۳۰۰ ساله، نگاه دیسپلین محور بود.» رئیس دانشگاه ادامه داد: «در نگاه قرن بیست و یکم، بین دانشگاه و جامعه الحاق صورت گرفت و صحنه علم و دانشگاه در هم تنیده و اثرات متقابل شد. فرهنگ، علم، فناوری، اقتصاد، اجتماع و فناوری درهم تنیده شد و مفهوم Convergence به‌عنوان نگاه جدید بشر به علم و جامعه خلق شد. این نگاه جدید، دهگانه‌ای را که دانشگاه و جامعه دو کارکرد متفاوت دارند، کنار گذاشت و آزمایشگاه و جامعه با هم یکی شدند.» وی با بیان اینکه در فناوری جدید فناوری از علم پیشی‌گرفت، تصریح کرد: «اگر جامعه علمی سکون طلب در قالب گذشته خود بماند، از فناوری‌های جدید عقب خواهد ماند. پاسخ به تحول، لازمه بقاست. در عالم هستی باکتري‌ها و دایناسورها با شرایط تحول مواجه شدند؛ دایناسورها که حیوانات عظیم‌الجثه‌ای بودند، با تحول همراه نشدند و از بین رفتند اما باکتري‌های ریزساختار ماندند. یکی از پیش شرط‌های درک تحول، تحول متخصصان است.» رئیس دانشگاه آزاد با تاکید بر اینکه دانشگاه باید تغییرات را درک کند، گفت: «موضوعی که همچنان در دانشگاه‌ها وجود دارد، این است که آزمایشگاه‌های ما با ۳۰ سال گذشته تفاوتی نکرده، بنابراین دانشجوی امروز حق دارد از این وضعیت گله‌مند باشد.» وی خاطرنشان کرد: «احتمالاً آنچه در آینده ساخته خواهد شد، نه فیزیکدانان می‌سازند، نه شیمی‌دانان و بیولوژیست‌ها. دوباره طبیعی‌دان‌ها با سطح دانشی بالاتر پدید خواهند آمد.»

دکتر طهرانچی در اولین رویداد حل مساله و همایش ملی علوم و فناوری‌های همگرا:

منحنی دوم دانشگاه آزاد باتشکیل

دانشکده علوم و فناوری‌های همگرا آغاز شد

تحول علمی دانشگاه روی موج همگرایی علوم

پس از شکل‌گیری دومین دانشکده علوم همگرا در واحدهای دانشگاه آزاد

راه‌اندازی مدارس مهارتی و رایانه کوانتومی در دستورکار قرار گرفته است

تحول علمی دانشگاه روی موج همگرایی علوم

دکتر طهرانچی با اشاره به آیه ۱۴ سوره المومن گفت: «یکی از اندیشمندان غربی می‌گوید جای هیچ بحثی نیست که مهم‌ترین خلق، منحصربه‌فرد در تمام شئون موجودی به نام انسان است. یک سیستم خودهمانگ و کاملاً یکپارچه که شامل هیچ فیزیک، شیمی، بیولوژی یا ریاضیات مجزاییست. ماهمه مولفه‌ها را در نظر می‌گیریم و این مولفه‌هایک سیستم خودهمانگ می‌سازد و برای درک آن باید تمام شئون آن را از زیایی کنیم. انسان یک کل است و جزء نیست و باید برگردیم و انسان‌واره را بشناسیم و بسازیم.» وی با بیان اینکه گذار فازی در این دوره، گذار فازی نوع دوم است، افزود: «کسانی که در گذار فازی نوع اول می‌خواهند به آرامی تغییر کنند، وارد دنیای جدید نخواهند شد و از بین می‌روند. امروزیش از هر زمانی، فناوری در علم اثرگذار است و علم می‌خواهد در این میدان بر فناوری پیروز شود. فناوری از آنجا حاصل می‌شود که خداوند جهان هستی را مسخر انسان کرد و از این طریق ما توانستیم بشناسیم که همان علم بود و توانستیم دست‌ورزی کنیم که همان فناوری شد.» دکتر طهرانچی با تاکید بر اینکه بزرگ‌ترین مانع تحول دانشمندانی هستند که می‌خواهند بر علم گذشته خود بایستند، گفت: «در یک گزارش روسی آمده که تغییر رادیکالی در ساختار فعلی علم نیازمندیم. جالب است زمانی که این گزارش را جست‌وجو می‌کردم، به منابع سال ۱۳۹۵ خود برخوردیم، یعنی اتفاقی که امروز در دانشگاه آزاد رقم می‌خورد، نشأت‌گرفته از خطی است که سال ۱۳۹۵ به دنبال آن بودم، یعنی درک تحولات و تغییر رادیکالی در ساختار علم.»

وی خاطرنشان کرد: «یک کرد‌همایی در بنیاد علم آمریکا در سال ۲۰۰۱ با حضور ۸۱ نفر از مقامات عالی‌رتبه کاخ سفید، اعضای دولت و بنیاد ملی علم، دانشگاه‌ها و بخش صنعت آمریکا درباره برنامه یکپارچگی علوم و همگرایی فناوری‌ها تشکیل و در آن تاکید شد که امروز تخصصی شدن، هنرها و مهندسی را قطعه‌قطعه کرده و کسی نمی‌تواند جز در بخش کوچکی از خلاقیت‌های انسانی مهارت کامل داشته باشد. همگرایی علوم می‌تواند آغازگر رنسانس جدیدی باشد که متضمن نگرشی کل‌گرایانه نسبت به فناوری است. بر این اساس حرکتی به سوی وحدت دانش‌ها شکل گرفت.» رئیس دانشگاه آزاد ادامه داد: «در سیاست علمی ایالات متحده آمریکا عنوان شده که محیط‌های دانشگاهی و موسسات آموزشی در تمامی جنبه‌ها باید اصلاحات برنامه‌ای و سازمانی عمده‌ای برای بازسازی تدریس و پژوهش در زمینه علم و فناوری برعهده بگیرند. از سال ۲۰۱۰ مرحله دیگری از همگرایی تحت‌عنوان NBICS یا NBIC2 در ایالات متحده آغاز شد که بر یکپارچگی فعالیت انسان در دانش، فناوری، رفتار انسان و جامعه با تکیه بر ارزش‌ها و نیازها تاکید دارد.»

دکتر طهرانچی گفت: «(رابطه انسان و فناوری به‌گونه‌ای است که «بِمَاكَانُوا يَضْعَعُونَ» می‌تواند روزگار آباد ما را به روزگار تلخ تبدیل کند؛ آنجا که خداوند می‌فرماید خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلس در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها می‌رسید تاآنکه اهل اهل شهر نعمت‌های خدا را کفران کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی را به آنها چشاندید و چون لباس سربلای وجودشان را پوشاند.» وی با تاکید بر اینکه فناوری جهت‌دار است و باید برای مردم باشد، گفت: «سوال این است که در علم و فناوری می‌خواهیم مولد باشیم یا مقلد؟ اگر مقلد باشیم، جامعه ما یک جامعه مصرف‌کننده خواهد شد. رسالت دانشمندان پیشینازی در تحول علم و فناوری است و وظیفه آنهاست که خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارند چنان‌آتش که مردم و سنگ آتش افروز اوست.» رئیس دانشگاه آزاد در پایان با اشاره به کتاب «منحنی دوم» نوشته چارلز هندی گفت: «این نویسنده در کتاب خود عنوان می‌کند که مسیر رشد تا مسیر نهاییت پیش می‌رود و پس از آن دوره افول آغاز می‌شود. کسی می‌تواند موفق شود که زمان افول، منحنی دوم را شروع کند. این موضوع درباره کسب وکارها، تمدن‌ها و مقالات و... نیز صدق می‌کند، پس دلیل اینکه دانشگاه آزاد با دانشکده علوم پایه منحنی اول خداحافظی و دانشکده علوم و فناوری‌های همگرا و کوانتومی را افتتاح کرده، براساس این نظریه است.»

رهبر انقلاب ۲ ماه مانده به انتخابات مجلس دوازدهم مهمی خطاب به دستگاه‌های حاکمیتی، احزاب و سیاسیون و مردم بیان کردند

مانیفست جمهوری

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيّما بقية الله في الارضين (عجل الله تعالي فرجه الشريف).

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مردم عزیز خوزستان، مردم عزیز کرمان. جلسه، جلسه بسیار صمیمی و مشمول لطف الهی است ان شاء الله. برای بنده جای خوشبختی است که توانستم جمعی از مردم این دو استان مهم را زیارت کنم. به همه شماها، یکایک شما، خوشامد عرض می‌کنم. به خصوص به خانواده شهیدان عزیز و جانبازان عزیز. از این جلسه بسیار شیرین و صمیمی استفاده می‌کنم. الا برای اینکه چند کلمه راجع به این دو استان عرض کنم. نسل جوان ما، نسل جدید ما، لازم است با افتخارات نسلی و تاریخی و میراثی خود بیشتر آشنا بشود؛ این کار، امروز لازم است، فردا [هم] لازم است. آنتیبین [تسلسل تاریخی موزیث ارزشمند بخش های مختلف کشور، یکی از کارهای هدف‌گذاری شده همه دلسوزان کشور و انقلاب باید باشد. چند جمله درباره خوزستان و چند جمله درباره کرمان عرض می‌کنم. بعد هم به یک مساله ملی و مهم اشاره خواهم کرد و آن مساله انتخاباتی است که در پیش روست. بعد هم چند کلمه راجع به این مساله مهم بین‌المللی اسلامي، یعنی مساله غزه، [عرض می‌کنم و به آن] اشاره خواهم کرد؛ این برنامه صحبت های امروز ما و عرایض امروز ما با شما برادران و خواهران عزیز است.

اما درباره خوزستان. شاید بشود گفت که در تاریخ صدوبیست سی ساله اخیر کشور ما، خوزستان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مراکز مقاومت ملت ایران بوده و مظهر مقاومت ملت ایران در طول این مدت، مردم خوزستان بودند. اگر جوان های ما با تاریخ آشنا باشند، می‌دانند که حدود صد و اندی سال قبل، در دنباله‌های جنگ اول جهانی که انگلیس ها آمدند. به این منطقه از ایران و عراق حمله کردند، مدافعه مردم خوزستان بود که انگلیسی ها را عقب زد. فتوای علمای نجف را مردم غیور خوزستان در دست گرفتند. پرچم بلند کردند، مقابل انگلیس ها ایستادند. آنجا انگلیس ها با لشکر و ترابایی های نظامی وارد شده بودند، بحث تبلیغات و مانند اینها دیگر نبود؛ بر عراق مسلط شده بودند، می‌خواستند بر این منطقه از ایران هم مسلط بشوند؛ مردم خوزستان طبق فتوای علمای نجف، مرحوم آ میرزا محمدتقی شیرازی و دیگران. در مقابل انگلیس ها ایستادند. در سفری که بنده چندین سال پیش به خوزستان داشتم، پرچم آن مبارز بزرگ، رازورند و ما [هم] آن پرچم را هدیه کردم به آستان قدس رضوی؛ آن پرچم که مال مردم خوزستان است، الان موجود است. در تاریخ، اینها مهم است، اینها خیلی با ارزش است. خوزستان همیشه سپر کرد در مقابل انگلیس ها، نه فقط برای دفاع از خوزستان، بلکه برای [دفاع از ایران.

در قضیه نهضت ملی نفت، در سال‌های آخر دهه ۳۰، خوزستان محل برخورد میدانی ایران و انگلیس بود، به شکل تصرف لایق‌نگاه آبادان - که در اختیار انگلیس ها بود- و تصرف مناطقی و مراکزی که انگلیس ها برای خودشان درست کرده بودند. خوزستانی‌ها اینجنا هم صف جلو و در صف مقدم بودند.

از همه اینها مهم‌تر، ایستادگی مردم خوزستان بود در مقابل تهاجم در سال ۵۹. اولین گروه دفاع از خود خوزستانی‌ها بود. یک محاسبه غلطی را صدام کرده بود و آن، این بود که فکر می‌کرد اگر حمله کند به طرف شهرهای خوزستان -آبادان و خرمشهر و اهواز...- مردم عربی که در این مناطق هستند، علیه کشور خودشان با او همراه و همدست خواهند شد! این اشتباه غلط را صدام کرد؛ خیال می‌کرد خوزستان در اختیار او قرار خواهد گرفت و مردم عرب ایرانی و جمهوری اسلامی مذاکره کرد. اولین کسانی که سینه سپر کردند، همین مردمی بودند که او به آنها امید داشت. سردار شهید عزیز علی هاشمی (رضوان الله علیه) یک نمونه است. در اوایل جنگ، آوازه او را صدامی‌ها شنیده بودند و چند سال دنبالش می‌گشتند؛ هرکس را اسیر می‌کردند، می‌پرسیبند علی هاشمی کیجاست؟ دنبال علی هاشمی بودند. مادر شهید تا [این] اواخر عمر بود. اقوام خوزستانی، از عرب و غیرعرب، لر و بختیاری و دیگران، اولین کسانی بودند که در مقابل صدام ایستادند و یک صحنه را تشکیل دادند؛ اینها و جمهوری اسلامی مذاکره کردند؛ خوزستان نامده هبستگی ملت ایران شد. از یک جهت دیگر هم خوزستان یک استان ممتاز است و آن این است که خون شهیدان همه استان‌های کشور روی خاک خوزستان ریخته شده؛ این یعنی چه؟ یعنی خوزستان نماد همدلی و همبستگی همه ملت ایران است. جوان‌ها، پیش‌فرازان، قداکاران، از همه نقاط کشور آمدند در آنجا. با ایمان شان و با انگیزه‌شان جنگیدند و جان خودشان را در راه دفاع از ایران و جمهوری اسلامی فدا کردند؛ خوزستان نامده همبستگی ملت ایران شد.

هرچه در طول تاریخ از قومانی های ملت ایران شنیده بودیم- از فداکاری ها، از گذشت‌ها از ایستادگی ها- در دوران دفاع مقدس به چشم خودمان در خوزستان مشاهده کردیم. بنابراین خوزستان مظهر ویژگی‌ها برجسته ملت ایران شد. این درباره خوزستان؛ جوان‌های عزیزمان این چند کلمه را همراه بنده با همه بارها بار با صداها برابر این، از مناقب آن منطقه مهم کشور. و اما کرمان. بنده در طول سال‌ها ناس بار کرمان و کرمانی‌ها، نقاط درخشان را در این استان و در مردم این استان، باالیمان مشاهده کرده‌ام؛ شنیدنی نیست، دیدنی است، حس کردنی است. اگر بخوایم در چند جمله از مهم‌ترین این ویژگی‌ها اسم ببریم، من باید عرض کنم که الا هویت عمیق فرهنگی کرمان، ثابان نخبه پیروزی کرمان، از خصوصیات این استان پرورش نخبگان است [همچنین] آنجايت اخلاقي و ایمان صادقانه مردم کرمان، و پیشگامی مردم کرمان در پیوستن به نهضت اسلامی و انقلاب. بنده فراموش نمی‌کنم که در سال ۴۲ در مدرسه معروف کرمان اگر این رسم درست پادم مانده باشد، این جوان‌ها و نوجوان‌های کرمانی، مثل یک زنجیره، با عناصر مبارز و باطراب و فضایی مبارزی که در آنجا بودند، برتری می‌آوردند در این مدرسه می‌رفتند، اعلام‌یه می‌دادند، اعلام‌یه می‌رفتند، پیام می‌گرفتند، درس می‌گرفتند و می‌رفتند در سطح استان پخش می‌کردند. زمینه رسیده شخصیت بزرگی مثل حاج قاسم سلیمانی اینهاست. شهید پیروپی و اتصالی با ارتباط با مفاهیم اسلامی برجسته و مبارزه با باکرمیان و کرمانی‌ها، نقاط درخشان را در این استان و در مردم کرمان مشاهده کرده‌ام.

بله، یک قاسم سلیمانی کافی است که نه فقط استان کرمان، بلکه ملت ایران به و افتخار کند و میاهدات کند؛ این درست، اما مطلب مهم دیگر در کنار این، آن است که آن زمینه فرهنگی‌ای که قاسم سلیمانی را تربیت می‌کند، چیست؛ به این زمینه فرهنگی باید تکیه کرد. این ایدمان نشانده، آن گذشت‌ها، آن سلاطنت فکری و هدایت الهی‌ای که خدای تعال به مردمی عنایت می‌کند، زمینه‌های فرهنگی است. البته این زمینه‌ها همیشه

محمد علی نمازی، عضو حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نماد امنیت سیاسی، انتخابات رقابتی و با مشارکت بالاست

محمد علی نمازی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی دیگر نماینده حزبی بود که به محوری مورد اشاره توسط رهبر انقلاب اشاره کرد و برگزاری انتخابات‌های رقابتی و مشارکتی را لازمه هر نظام دموکراتیکی دانست که البته در سایه شکل‌گیری حزب و فعالیت موثر آنها محقق خواهد شد. موضعی که به گفته نمازی با غفلت همراه شده است، درحالی‌که احزاب می‌توانند، حلقه اتصال میان دولت و ملت‌ها باشند. این عضو حزب کارگزاران سازندگی در صحبت‌های خود موضوع شکل‌گیری افزایش مشارکت را به انگیزه مردم در انتخابات مرتبط دانسته و البته رقابت را تنها به عرصه سیاسی محدود ندانست و گفت: «رهبر انقلاب می‌فرماید که انتخابات باید این ویژگی‌ها را داشته باشد، مشارکت قوی و حداکثری، بارها در انتخابات‌ها رهبری از مشارکت حداکثری صحبت کردند و هر چند میزان مشارکت بالا برود، کم‌کم انتخاب درست‌تر خواهد شد هم اکثریت بیشتری که در تعیین انتخاب حضور داشتند، از انتخاب خود حمایت خواهند کرد. مشارکت حداکثری در گرو رقابت واقعی در انتخابات است. رقابت حرف اول را در نظام‌های دموکراتیک و جمهوری می‌زند. می‌خواهم اینجا یک پزینت باز کنم و بگویم رقابت فقط در عرصه سیاسی نیست، بلکه در عرصه‌های مختلف نیز اگر رقابت مینا قرار گیرد، هم روند کارها سالم خواهد بود و هم خورجی سالم و مورد نظر اکثریت خواهد بود. اگر در اقتصاد، رقابت را مبنا قرار دهیم، هزینه‌ها کاهش پیدا می‌کند و آن محصول مرغوب خواهد شد. رقابت در عرصه سیاسی چطور اتفاق می‌افتد؟ انگیزه نیاز است تا مردم پای صندوق‌های رای بیایند و مشارکت افزایش پیدا کند. انگیزه از اینجا ناشی می‌شود که وقتی نتیجه کاندیدای‌ها یا فهرست کاندیداها بیرون می‌آید، اکثر جناح‌ها و احزاب در این ۲۰ فهرست کاندیدا دارند، وقتی کاندیدا داشته باشند هیچ چیزی نمی‌تواند مانع مشارکت مردم شود. رقابت زاینده تنوع در کاندیداها و وجود کاندیدای‌های موردنیاز اکثریت است. متأسفانه الان در این انتخابات چهره‌های شاخص و بیشتر از اصلاح‌طلبان، نسبت‌نام نکردند. این یک عیب است و در رقابت خلل ایجاد می‌کند. آنهایی هم که مانند من در انتخابات ثبت‌نام کردند، با تانگ نظری و رفتن به گذشته و تلاش برای پیدا کردن نقطه ضعفی بدون اینکه به اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی و مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی توجه کنند، افراد زیادی در صلاحیت شدند.

هست، منتها وقتی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نیست، این ظرفیت‌ها بروز پیدا نمی‌کند. وقتی جمهوری اسلامی به وجود می‌آید آن وقت این شخصیت‌هایکی یکی ظهور می‌کنند، بروز پیدا می‌کنند. آن شهید حسین علم‌الهدی است، آن شهید علی هاشمی است، آن شهید همت است. آن شهید همت است. آن شهید حاج قاسم سلیمانی است، من می‌خواهم به شما جوان‌های عزیز، جوان‌های خوزستان و کرمان عرض کنم که به این ویژگی‌ها بیالید، افتخار کنید، مباحثات کنید. این میراث نسلی و تاریخی را قدر بدانی‌د. از این خصوصیات برای ساختن آینده کشورتان استفاده کنید. این کشور باید ساخته بشود. ما خیلی نقص داریم، ما خیلی عقب‌ماندگی داریم. ده‌ها سال بلکه صدها سال حاکمیت جباران کشور ما را در خیلی از چیزها عقب نگه داشتیم. با توجه به سابقه تاریخی ما امروز باید در علم پیشرو قافله علم دنیا می‌بودیم، که نیستیم. ما امروز باید احکام اسلام و معارف اسلام را در جزء جزء زندگی کشور خودمان باالیمان نشان می‌دادیم؛ سازندگی اسلام را، توانایی اسلام را در اداره کشور باید نشان می‌دادیم؛ توانستم بکنیم و عقیبم؛ این عقب‌ماندگی‌ها باید جبران بشود. شما جوان‌های ما، ملت ایران می‌تواند، خداوند ان شاء الله شماها را حفظ کند، این آمانگی‌ها را خدا افزایش بدهد و در بخش‌های مختلف به مرحله عمل دربیاید. خوب، حالا این چند جمله راجه به خوزستان و راجع به کرمان. و اما مساله مهم انتخابات، مساله تعیین‌کننده انتخابات، محدود دو ماه دیگر، در کشور دو انتخابات مهم داریم. من اوایل سال به این انتخابات اشاره کرده‌ام [آن موقع] فاصله زیاد بود، حالا فاصله کم شده، ملت ایران برای انجام این دو انتخابات باید به بهترین شکل آماده باشد. یک انتخابات، دو انتخابات مجلس خیرگان رهبری است. اهمیت مجلس خیرگان رهبری در آنجاست که در موقع لازم می‌تواند رهبر مناسب رابری کشور انتخاب کند و در طول زمان هم می‌تواند می‌یابد مراقب حفظ شرایط حیاتی رهبری در شخص رهبر موجود باشد. این اهمیت مجلس خیرگان رهبری است که بایستی ملت ایران، مردم استان‌ها، داقت کنند، مراقبت کنند و این انتخابات را به بهترین وجه برگزار کنند. و اما انتخابات مجلس شورای اسلامی -که این دو [انتخابات] یا هم انجام می‌گیرد- بسیار مهم است. مجلس شورای اسلامی، طبق قانون اساسی، ریل‌گذاری کننده آینده کشور است. اگر کشور مشکلاتی دارد، برای رفع این مشکلات، مجلس شورای اسلامی فدا کننده، حضور مدبرانه مجلس شورای اسلامی است؛ اهمیت این انتخابات در این است. این دو انتخابات بایستی باشکوه برگزار شود.

بنده چهار خصوصیت را در اول اسمال راجع به این انتخابات به ملت ایران عرض کردم؛ اول مشارکت قوی، ثابان رقابت واقعی، ثالثا سلامت به معنای حقیقی کلمه، و رابعا امنیت انتخابات؛ این چهار خصوصیت باید انتخاب بگیرد. قبل از اینکه راجع به این چهار خصوصیت صحبت بکنیم -که من حالا مرود چند جمله عرض می‌کنم- بعد باز در فاصله این دو ماه اگر رنده بودیم و توفیقی بود، با مردم عزیزمان مجددا صحبت خواهم کرد. بایستی اصل منطق انتخابات در جمهوری اسلامی روشن بشود. چرا انتخابات [بزرگ] آ می‌کنیم؟ من عرض می‌کنم هر دو کلمه، جمهوری و اسامی، وابسته به انتخابات است. جمهوری یعنی مردم سالاری، یعنی حاکمیت کشور به دست مردم. عضو مردم چپوری در حاکمیت دخالت کنند؟ هیچ راهی به جز انتخابات وجود ندارد. بعضی‌ها در مورد لزوم انتخابات اشکال تراشی می‌کنند. [مردم] اول درس می‌کنند. توجه نمی‌کنند که اگر انتخابات در کشور نشاند، باید دیکتاتوری است یا هر موج و ناامنی است. آن چیزی که جلوی بروز دیکتاتوری را در کشور می‌گیرد انتخابات است. آن چیزی که جلوی هر موج و اغتشاش و ناامنی را می‌گیرد انتخابات است. انتخابات آن مسیر صحیحی است که مردم می‌توانند به وسیله آن و از آن مسیر، حاکمیت ملی را در مردم سالاری را، جمهوری را در کشور تأمین کنند. این، مساله جمهوریخواهانه و اولان در کشور ما همه جنبش در انتخاب شرکت کنند و به وجود بیایورد؛ یعنی اسالاجی را تأمین کند. انتخابات می‌تواند نمایندگانی را در مجلس شورای اسلامی مستقر کند که طبق مقررات اسلامی و معارف اسلامی، برای مدیریت کشور قوانین تدوین کنند. پس بنابراین، هم جمهوری و هم اسالامیت، متکی به انتخابات است. بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی، انتخابات ضروری است.

در این انتخابات، قوانین چهار نقطه‌ای که گفته‌ام مهم است، اول، مشارکت؛ مشارکت یعنی حضور پرشور مردم در انتخابات. اگر حضور پرشور مردم در انتخابات باشد، این وحدت

ملی را نشان می‌دهد، این انگیزه ملت ایران رابری حضور در صحنه نشان می‌دهد؛ انگیزه ملت ایران و وحدت ملی، قدرت ملی به وجود می‌آورد؛ قدرت ملی موجب امنیت کشور می‌شود؛ وقتی کشور امنیت پیدا کرد، آن وقت علم در آن کشور پیشرفت می‌کند، اقتصاد در آن کشور به شکوفایی می‌رسد، مشکلات گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در کشور قابل حل می‌شود؛ مشارکت یک چنین معجزه‌ای می‌کند. انتخابات در کشور تحول ایجاد می‌کند. بعضی‌ها اسم تحول رامی‌آورند، اظهار طرفداری از تحول می‌کنند، اما عملا آن چیزی که مقدمه حتمی تحول است، مورد بی‌اعتنایی‌شان قرار می‌گیرد یعنی انتخابات. با انتخابات می‌شود در کشور تحول ایجاد کرد. صاحبان دیدگاه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی می‌خواهند تحول ایجاد کنند به نفع دیدگاه سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی خودشان؛ خیلی خوب، راهش چیست؟ راهش این است که با انتخابات -حالا چه انتخابات مجلس، چه انتخابات مجلس خیرگان، چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات شوراها- کسانی را که با فکر سیاسی آنها و جهت‌گیری سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی آنها همراهند، سرکار بیاروند؛ این می‌شود تحول. بنابراین باید انتخابات با همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صدراعظمی‌ها، مطروعی‌ها، جوان‌ها، افراد در داخل خانواده، اینها همه می‌توانند نمدای انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات انتخابات پرشوری خواهد شد. اگر مشارکت ضعیف باشد، مجلس ضعیف خواهد شد و مجلس ضعیف توانایی کامل برای رفع مشکلات نخواهد داشت. اگر می‌خواهم مشکلات برطرف بشود، باید مشارکت را بالا ببریم؛ این وظیفه همه است. هر که می‌خواهد مشکلات کشور برطرف بشود، راهش این است. این، مساله مشارکت. البته اگر در آینده عمر و فرصت بود، من باز مطالبی را در این باره [عرض خواهم کرد.

ام‌اساله رقابت؛ رقابت یعنی چه؟ رقابت یعنی جناح‌های سیاسی برای شرکت در انتخابات باهم مسابقه بگذارند؛ گریش‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی، در انتخابات باهم مسابقه بگذارند؛ میدان‌ها باشد برای مسابقه جناح‌های سیاسی و نگاه‌های سیاسی و نظرات سیاسی، همچنین اقتصادی، همچنین فرهنگی؛ این معنای رقابت است. رقابت یعنی جوان‌هایی که می‌خواهند وارد میدان انتخابات بشوند، با افراد سابقه‌دار و باتجربه مسابقه بگذارند؛ اینها تلاش کنند، آنها هم تلاش کنند. و یک مجلس خوب و قوی آن مجلسی است که هم از این جوان‌ها داخل باشند، هم از آن مجرب‌ها و سابقه‌ها داخل باشند. رقابت یعنی این؛ یکی از مهم‌ترین مسائل در باب انتخابات، این مسابقه گذاشتن است. رقابت یعنی همه بتوانند تبلیغات کنند، منتها تبلیغات درست، من درباره تبلیغات هم ان شاء الله اگر عمری بود، بعدا عرض خواهم کرد. تبلیغات بایستی همراه با اخلاق و دیانت باشد. تبلیغات غیر از تهمت زدن است، غیر از دروغ گفتن است، غیر از وعده خلاف دادن است. تبلیغات یعنی انسان نظرات خود را برای مردم بیان کند. تبلیغات این است و باید ان شاء الله برای همه فراهم باشد. خوب حالا در زمینه حرف زیاد است. در مورد سلامت انتخابات و امنیت انتخابات هم اگر عمری بردان شاء الله بعدا مطالبی عرض خواهم کرد. بنابراین مساله این انتخابات را به یاد داشته باشید. بعضی‌ها مردم را از انتخابات لاسرد می‌کنند؛ این کار غلطی است، این آن نشانه است، این به ضرر انتخابات است؛ به ضرر کشور است؛ به ضرر فلان شخص و فلان آدم نیست، به ضرر کشور است. بعضی‌ها برای اینکه مردم را از انتخابات لاسرد کنند، مدام مشکلات کشور را جلوی چشم می‌آورند. خوب اگر مشکلات وجود دارد، در حل مشکلات چیست؟ راه حل مشکلات انتخابات است. اتفاقا برای اینکه مشکلات برطرف بشود، بایستی در انتخابات شرکت کرد. این راجع به انتخابات. اما راجه به مساله بین‌المللی و اسلامی غرن. دو ماهه وقت از شروع حادته خوددار می‌گردند. این حادته یک پدیده بی نظیری در تاریخ اخیر دنیای اسلام است؛ در تاریخ اخیر- شاید در این یک قرن اخیر- «مادیرگ شهبیه این حادته نداریب». حادته‌های القاده‌ها است. حادته بی نظیری است. چطور بی نظیر است؟ از دو سو، از دو سمت، این حادته بی نظیر است. از سمت رژیم صهیونیستی این حادته بی نظیر است؛ چرا؟ برای اینکه هرگز این جور سفاکی، این جور شجاعتی، این جور خونخواری در این دوره نداشتیم که اشاره کردیم دیده نشده؛ این جور کودک کشی، این جور بیب سنگرشکن رازوی سر بیمران بیمارستان‌ها انداختن، این جور



بی‌رحمی، این جور خیانت، بی نظیر است و دیده نشده؛ این از طرف رژیم صهیونیستی، از طرف مقابل، از طرف فلسطین و مبارزان فلسطینی [هم] این جور ایستادگی، این جور صبر، این جور مقاومت، این جور دشمن را دیوانه کردن دیده نشده. مردم غزه، مبارزان غزه، مثل صخره، مثل کوه، ایستاده‌اند؛ این چیز مهمی است. آب نمی‌رسد، غذا نمی‌رسد، دارو نمی‌رسد، سوخت نمی‌رسد- آب نمی‌رسد- [اما] ایستاده‌اند و تسلیم نمی‌شوند؛ خیلی مهم است. همین تسلیم نشدن آنها را پیروزی می‌کند؛ کما اینکه نشانه‌های پیروزی امروز دیده می‌شود. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ خدا با صبرکنندگان است. رژیم صهیونیست، با آن همه تجهیزات، با آن همه امکانات، در مقابل مبارزان فلسطینی که تقریباً می‌شود گفت تجهیزات‌شان قابل مقایسه با تجهیزات رژیم صهیونیستی نیست. ناتوان مانده، شنیدید، بخش‌های مهم و فعال لشکر خودش را از میدان خارج کرد، چون دیده نمی‌توانند کاری بکنند و فقط تلفات تحمل می‌کنند؛ اینها مهم است، اینها پدیده‌های بی نظیری است. یک نکته اساسی این است که شکست رژیم صهیونیستی در این حادته فقط شکست رژیم صهیونیستی نیست، شکست آمریکا است. امروز در دنیا هیچ‌کس تفاوتی میان رژیم صهیونیستی و آمریکا یا انگلیس نمی‌گذارد؛ همه می‌دانند که اینها یکی‌اند. آمریکا بیشترانه قطعنامه شورای امنیت رابری قطع بمباران و آتش‌بس رتو می‌کند؛ اینها باهم فرقی ندارند، اینها یکی‌اند. «وتو می‌کند، یعنی چه؟ یعنی همدستی می‌کند در ریختن بسم روی

کودک‌وزن و بیمار و پیر و مردم بی دفاع. در این حادته آموری آمریکا رفت، نقاب از چهره‌تم‌دن غربی افتاد. پیروزی بزرگ ملت فلسطین در این است که غرب را آمریکا را، ادعاهای دروغین حقوق بشری رایی برآورد کردند. امروز دیگر همه می‌دانند که این ظاهر سازی‌ها اسم حقوق بشر و انسان‌مدانند؛ اینها لایردن، باطش چیست. اسرائیل بدون آمریکا نمی‌توانست دست به این روشن‌شد، برای همه مردم دنیا آشکار شد. اسرائیل بدون آمریکا نمی‌توانست دست به این سفاکی بزند؛ اگر آمریکا موافق نبود، اسرائیل جرات نمی‌کرد. رژیم صهیونیستی به پشت‌گرمی آمریکا بود که توانست این همه جنایت در طول مدت دو ماهه، منجم بدهد؛ این راهه می‌دانند در دنیا آموری آمریکا رفت؛ خود این بزرگ‌ترین موفقیت است؛ این بزرگ‌ترین پیروزی است برای جبهه حق و جبهه مقاومت. در میدان کشنده‌های شکست این جنایت‌کاران دارد یکی پس از دیگری پلیدار می‌شود. در عرصه انسانی همه به کلی شکست خوردند؛ این واقعیت این صحنه است. ذات کاخ سفید بر ملا شد، باطن حکومت آمریکا و انگلیس آشکار شد. خوب، امروز وظیفه چیست؟ کمک به مقاومت، هر کسی هر جور می‌تواند باید به مقاومت کمک کند. کمک به مقاومت وظیفه است، کمک به رژیم صهیونیستی جنایت و خیانت است. بعضی از دولت‌های مسلمان متأسفانه این جنایت را مرتکب می‌شوند، [اما] بداندند که ملت‌های مسلمان این را فراموش نخواهند کرد. امروز وظیفه است که دولت‌های مسلمان نگذارند کالا و نفت و سوخت و مانند اینها به رژیم صهیونیستی برسد، همچنان که او نمی‌گذارد آب به مردم غزه برسد؛ این وظیفه دولت‌های مسلمان است. وظیفه ملت‌های مسلمان [هم این] است که از دولت‌های خودشان بخواهند هرگونه کمکی [به رژیم صهیونیستی] را قطع کنند، بلکه رابطه‌های خود را قطع کنند؛ اگر قادر نیستند رابطه خود را به طور دائم قطع کنند، لاقول به طور موقت قطع کنند؛ روابط خودشان را فشار بگذارند روی این عنصر خبیث ظالم خونخوار سفاک.

می‌بینید امروز وجدان دنیا به درد آمده، احساس درد می‌کند. در آمریکا، در کشورهای اروپایی، مردم به خیابان‌ها می‌آیند؛ این شوخی نیست. شخصیت‌های سیاسی در بعضی از این دولت‌ها و کشورها به خاطر کمک دولت‌هایشان استعفا می‌کنند؛ روسای دانشگاه‌ها استعفا می‌کنند؛ دانشمندان، افراد سرشان استعفا می‌کنند. اعتراض می‌کنند. وجدان دنیا به درد آمده، در عین حال بعضی‌ها باز همان کمک‌ها دارند؛ به این رژیم ظالم و سفاک انجام می‌دهند.

بنده عرض بکنم تردیدی نداشته باشید که پیروزی با جبهه حق است. تردیدی نداشته باشید که رژیم غاصب صهیونیستی یک روز از روی زمین ریشه‌کن خواهد شد و این ان شاء الله جزء آینده‌های حتمی است؛ بعون الله و بدان الله و عزت‌ه این کار خواهد شد و امیدواریم ان شاء الله شما جوان‌ها را روزی زور به چشم خودتان ببینید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نمی‌شود. احزاب حلقه اتصال بین دولت‌ها و ملت‌ها هستند. اگر جایی ملت از امری ناراحت باشد و بخواهد استیفای حقوق کند، در اینجا احزاب به میان می‌آیند و میان دولت و ملت را تعدیل می‌کنند. همچنین این دو را نزدیک کرده و از اعتصابات صنعتی جلوگیری می‌کنند.»

در بخش کاندیدای انتخاباتی خلأ داریم

لزوم برگزاری انتخابات سالم امر دیگری بود که این عضو حزب کارگزاران به آن اشاره کرد و گفت: «سلامت انتخابات مفهومی کاملاً روشن دارد و هنری بی‌ناکید بر معنای حقیقی کلمه بر آن توجه داشتند. سلامت انتخابات عبارت است از اینکه خواست مردم به منصف ظهور برسد؛ مردم یعنی اکثریت. در هر حوزه انتخابی وقتی اکثریت یک کاندیدی را خواستند، هیچ عاملی از انتخاب آن جلوگیری نکند و مردم آزادانه تبلیغ و مناظره کنند. این انتخاباتی سالم است. سلامت انتخابات پس از وجود و حضور کاندیداهای مختلف و مورد تیره مردم، فضایی می‌خواهد که در آن فضا به راحتی گفت‌وگو شود؛ تبلیغ و مناظره کنند. وقتی چنین فضایی وجود داشته باشد، دیگر پول و ثروت نقش در هدایت مردم نخواهند داشت. امنیت نیز تکلیفش روشن است، امنیت فقط امنیتی نظامی نیست. انواع و اقسامی دارد. امنیت سیاسی نمداش همین انتخابات رقابتی و با مشارکت حداکثری است. زمانی که فضا برای این دست از انتخابات فراهم باشد، مردم راحت می‌توانند رای خود را به صندوق بیندازند. امنیت سیاسی برقرار است و آن چهار ویژگی حاصل خواهد شد. متأسفانه خلئی که ما داریم، در بخش کاندیدای‌های انتخابات است. ملت ایران اکثریت‌شان با جمهوری اسلامی ایران موافق هستند و می‌خواهند این نظام هر روز قوی‌تر، متعالی‌تر و آزادتر در اداره کشور عمل کند و بتواند خواسته‌هایشان را برآورده کند. چنین ملتی اگر فضا برایش فراهم باشد، در انتخابات شرکت خواهد کرد. عده‌ای متأسفانه به دلیل ضعف در عملکردشان، تلاش می‌کنند مسئولان و مقامات را از مردم برسانند، نه این‌گونه نیست. مردم می‌خواهند ایران آباد باشد، در رفاه باشند و آینده فرزندان‌شان روشن باشد.»

چرا استراتژی ارتش یمن در برابر صهیونیست‌ها بیشترین اثرگذاری را داشته است؟

محاصره در برابر محاصره

«پایان حملات وحشیانه» و «ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه» از اصلی‌ترین اهدافی بود که پای ارتش یمن را به جنگ غزه باز کرد. پیش از تهاجم به غزه و حتی روزهای ابتدایی آن، نه رژیم صهیونیستی و نه حامیان غربی آن گمان نمی‌کردند دورترین جبهه «محور مقاومت» به رژیم صهیونیستی بتواند چنین سخت‌گلوی صهیونیست‌ها را بفشارد. همانند جبهه شمال فلسطین اشغالی و جبهه مقاومت عراق، در یمن نیز استراتژی مقابله با رژیم صهیونیستی مرحله به مرحله توسعه پیدا کرد تا به نقطه امروزی رسید.

ارتش یمن پس از بی‌توجهی رژیم صهیونیستی به خواسته‌اش برای اجازه ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه و همچنین پایان دادن به جنگ وحشیانه علیه غزه، دست به کار شد و اولین بار در ماه اکتبر، موشک‌ها و پهپادهایی را به‌سمت جنوب اسرائیل شلیک کرد. بخشی از این موشک‌ها و پهپادها به اهداف اصابت کردند اما برخی دیگر توسط اسرائیل و متحدانش رهگیری شدند. از آنجایی که رژیم صهیونیستی با حمایت و میان‌داری ژنرال‌های آمریکایی، حاضر به پایان دادن جنایاتش در غزه نبود، ارتش یمن به‌طور قابل توجهی حملات خود را وسعت داد و به‌سمت بهره‌برداری از موقعیت خود در نزدیکی دریای سرخ پیش رفت. آنها با توجه به نزدیکی به تنگه باریک باب‌المندب، همان راهبردی را در دستورکار قرار دادند که رژیم علیه مردم غزه به‌کار برد؛ «محاصره در برابر محاصره».

قحطی در غزه

یکی از دلایل بی‌نی‌ها برای تشدید فشار بر رژیم صهیونیستی، جنایتی است که آنها در غزه مرتکب می‌شوند. صهیونیست‌ها برای وادار کردن مردم غزه به تسلیم، جدا از بمباران وحشیانه و بی‌هدف، جریان آب و برق به غزه را به‌طور کامل قطع کرده و محاصره همه‌جانبه‌ای را علیه غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان اعمال کردند. با وجود مخالفت‌های جهانی با این اقدام، تل‌آویو تا مدت‌ها حاضر به عقب‌نشینی از موضع خود نبود تا در نهایت با دخالت بازگرن فرامنطقه‌ای، اجازه داد بخش اندکی از نیازهای مردم وارد غزه شود. کمیته مواد غذایی، در حال رقم زدن یک فاجعه انسانی در غزه است. به‌تازگی منابع خبری گزارش داده‌اند هفته‌ها پس از دسترسی محدود به غذا در نوار غزه، گرسنگی شدید و خطرات فراینده قحطی در منطقه تحت محاصره به اوج خود رسیده است. به گزارش الجزیره از اوایل اکتبر، حملات اسرائیل در سراسر غزه به نانوای‌های محلی و انبارهای مواد غذایی و همچنین جاده‌هایی که برای انتقال کمک‌های بشردوستانه استفاده می‌شوند، آسیب رسانده است. محاصره کامل اسرائیل در محاصره نیز در وهله اول ورود غذا، آب و سوخت را محدود کرده است. بیش از ۹۰ درصد از جمعیت ۲٫۳ میلیون نفری غزه با سطوح بالایی از ناامنی غذایی حاد مواجه هستند، براساس طبقه‌بندی مرحله یکپارچه امنیت غذایی (IPC) که خطرات گرسنگی را اندازه‌گیری می‌کند، همچنین روز پنجشنبه گزارش داد که ۲٫۰۸ میلیون نفر در غزه با «ناامنی غذایی حاد» روبه‌رو هستند که می‌تواند در مرحله سوم خطر سازمان یا بالاتر طبقه‌بندی شود. IPC دارای پنج مرحله ناامنی غذایی حاد است که از هیچ (فاز اول) تا فاجعه یا قحطی (مرحله پنج) را شامل می‌شود. فاز سه و پنج بحران و اضطراب محسوب می‌شوند. ناامنی غذایی «حاد» یک پدیده کوتاه‌مدت است و در مقایسه با ناامنی غذایی «مزمن» که درازمدت و در نتیجه وسایل ناکافی برای زندگی است، ناشی از شوک‌های غیرمعمول یا ساخته دست بشر است. اگر خصومت‌های کنونی و کمک‌های محدود ادامه یابد، غزه نیز تا اوایل فوری به معرض خطر قحطی قرار خواهد گرفت. چند وقتی است که گزارش‌اند یک روز بدون خوردن غذا در غزه عادی شده است. در اوایل ماه دسامبر، برنامه جهانی غذا (WFP) گزارش داد که از هر ۱۰ نفر، ۹ نفر در سراسر این منطقه وعده‌های غذایی خود را برای مدت طولانی حذف می‌کنند. WFP در ۶ دسامبر گزارش داد که طی دو ماه جنگ، تنها هزار و ۲۴۹ آرمیون حامل کمک‌های غذایی به غزه رسید. دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل همچنین گزارش داد که در ۷۰ روز اول جنگ، تنها ۱۰ درصد غذای مورد نیاز جمعیت غزه وارد این منطقه شد.

محاصره تل‌آویو از باب‌المندب

در برابر آپارتاید، نسل‌کشی و جنایت جنگی رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه، ارتش یمن اعلام کرد اجازه نخواهد داد هیچ کشتی‌ای به مقصد رژیم صهیونیستی یا بنادر آن از تنگه باب‌المندب به سلامت عبور کند. یمن البته به صراحت اعلام کرد این اقدامش «انسانی» بوده و یگانه هدفش نیز رژیم صهیونیستی است. آنها گفته‌اند جای نگرانی برای کشتی‌هایی که ارتباطی با رژیم صهیونیستی ندارند، نیست و یمن فقط کشتی‌های متعلق به اسرائیل با کشتی‌هایی که کالا از اسرائیل حمل می‌کنند را هدف قرار خواهند داد. در همین راستا یمن یک کشتی تجاری را توقیف کرد و در بنادر خود نگه داشت و چندین کشتی تجاری دیگر که حامل همه چیز از وسایل نقلیه گرفته تا مواد غذایی بودند، را هدف قرار داد. پنتاگون مدعی است برخی از پرتابه‌های آنها قبل از سرنگونی در جهت کشتی‌های جنگی ایالات متحده حرکت می‌کردند. «هلن کوپر» و «اریک اشمیت» در مقاله‌ای که برای «نیویورک تایمز» نوشته‌اند، ادعا کردند تنها در ماه گذشته یمن «پیش از ۱۰۰ کشتی‌های کشتی‌های تجاری در دریای سرخ انجام داده است.» آنها به نقل از «یحیی سریع»، سخنگوی ارتش یمن نوشتند که گفته: «تا زمانی که تجاوز اسرائیل به برادران ثابت‌قدم ما در نوار غزه متوقف نشود، حملات ادامه خواهد یافت.»

جرایم ناتوانی در برابر یمن؟

طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، ۱۲ درصد از کل تجارت جهانی نفت از طریق دریع در همچنین ۸ درصد گاز طبیعی مایع در نیمه اول سال ۲۰۲۳ از باب‌المندب عبور کرده است. این یعنی ۸٫۸ میلیون بشکه نفت در روز و ۲٫۱ میلیارد فوت مکعب LNG در روز از این تنگه عبور می‌کند. به گزارش الجزیره سالانه بیش از ۱۷ هزار کشتی از باب‌المندب عبور می‌کنند که برخی از آنها به‌سمت کانال سوئز و دریای مدیترانه می‌روند. بر اساس ارزیابی‌های S&P Global Platts، نرخ کانیتیر برای محموله‌ها از شمال آسیا به بریتانیا که از دریای سرخ و کانال سوئز می‌گذرد، در سال جاری به بالاترین حد خود رسیده است. بیمه‌گران برای بیمه کردن کشتی‌هایی که قصد دارند این مسیر را نیز طی کنند، هزینه بیشتری دریافت می‌کنند. برخی از شرکت‌های کشتیرانی راه جایگزین دریایی دیگری را انتخاب می‌کنند و از مسیر طولانی‌تر آفریقا می‌گذرند. این می‌تواند به معنای افزایش هزینه‌ها و اضافه شدن دو هفته به طول سفر آنها باشد.

در مواجهه با راهبرد یمن در مواجهه با رژیم صهیونیستی، ایالات متحده آمریکا با ادعای تأمین امنیت دریای سرخ، اقدام به تشکیل ائتلافی متشکل از ۱۰ کشور کرد. به تازگی وزارت دفاع آمریکا مدعی شده که پیش



ارتش اسرائیل به دنبال فرار از غزه

برخلاف مقاومت اسلامی که عملیات ۷ اکتبر را از مدت‌ها قبل طراحی کرده بود و به‌صورت دقیق ولی سریع‌تر از آنچه تصویر می‌کرد آن را پیدا و حتی برای واکنش صهیونیست‌ها نیز برنامه‌ریزی کرده بود، در طرف صهیونیستی غافلگیری از عملیات و فروپاشی سیستم امنیتی و نظامی قدرت تصمیم‌گیری را از مقامات صهیونیستی گرفته بود. بر همین اساس ژنرال‌های آمریکایی مسئولیت پیدا کردند که جنگ را مدیریت کنند اما آنها بعد از نزدیک به ۸۰ روز راه به جایی نبردند. حالا صهیونیست‌ها برای لاپوشانی شکست‌شان مدعی هستند مرحله دوم عملیات پایان یافته است. این خبر را تلویزیون اسرائیل (کان) اعلام کرده است. به گزارش این تلویزیون ارتش اسرائیل قصد دارد مرحله دوم جتگ یعنی منطقه زمینی در غزه را پایان دهد و وارد مرحله سوم شود. کان این گزارش را به نقل از منابع ناشناس منتشر کرد و نوشت: «مرحله سوم شامل پایان مانور زمینی در نوار [غزه]، کاهش تعداد نیروها، استراحت به نیروهای ذخیره، روی آوردن به حملات هوایی و ایجاد منطقه‌ای حائل در مرزهای غزه و اسرائیل است» زمزمه‌ها درباره آغاز مرحله سوم جنگ درحالی در رسانه‌های رسمی اسرائیلی شنیده می‌شود که مرحله دوم عملیات ارتش هنوز در غزه اهداف اعلامی خود را محقق نکرده است. منابع خبری اسرائیل روز پنجشنبه هفته‌گذشته با انتشار تصاویری خیر داده بودند تیپ گولانی- تیپ پیاده‌نظام نیروی زمینی ارتش اسرائیل- بعد از ۲۰ روز جنگ در غزه تصمیم به عقب‌نشینی از این منطقه گرفته است.

«صدی البلد» منتشر کرد و نوشت ۱۵ شرکت کشتیرانی بین‌المللی برای منتقل شدن به بنادر رژیم صهیونیستی تغییر مسیر داده یا روند انتقال کالا به سرزمین‌های اشغالی را متوقف کرده‌اند. اسامی این شرکت‌ها به شرح زیر است:

۱- سی‌اچ رایینسون

شرکت تدارکات جهانی CH Robinson روز جمعه اعلام کرد که مسیر ۲۵ کشتی خود را در هفته گذشته تغییر داده تا از طریق مسیر دماغه امید نیک حرکت کنند و این تعداد احتمالاً افزایش خواهد یافت. این شرکت اعلام کرد: «پیش‌بینی می‌شود که تردد در بنادر متوقف شود و قیمت‌ها برای بسیاری از جابجایی‌های تجاری در سه ماهه اول سال ۲۰۲۴ افزایش یابد.»

۲- CMA-CGM

گروه کشتیرانی فرانسوی CMA–CGM دوشنبه گذشته اعلام کرد که برخی کشتی‌ها را از طریق مسیر دماغه امید نیک هدایت کرده و دستورالعمل‌هایی را برای سایر کشتی‌های کانتینری که قرار بود از دریای سرخ عبور کنند، صادر کرده است تا به مناطق امن برسند و سفرهای خود را تا اطل‌اعیه بعدی متوقف کنند.

این گروه همچنین روز پنجشنبه گزارش داد که به دلیل مسافت طولانی، هزینه‌های بیشتری را برای عملیات حمل‌ونقل اعمال خواهد کرد.

۳ و ۴- بیوروانو و فرانت لاین

شرکت نفتکش بلژیکی «بیوروانو» نیز دوشنبه گذشته اعلام کرد که تا اطلاع ثانوی از تردد از طریق منطقه دریای سرخ اجتناب خواهد کرد. گروه نفتکش «فرانت لاین» مستقر در نروژ هم در همان روز اعلام کرد که کشتی‌هایش از عبور از دریای سرخ و خلیج عدن خودداری خواهند کرد.

۵- اورگرین

شرکت کشتیرانی کانتینری تایوانی «اورگرین» دوشنبه گذشته در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که کشتی‌های این شرکت در حرکت به سمت بنادر دریای سرخ تا اطلاع ثانوی به سمت آب‌های امن اطراف حرکت خواهند کرد. این شرکت همچنین از توقف بازرگبری محموله‌های مقصد بنادر رژیم صهیونیستی خبر داد.

۶ و ۷- گرام کاریز و هاپاک لوید

شرکت کشتیرانی نروژی Gram Carriers که متخصص در حمل‌ونقل خودروهای سواری است، پنجشنبه اعلام کرد که از عبور کشتی‌هایش از دریای سرخ جلوگیری می‌کند. همزمان شرکت حمل‌ونقل کانتینری آلمانی Hapag-Lloyd اعلام کرد که مسیر ۲۵ کشتی را از طریق دریای سرخ تغییر می‌دهد. و در پایان سال جاری عملیاتی تصمیمات دیگری را نیز اتخاذ خواهد کرد.

۸ و ۹-۱۰ شرکت کشتیرانی کانتینری کره جنوبی HMM، شرکت کشتیرانی نروژی Hoge Autoliners و گروه کشتیرانی دانمارک نیز اعلام کردند که روند انتقال کلیه محموله‌ها از طریق دریای سرخ تا اطلاع ثانوی به‌طور موقت متوقف می‌شود.

۱۱-ام‌اس‌سی

شرکت کشتیرانی مدیترانه MSC ۱۶ دسامبر اعلام کرد که کشتی‌های این شرکت از کانال سوئز عبور نخواهند کرد و به سمت دماغه امید نیک تغییر مسیر خواهند داد.

۱۲- اوشن تورک اکسپرس

شرکت حمل‌ونقل دریایی اوشن تورک اکسپرس سه‌شنبه گذشته اعلام کرد که تصمیم گرفته مسیر کشتی‌ها را از کانال سوئز و دریای سرخ تغییر دهد و از این پس کشتی‌های آن در اطراف دماغه امید نیک حرکت خواهند کرد. **۱۳ و ۱۴** و **۱۵** – شرکت کشتیرانی Orient Overseas Container Line مستقر در هنگ کنگ، گروه نروژی Linnaeus Wilhelmsen و شرکت کشتیرانی تایوانی یانگ مینگ نیز اعلام کردند مسیر کشتی‌های خود را از دریای سرخ و خلیج عدن به دماغه امید نیک تغییر خواهند داد. در همین راستا شرکت کشتیرانی آمریکایی فلکسپورت اعلام کرد که حدود ۱۸۰ کشتی باری مقصد خود را از تنگه باب‌المندب که اقیانوس هند و دریای سرخ را به هم متصل می‌کند تغییر داده یا حمل‌ونقل خود را متوقف کرده و منتظر دستورالعمل‌های شرکت‌های خود هستند.

رئییسی در همایش بین‌المللی تهران در خصوص فلسطین:

آمریکا ورژیم صهیونیستی باید محاکمه شوند

شاید اگر فشار افکار عمومی و اقدامات دیپلماتیک علیه جنایت صهیونیست‌ها در غزه نبود، تل‌آویو دست‌ودلبازانه‌تر، جنایات هولناکتری را رقم می‌زد. در نزدیک به ۸۰ روزی که از جنگ غزه گذشته است، در کنار تجمعات پرشمار مردمی در سراسر جهان، سلسله نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی درباره جنگ غزه برگزار شده است و در آن از طرف صهیونیستی خواسته شده تا از تداوم جنایاتش در غزه دست بردارد. در همین راستا، روز گذشته در تهران کنفرانسی با عنوان «همایش بین‌المللی تهران در خصوص فلسطین» با حضور نمایندگان کشورهای مختلف برگزار شد. در این همایش سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهور گفت: «کشتار گسترده زنان و کودکان و ویرانی خانه و کاشانه مردم مایه تاسف عمیق است، اما از آن بالاتر حمایت‌های بی‌چون و چرای کشورهای مدعی حقوق بشر چون آمریکا و چند کشور غربی از این جنایات است. تاسف بالاتر نیز ناکارآمدی همه سازمان‌های بین‌المللی مدعی در برابر آنچه در غزه می‌گذرد است.»

وی با بیان اینکه امروز همه شاهد هستند که محصول نظم ناعادلانه فعلی جهان جنایات جنگی هولناک و قتل‌عام زنان و کودکان در غزه است، اظهار داشت: «بشریت باید برای شکل دهی به یک نظم نوین جهانی اندیشه کند و این دست نشست‌های فکری و هم‌اندیشی باید برای شکل دادن به یک نظم نوین جهانی مساعدت، همکاری و تلاش جدی داشته باشند.»

تحلیل مساله فلسطین

بامبدا هفتم اکتبر نادرست است

رئیس‌جمهور تحلیل مساله فلسطین از مبدا هفتم اکتبر را کاملا ناقص و نادرست توصیف و تصریح کرد: «مساله فلسطین را باید از تاریخی که انگلیسی‌ها برای اشغال این سرزمین و کشتار و آوارگی فلسطینیان اقدام کردند تا امروز که ۷۵ سال از تداوم کشتار، جنایت و آدم‌کشی در این سرزمین از سوی صهیونیست‌ها می‌گذرد، تحلیل کرد.» وی گفت: «صهیونیست‌ها در ماه‌های اخیر فقط بیش از ۲۰۰ نفر را در کرانه باختری به شهادت رسانده‌اند، درحالی‌که مردم در منطقه برخلاف اد‌عا و بهانه‌های رژیم صهیونیستی برای حمله به غزه مسلح هم نیستند. در غزه نیز روزی بر مردم نمی‌گذشت مگر اینکه شاهد تخریب، تجاوز، شکنجه و کشتار از سوی رژیم صهیونیستی بودند.»

تداوم اشغالگری به اشغالگر

حق مالکیت نمی‌بخشد

وی خاطرنشان کرد: «اگر بخواهیم عامل وقوع عملیات طوفان الاقصی را معرفی کنیم، باید بگوییم عامل وقوع این عملیات ۷۵ سال جنایات هولناک رژیم صهیونیستی و به‌سنوره آمدن مردم فلسطین است. طبق هیچ اصل حقوقی تداوم اشغال، اشغالگری را مشروع و به اشغالگر حق مالکیت نمی‌دهد، بلکه راهکار رفع اشغالگری اخراج، مجازات و اجبار اشغالگر به پرداخت خسارت است.» رئیسی با تاکید بر اینکه اشغالگری حتی اگر ۷۵ سال از آن بگذرد، باز هم مشروعیت نمی‌یابد، گفت: «کسانی که به دنبال مشروعیت بخشیدن به رژیم صهیونیستی هستند باید پاسخ دهند که در کدام مکتب حقوقی تداوم اشغالگری به آن مشروعیت یا مالکیت می‌بخشد.»

تاکید بر توقف فوری حملات، رفع محاصره

رئیس‌جمهور «توقف فوری حملات به غزه»، رفع محاصره این منطقه و بازکردن گذرگاه‌ها برای امداد رسانی» و همچنین «ایجاد صندوق ویژه برای کمک به بازسازی غزه» را از ضرورت‌ها و اولویت‌های اصلی برای کمک به مردم این منطقه برشمرد و با انتقاد شدید از توطئه آمریکایی‌ها مبنی بر کوچک اجباری ساکنان غزه و انفعال سران کشورهای دنیا، گفت: «بازها را در دیدارها، مذاکرات و مکالمات با روسای کشورهای تائید کرده‌ام آنان‌که به خداد، وجدان بشری و یا تاریخ اعتقاد دارند در قبال سکوت امروز خود چگونگی می‌خواهند پاسخگو باشند!»

وی با بیان اینکه بسنده کردن به اعلام موضع و محکومیت صرف این جنایات به هیچ‌وجه کافی نیست و امروز مردم جهان از حاکمان خود انتظار اقدام ا عمل دارند، تصریح کرد: «روسای کشورهای مختلف امروز باید به وظیفه ذاتی خود در به کيفر رساندن ظالم و دفاع و حمایت از مظلوم عمل کنند.»

آمریکا به هیچ عنوان نمی‌تواند

طرف صلح باشد

رئییسی همچنین با اشاره به رویکرد ویقحانه آمریکایی‌ها برای ژست صلح طلبی در قبال مردم غزه تاکید کرد: «به هیچ عنوان طرفی که خود عامل و شریک جنایت است نمی‌تواند طرف صلح باشد و آمریکا و رژیم صهیونیستی باید به اتهام نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در محاکم بین‌المللی محاکمه و مواخذه شوند تا عدالت حکمفرما شود.» وی با بیان اینکه وقایع غزه نقاب از چهره نفاق کنار زد و ماهیت جنگ افروز آمریکا را برای جهانیان بیش از پیش عیان ساخت، گفت: «مدعیان آزادی و دموکراسی نشان دادند که خود عامل بزرگ‌ترین جنایات‌ها، تبعیض نژادی و جنایت علیه انسان‌ها هستند و بر همه روشن شد که آمریکا نه‌تنها عامل ثبات در هیچ نقطه‌ای از جهان نیست، بلکه بزرگ‌ترین عامل بی‌ثباتی و ناامنی در جای جای جهان از جمله افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و دیگر نقاط عالم بوده و هست.»

وی با بیان اینکه خون مطهر شهدای غزه روشنگری و بیداری عمیقی در سراسر عالم ایجاد کرده است، تصریح کرد: «جایی به نام شورای امنیت سازمان ملل که موظف به برقراری صلح و امنیت در جهان است، در وقایع اخیر رسما استیصال، ناتوانی و ناکارآمدی خود را اعلام کرد و به همه مردم دنیا ثابت شد که نباید به این سازمان‌های مدعی منکی باشند، بلکه باید مساز و کار دیگری را دنبال کنند تا صلح و امنیت در جهان برقرار شود.» وی با بیان اینکه آمریکایی‌ها با ادعای دموکراسی اولین و بزرگ‌ترین ناقضان دموکراسی در جهان هستند، تاکید کرد: «آمریکایی‌ها برای آینده غزه نقشه نکشند، چراکه آینده این منطقه به دست مردمان و دولت قانونی آن رقم خواهد خورد.»

وی اظهار امیدواری کرد صدای مظلومیت و فریاد مردم غزه بیش از پیش موجب بیداری و آگاهی در جهان شده و ملت‌ها با خاتمه دادن به نظم ناعادلانه فعلی و ایجاد نظم نوین مبتنی بر عدالت طعم شیرین عدالت را بچشند.



گره سیاه در انتظار پرسپولیس

جدال خط دفاع های مستحکم در سیرجان

احتمال جدایی کنعانی از پرسپولیس در نیم فصل

شجاع برمی گردد یا شهریار؟

نیمکت نشینی، احتمال معاوضه و بقیه سناریوها برای کنعانی

در انتظار تصمیم جنگالی یحیی

کیفیت و نام حریفان برای نکونام اهمیت دارد

**تورنمنت امارات
برای استقلال
هنوز قطعی نیست**

محسن بیاتی نیا: با این همه هزینه
چرا سپاهان قهرمان لیگ نشود؟

**هواداران یحیی را
دلسرد کردند**

نکونام راضی از عملکرد بامگا
مقدمات تمدید قرارداد مهیامی شود؟

**قاتل به صحنه جرم
باز می گردد!**

نکونام راضی از عملکرد یامگا؛ مقدمات تمدید قرارداد مهیا می شود؟

قاتل به صحنه جرم باز می گردد!

تمام آمارهای پسر فرانسوی؛ بهترین خارجی تاریخ در انتظار کوبین



محمد رضا حاجی عبدالرزاق خبرنگار گروه ورزش

تیم فوتبال استقلال از هفته چهاردهم رقابت های لیگ برتر در حالی عصر امروز در سیرجان به مصاف گل گهر خواهد رفت که این دیدار نه تنها برای استقلال ها از حساسیت خاصی برخوردار است، بلکه از لحاظ آماری برای یک استقلالی جنبه های ویژه تری خواهد داشت. کوبین یامگا که در ابتدای فصل بیست و یکم به همراه رودی ژستمد به عنوان بازیکنان آزاد به استقلال پیوستند در حالی وارد فصل سوم همکاری خود با استقلال شده است که از او به عنوان یکی از باثبات ترین بازیکنان خارجی تاریخ آبی های توان یاد کرد. بازیکن فرانسوی که در طول مدت زمان حضور در استقلال در پست های مختلف این تیم به میدان رفته و به نوعی آچار فرانسه این تیم محسوب می شود در طول مدت زمان حضور خود در استقلال برای این تیم در لیگ برتر ۶۶ بار به میدان رفته که از این تعداد او در ۶۵ بازی به طور ثابت برای استقلال بازی کرده و فقط یک بازی را از روی نیمکت آغاز کرده است. نکته قابل توجه اینکه این بازیکن که در حال حاضر از وی به عنوان بهترین گلزن خارجی استقلال در تاریخ لیگ برتر نام برده می شود در این رقابت ها ۲۰ گل به ثمر رسانده که از این تعداد و به تفکیک گل های به ثمر رسیده، او بیشترین تعداد گل هایش را به تیم های گل گهر و ذوب آهن زده است تا به همین دلیل بازی با تیم سیرجانی از جذابیت های خاص خود برای این بازیکن برخوردار باشد. یامگا که بعد از پنالتی لحظات آخری وی به پرسپولیس در بازی اخیر دربی از وی به عنوان قاتل خونریز استقلال نام برده می شود به هر کدام از دو تیم سیرجانی و اصفهانی ۴ گل زده است. او همچنین به تیم مس رفسنجان نیز دو گل زده و به تیم های پرسپولیس، هوادار، شمس آذر فولاد، نفت آبادان، نساجی، مس کرمان، نفت مسجد سلیمان، الوصل، فولاد و فجر سپاسی نیز هر کدام یک گل زده تا در طول حضور در فوتبال ایران در لیگ برتر به ۱۳ تیم تا به اینجا کار گل زده باشد. ضمن اینکه این بازیکن بلند قامت دو گل دیگر استقلال را در رقابت های جام حذفی و در یک دیدار در برابر تراکتور به ثمر رسانده است. بنابراین و با این

اوصاف یامگا دوباره به گل گهر سیرجان یعنی تیم محبوب خود برای گلزنی رسیده و این در حالی است که او این فرصت را دارد تا در این دیدار با به ثمر رساندن یک گل دیگر از این لحاظ و در بین تیم هایی که به آنها گل زده است، رکورد دار شود.

آخرین وضعیت قرارداد بازیکن فرانسوی

یامگا در حالی همچنان به درخشش خود در استقلال ادامه می دهد که در چند نوبت خبر فسخ یکطرفه قرارداد این بازیکن با استقلال هاد فصل جاری و فصول گذشته به خاطر عدم تعهد به موقع باشگاه برای پرداخت مطالبات این بازیکن شنیده شده است. در آخرین نوبت نیز حدود یک ماه پیش خبر دیگری در این خصوص در رابطه با نوتیس یامگا به باشگاه منتشر شد. این در حالی است که این بازیکن فعلا از لحاظ قراردادی در شرایط مناسبی به سر می برد و باشگاه در حال حاضر بر اساس قرارداد او با تیم تعهد عقب مانده ای ندارد. البته بازیکن فرانسوی آبی هائیز همواره نشان داده است از حواشی به دور است و با رفتار منطقی و اظهارات خاص خود در مصاحبه هایش، به عنوان یک بازیکن محبوب خودش را در دل هواداران آبی جا کرده است. این بازیکن بعد از مصدومیت در دربی فصل گذشته در حالی سعی کرد خودش را به فینال جام حذفی و برای دیدار دوباره با پرسپولیس برساند که در نهایت این امر محقق نشد تا در غیاب او استقلالی ها ضربات مهلکی را در این دو بازی با دو شکست پیاپی دریافت کنند. این در صورتی است که با وجود نوتیس های ارائه شده در آن مقطع در حالی که برای رفع مصدومیتش راهی فرانسه شده بود، این بازیکن در موعده مقرر به تهران بازگشته تا نشان دهد رفتارش حرفه ای است. یامگا با توجه به تاثیر گذاری در ترکیب استقلال هم در دوران مجیدی برای استقلال بازی های درخشانی انجام داد. هم در دوران مریبگری سپانپوت و هم حال که نکونام در استقلال مریبگری می کند توانایی های خودش را به اثبات رسانده است. این بازیکن ۲۷ ساله البته یک فصل دیگر با استقلال هاد قرارداد دارد و این در حالی است که شنیده می شود یامگا از طریق مدیر برنامه هایش به باشگاه اعلام کرده تنها در شرایطی راضی به تمدید قرارداد با باشگاه استقلال خواهد شد که تمام مطالباتش از این باشگاه پرداخت شود و در وهله بعدی نیز رقم قراردادش نسبت به فصل پیش ۲۰ درصد رشد داشته باشد.

کیفیت و نام حریفان برای نکونام اهمیت دارد

تورنمنت امارات برای استقلال هنوز قطعی نیست

در حالیکه سال گذشته باشگاه استقلال برای شرکت در یک تورنمنت چهار جانبه با حضور باشگاه هایی از مراکش، سوئدان و امارات به شهر دبی دعوت شده بود این موضوع توسط سپانپوتو رد شد تا این امر در آن زمان منتفی شود. این در حالی است که در روزهای اخیر باز هم صحبت از حضور استقلال هاد در یک تورنمنت داخلی یا خارجی مطرح شده است. بر همین اساس حضور استقلال در یک تورنمنت خارجی، موضوعی است که طی هفته های اخیر در دست بررسی کادرفنی و مدیران باشگاه بوده است. در واقع با آغاز رقابت های جام ملت های آسیا، مسابقات لیگ برتر به مدت بیش از ۴۰ روز تعطیل خواهد بود و جواد نکونام قصد دارد تا تیمش را در شرایط مسابقه نگه دارد. این در حالی است که چندی پیش در «فرهیختگان» از احتمال برپایی اردوی کیش و برگزاری تورنمنتی با حضور تیم های خارجی به میزبانی باشگاه استقلال در این جزیره خبر دادیم. در حال حاضر ما شنیده می شود باشگاه های الیطنان امارات، الهلال سوئدان و الوحدات اردن قرار است در تورنمنتی چهار جانبه به میزبانی الیطنان در امارات شرکت کنند و از باشگاه استقلال نیز دعوت شده تا در جریان تعطیلات لیگ برتر به واسطه برگزاری جام ملت های آسیا، در این مسابقات شرکت کنند. شنیده می شود این تورنمنت چهار جانبه قرار است ۱۹ تا ۲۶ ژانویه (۲۹ دی تا ۶ بهمن) برگزار شود و با وجود آنکه گفته می شود استقلال نیز موافقت خود را برای حضور در این مسابقات اعلام

کرده است اما هنوز گویا تردید هایی در این زمینه وجود دارد. در این زمینه شنیده می شود کیفیت تیم های حاضر در تورنمنت مورد اشاره و نام حریفان برای کادر استقلال از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بر همین اساس این امکان وجود دارد که به همین دلیل و در صورتی که تیم های مطرح تری برای تورنمنت کیش دعوت شوند، اردوی امارات به هر ترتیب لغو شود.

درواقع نکونام زمانی که سرمربی فولاد بود با انتخاب حریفان تدارکاتی مناسب و مطرح در جریان اردوی امارات به منظور برگزاری مرحله حذفی رقابت های لیگ قهرمانان آسیا نشان داد بیشتر از هر چیزی به کیفیت و نام حریفان توجه داشته و حاضر نیست با هر شرایطی تیمش را حتی در دیدارهای تدارکاتی راهی میدان کند. شاگردان جواد نکونام در آن زمان طبق برنامه دو دیدار تدارکاتی با تیم های شیباب الاهلی امارات و الشارجه را برگزار کردند تا به این ترتیب خود را برای دیدار در مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا در برابر تیم الفیصلی عربستان آماده کنند.

همچنین نکته اساسی دیگر اینکه به طور قطع وضعیت مالی باشگاه در اعزام آبی ها به امارات یا میزبانی این تیم در کیش برای حضور در این تورنمنت ها بسیار حائز اهمیت و تعیین کننده بوده و همین امر می تواند در برنامه ریزی های بعدی کادرفنی نیز برای تعیین برنامه های پسران آبی در نیم فصل لیگ برتر تاثیر گذار باشد.

یامگا رکورد خارجی های استقلال را درومی کند؟

بازیکن فرانسوی استقلال می تواند امسال با تداوم حضور در ترکیب آبی ها و درخشش احتمالی در بازی های بعدی در بسیاری از تیم ها خود را به عنوان بهترین گلزن ترین و باثبات ترین خارجی تاریخ باشگاه استقلال مطرح کرده و حتی این فرصت را هم دارد تا با ۷ ضربه پنالتی دیگر به عنوان بهترین پنالتی زن تاریخ این باشگاه نیز شناخته شود. یامگا که در حال حاضر با ۲۳ گل در کنار فرشیاد اسماعیلی، فرهاد مجیدی و محمود فکری به صورت مشترک در رده بیست و چهارم تاریخ گلزنان استقلال قرار دارد می تواند تنها با ۶ گل دیگر در رقابت های مختلف با پیراهن آبی به عنوان بهترین گلزن خارجی استقلال خود را مطرح کرده و این رکورد را تا مدت ها به نام خود بنهد. او همچنین در این مدت ۶ پاس گل را هم به نام خود به ثبت رسانده است. در حال حاضر شیخ دیاباته مهاجم سابق فرانسوی آبی ها با ۲۷ گل که ۹ گل آن در آسیا و یک گل دیگر در رقابت های حذفی به ثمر رسیده، رکورد ار گلزنی در بین خارجی های استقلال به شمار می رود و یامگا با ۶ گل دیگر از دیاباته در حالی عبور خواهد کرد که او به عنوان مهاجم نیک تخصصی در این سال هارای آبی ها به میدان رفته و فقط در ۳ دیدار سنتر فوروارد بازی کرده، هر چند بسیاری از گل های او از روی ضربات پنالتی به ثمر رسیده است. همچنین یامگا فعلا با ۱۵ پنالتی گل شده دومین گلزن تاریخ آبی ها از روی ضربات پنالتی به شمار می رود و با ۸ پنالتی دیگر از مرز ۲۲ پنالتی گل شده محمد نوازی، مریب فعلی استقلال هم عبور خواهد کرد. یامگا که بعد از ژستمد دومین گلزن خارجی استقلال هاد تاریخ دربی به شمار می رود در طول تمامی دیدارهای این تیم در رقابت های مختلف ۷۱ بار با پیراهن آبی به میدان رفته است و از این لحاظ نیز این فرصت را دارد تا با پوشیدن پیراهن آبی در ۲۱ مرتبه دیگر از رکورد جی لوید ساموئل فقید نیز عبور کرده و از این لحاظ با ۹۲ بازی رکورد در بیشترین بازی با پیراهن استقلال در بین خارجی های این تیم شود. امکانی که در فصل جاری و با وجود تعداد بازی های باقی مانده استقلال هاد رقابت های مختلف و البته ثبات بازیکن فرانسوی در ترکیب پسران آبی قریب الوقوع خواهد بود.



یحیی نگران وضعیت بیرانوند؛ گلر تیم ملی تمرکزش را از دست داده همه در انتظار تصمیم جنجالی گل محمدی

موضوع باطل شدن مجوز وارد کردن خود روی لوکس توسط بازیکنان تیم ملی حسابی برخی از ملی پوشان را تحت تاثیر قرار داده و علیرضا بیرانوند نیز یکی از آنهاست. دروازه بان شماره یک تیم ملی از فردای بازی پرسپولیس با استقلال خوزستان سخت دیگر طومار جمع کردن از همبازیانش در تیم ملی بوده و بعد از جمع کردن امضای آنها از نهادهای مختلف خواستار دخالت در این ماجرا و جلوگیری از ابطال مجوزشان شده است. همین مساله باعث شده که بیرانوند در روزهای اخیر تمرکز لازم را در تمرینات نداشته باشد. موردی که یحیی گل محمدی را نیز حسابی نگران کرده است. سرمربی پرسپولیس جانشین مظلومی برای بیرانوند ندارد که بخواید به او اعتماد کند و مجبور است با شرایط این دروازه بان کنار بیاید. نکته دیگر اینکه بیرانوند رابطه اش با کتعمانی زادگان نیز به شدت تیره و تار است به حدی که یک کلمه هم حاضر نیست با او صحبت کند. یحیی نیز به خوبی متوجه این موضوع شده و برای استفاده از هر دو بازیکن به صورت همزمان در ترکیب اصلی دچار تردید شده است. یحیی در تمرین روز جمعه تیمش کتعمانی را از ترکیب اصلی خارج کرد و این بازیکن نیز مصدومیت را برای ادامه تمرین بهانه کرد. اما آنچه مسلم است اگر سرمربی پرسپولیس نخواهد کتعمانی را در ترکیب اصلی بگذارد دلیل اصلی اش اختلاف شدیدی است که بین او و بیرانوند به وجود آمده و این وسط پرسپولیس است که از این موضوع آسیب می بیند.



سند کمپانی و کارت خودرو سواری سیستم؛ پتو تیپ: PARSXUV رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۰ به شماره شناسی N ۳ LBDBMDBJSB ۰۲۵۸ و به شماره پلاک ۳۹۹۲۳-۸۵۱ به نام علی عنانچه مقفود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز موتورسیکلت ارتکتوری ۱۲۵ مدل ۹۷ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۳۸۶۷۰ N ۳ LBDBMDBJSB ۰۲۵۸ و به شماره پلاک ۳۹۹۲۳-۸۵۱ به نام علی عنانچه مقفود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.



فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی دومر حلهای

شماره (۰۲۳۱۳۲۹۸۸۱۵۴۰۰۰۲DT)

تقاضای شماره: ۰۲-۴۰۰۰۲-۹۸۸۱۵-۷ / قلم کنترل پنل سرچاهی

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر به صورت فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تأمین نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تعداد اقلام	موضوع مناقصه	تعداد	شماره فراخوان در سامانه ستاد	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۷ قلم	WELL HEAD CONTROL PANEL 5,000&10,000 PS&L- THE CONTROL PANEL AIR BOTTLE RACK FOR ABOVE 5,000&10,000 PSI PANELS INSTALLATION KIT (ALL REQUIRED ¾", 3/8" 316&S COMMISSIONING SPARE PARTS FOR 5,000 PSI RECOMMENDED TWO YEARS SPARE PARTS FOR 5,000&10,000 PSI	۸AST	۲۰۰۰۹۳۲۸۸۰۱۲۳۳	۰۱۰۱۹۱۰۹۱۰۰۰۰ ریال

کالای ارائه شده باید از تولیدکنندگان مجاز در لیست AVL وزارت نفت ارائه گردد.

لذا کلیه شرکت هایی که فعالیت آنها مرتبط با شبح کالای مورد درخواست می باشد می بایست ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ درج آگهی فراخوان نوبت دوم روزنامه با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به چاپ و تکمیل فرم های تعهدنامه شماره ۱ و ۲ و ارائه کالاهای مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب، و بازگذاری آن به همراه مدارک و مستندات، بر اساس موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات کمتر از بیست برابر نصاب معاملات متوسط) در سامانه ستاد اقدام نمایند. مناقصه گر می بایست کلیه اطلاعات خواسته شده در فرم های مذکور را تکمیل، مهر و امضا نموده و سپس نسبت به بازگذاری اقدام نماید. در صورت عدم تکمیل فرم های مربوطه مناقصه گر از روند ارزیابی کیفی حذف خواهد شد. کسب حداقل نمره ۶۰ در ارزیابی کیفی، جهت دریافت اسناد مناقصه توسط فروشنده گان/ سازندگان الزامی است.

اسناد و مدارک مناقصه پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه، از طریق سامانه ستاد برای مناقصه گران واجد شرایط ارسال خواهد شد.

در صورت وصول حداقل یک قره پیشنهاد فنی/مالی معتبر در موعد زمان بندی مناقصه گشایش پاکات صورت می پذیرد.

گشایش پاکات مالی بین مناقصه گرانی انجام خواهد شد که کلیه اقلام تقاضای پیشنهادی آنها مورد کمیته فنی بازگانی قرار گرفته باشد.

خرید کالا به صورت یک جا برای تمام اقلام تقاضا به یک مناقصه گر و آگذاز می گردد.

ضمنا مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۰۱۰۱۹۱۰۹۱۰۰۰۰ ریال می باشد.

***مدارک ارزیابی کیفی می بایست در قالب یک فایل به صورت PDF بارگذاری گردد.

واحد برق و ابزار دقیق اداره تدارکات خرید کالای داخلی (تلفن ۳۳۹۱۱-۳۳۴۱-۶۱)

شماره شاسه ۱۶۶۴۳۱۳۶



آگهی مزایده حضوری

دانشگاه آزاد اسلامی استان فارس در نظر دارد ملک های مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مزایده حضوری به فروش رساند. متقاضیان می توانند جهت بازدید ملک ظرف مدت حداکثر سه (۳) روز کاری از تاریخ درج آگهی مزایده (تا پایان وقت اداری شنبه مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۶) به آدرس واحدهای دانشگاهی محل وقوع ملک مراجعه نمایند.

مزایده راس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ در محل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز برگزار می گردد.

تذکر:

دانشگاه در رد یا قبول هر یک با تمام پیشنهادها مختار بوده و هزینه درج آگهی های مزایده در روزنامه های استانی و کشوری به عهده برنده مزایده می باشد.

پرداخت حداقل ۲۰٪ مبلغ پیشنهادی در صورت برنده شدن در روز برگزاری مزایده الزامی است.

ردیف	نام واحد	نشانی ملک	عرضه (مترمربع)	اعیان (مترمربع)	کاربری	نشانی جهت احداث مزایده
۱	داراب	داراب- بخش مرکزی- خیابان طاقانی- خیابان شهیدمفتح	۷۶۲	۳۸۳	دوطبقه مسکونی	داراب- بلوار سروان- دانشگاه آزاد اسلامی داراب- مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی زرقان- ستاد فرماندهی امنیتی- شهرداری- تاسیسات- ۰۷۱-۵۲۳۲۷۰۵
۲	زرقان	زرقان- خیابان شهید صادقی- روبروی مجتمع آلبیس، ساختمان اداری سابق دانشگاه	۵۴۷	۷۵۰	مسکونی	کیلومتر ۱۳ جاده شیراز- اصفهان- پست کارخانه شیر پاک- مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی زرقان- ستاد فرماندهی امنیتی- شهرداری- تاسیسات- ۰۷۱-۵۲۳۲۷۰۵
۳	مرودشت	مرودشت- خیابان بیمارستان قدیم، روبروی پارک پیستار	۲۳۴۶۵۸	-	تجاری	مرودشت- بلوار مجوز تخت جمشید- دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت- ساختمان اداری- دفتر حرمت- شماره تماس: ۰۱۱۱۳۳۵۹
۴	استهبان	استهبان- بلوار امام قزاق- جنب و ستون آئینه	۲۹۹	-	تجاری مسکونی	استهبان- بلوار امام رضا دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان- ستاد فرماندهی امنیتی- شهرداری- تاسیسات- ۰۱۱۱۳۳۵۹

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی استان فارس



صدای نخبگان نگاه جوانان FARHIKHTEGAN

سازمان آگهی های روزنامه

تلفن وفکس:

۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

ایمیل: a۶۶۴۳۰۱۸@gmail.com

WWW.FDN.IR



مدرسه عالی مهارتی

رسانه های فرهیختگان

۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

Farhikhteghan_school



چارسو

سینمای ایران در آذرماه ۱۳۶ میلیارد تومان فروخت

فروش سینمای ایران در آخرین ماه پاییز به بیش از ۱۳۶ میلیارد و ۸۷۸ میلیون تومان رسید. تهران، شیراز، مشهد و اصفهان پر فروش ترین سینماهای کشور را داشتند. سینمای ایران در آذرماه روزهای پر فروشی داشت. جمعه ۲۴ آذر با فروش بیش از ۹ میلیارد و ۷۱۷ میلیون تومان پر فروش ترین روز و سه شنبه ۲۱ آذر با ۲۶۳ هزار و ۱۱۰ نفر پر مخاطب ترین روز این ماه محسوب می شوند.

فیلم های سینمایی «هتل» با فروش بیش از ۵۸ میلیارد و ۷۰۵ میلیون تومان، «ویلدی ساحلی» با فروش بیش از ۱۷ میلیارد و ۵۶۰ میلیون تومان، «فسیل» با فروش بیش از ۱۲ میلیارد و ۷۵۲ میلیون تومان، «بیجه زنگ» با فروش ۱۱ میلیارد و ۴۷۷ میلیون تومان، «جوجه تیغی» با فروش بیش از ۷ میلیارد و ۹۳۲ میلیون تومان، «ورود و خروج ممنوع» با فروش بیش از ۶ میلیارد و ۳۰ میلیون تومان، «گیج گاه» با فروش بیش از ۳ میلیارد و ۶۶۴ میلیون تومان، «نارگیل ۲» با فروش بیش از ۳ میلیارد و ۶۱۲ میلیون تومان، «حدود ۸ صبح» با فروش بیش از ۳ میلیارد و ۲۹۹ میلیون تومان، «عامه پسند» با فروش بیش

درباره یک نامه مهم دولتی برای گسترش کتابفروشی ها

سپردن پروژه تحول به یک ایده شکست خورده



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

هفته گذشته بخشنامه‌ای با امضای معاون اول رئیس جمهور در رسانه‌ها منتشر شد و ظاهر این دستور دولتی این بود که دولتمردان با دغدغه ترویج فرهنگ کتابخوانی و حمایت از تولید فرهنگی، قرار است بودجه کلانی را برای تجهیز و راه‌اندازی کتابفروشی‌ها صرف کنند. محمد مخبر در این نامه، استانداران سراسر کشور را موظف کرده است براساس الگوی «کتاب‌شهر» ایران نسبت به راه‌اندازی مراکز عرضه کتاب، نوشت‌افزار و محصولات فرهنگی اسلامی و ایرانی در شهرستان‌های فاقد کتابفروشی، اقدام کنند. بارها گفته شده که کتابفروشی نیاز به ویتزین کتاب دارد و بسیاری از کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، مشکل مهم کتاب و نشر را نبود ویتزین می‌دانند و معتقدند تا جایی برای عرضه کتاب نباشد، توزیع هم موفق نخواهد بود. یا اینکه محصولات ناشران در ویتزین این تعداد کتابفروشی نمی‌گنجد و باید تعداد بیشتری داشته باشیم و از این قبیل درخواست‌ها که زیاد هم بوده است. در این گزارش با توجه به تاکید معاون اول به استانداران در نگاه به کتاب‌شهر به عنوان یک الگو به این موضوع پرداختیم که آیا ایده کتاب‌شهر توانسته است به‌عنوان یک کتابفروشی موفق باشد یا نه؟

■ محتوای نامه معاون اول چه بود؟

بخش اول بخشنامه‌ای که برای استانداران فرستاده شده به موضوع شهرستان‌های فاقد کتابفروشی می‌پردازد. در متن این نامه آمده است: «کلیه استانداران سراسر کشور مکلفند در کلیه شهرستان‌های فاقد کتابفروشی کشور زیرساخت‌های لازم جهت راه‌اندازی حداقل یک مرکز عرضه کتاب، نوشت‌افزار و محصولات فرهنگی اسلامی - ایرانی را براساس الگوی کتاب‌شهر ایران (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) و کمک به تامین اعتبارات لازم فراهم کنند». همچنین در این بخشنامه، به قرار گرفتن این کتابفروشی‌ها در مراکز پررفت‌آمد اشاره شده و آمده است: «مراکز فوق در نقاط مختلف و پررفت‌آمد شهرهای موضوع این مصوبه از میان ساختمان‌های دستگاه‌های اجرایی، شهرداری‌ها، نهادها یا شرکت‌های دولتی و وابسته براساس قوانین و مقررات مربوطه اختصاص یابد.» در پایان نامه مخبر با اشاره به مراکزی که باید در این طرح همکاری داشته باشند، این‌گونه آمده است: «همانگی لازم جهت انتخاب این مراکز و سایر تمهیدات مدیریتی و سازوکارهای اجرایی لازم رمیثای الگوی مذکور با نظارت ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها، همکاری صنوف مربوطه سازمان تبلیغات اسلامی و مجمع ناشران انقلاب اسلامی، مشارکت بخش غیردولتی (مردمی) و با هماهنگی سایر دستگاه‌های ذی‌ربط صورت پذیرد.»
با انتشار این نامه، کارشناسان حوزه کتاب با رویکردی‌هایی متفاوت نسبت به آن واکنش نشان دادند. برخی معتقدند که ورود دولت به راه‌اندازی کتابفروشی‌ها، بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های لازم و جوانب این کار، منجر به شکست خواهد شد و دولت در حال ریخت‌وپاش مالی در جایی است که اولویت اصلی، ترویج کتاب و کتابخوانی نیست. با این حال برخی هم از نفس این اقدام حمایت کرده و ورود دولت به این موضوع را اتفاق مبارکی می‌دانند و معتقدند سابقه نداشته که از سوی معاون اول رئیس جمهور، چنین بخشنامه‌ای برای حمایت از راه‌اندازی کتابفروشی‌ها صادر شود و باید قدردان این نیت و اقدام درست بود. نکته جالب در هر دو نگاه، انتقاد به مدل اجرای این حمایت دولتی است؛ اینکه حمایت از کتابفروشی‌ها در بستر زنجیره کتابفروشی کتاب‌شهر تعریف شده است. منتقدان معتقدند که مجموعه کتاب‌شهر در شرایط فعلی، گرفتار ایده‌های شکست‌خورده‌ای است و نمی‌تواند منجی جریان کتابخوانی در شهرستان‌ها باشد.

■ چرا ایده کتاب‌شهر شکست خورده است؟

کتاب‌شهر ایران یکی از مجموعه فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب است که هدفش از ابتدا توسعه ویتزین کتاب در شهرهای مختلف کشور بوده است. این زنجیره کتابفروشی از زیرمجموعه سازمان تبلیغات اسلامی است و بنا به ادعای مدیران این مجموعه، در شعبه‌های کتاب‌شهر ایران، علاوه‌بر فروش محصولات فرهنگی و مشخصا کتاب، دسته‌بندی ویژه‌ای نسبت به کتاب‌های بازار نشر در نظر گرفته می‌شود و آثاری که مخل سلامت روانی جامعه هستند در این کتابفروشی‌ها جایی نخواهند داشت. اسماعیلی که در حال حاضر مدیرعامل کتاب‌شهر ایران است، در مراسم رونمایی یکی از فروشگاه‌های کتاب‌شهر در مورد مدل اداره این فروشگاه‌ها گفته بود: «ما فقط زیرساخت را آماده می‌کنیم و زنجیره‌ای بودن هم صرفا به هم‌افزایی کمک می‌کند. این فروشگاه به صورت متمرکز اداره می‌شود و باید بگوییم که کار فرهنگی سود اقتصادی ندارد، کتاب و کتابفروشی درآمد چندانی ندارد بلکه رویکرد فرهنگی مدنظر ماست. این محل‌ها به نوعی پاتوق فرهنگی و هنری است که خدمات مختلفی از قبیل امور تفریحی، محصولات فرهنگی و خوراک سالم در

یک مکان فرهنگی ارائه می‌دهند.» کافی است کمی به عقب برگردیم و به زمانی که سیدمهدی خاموشی در سازمان تبلیغات مسئولیت داشت، برسیم. زمانی که کتاب‌شهر تازه افتتاح شده بود و دو ماموریت برای آن تعریف شده بود؛ یکی بخش کتابفروشی و دیگری خرید آثار هنری. در آن زمان خاموشی به مدیریت وقت کتاب‌شهر دستور خرید آثار هنری را داد که با خرید آثار خطاطان هنری این کار در کتاب‌شهر شروع شد. اما از همان ابتدا هیچ درک درستی از این خریدها وجود نداشت و تقریبا در همه حوزه‌ها ورود می‌کردند، خرید از اکسپوها و همچنین شرکت در نمایشگاه آثار هنری در برنامه مجموعه کتاب‌شهر قرار گرفت. آثار هنر انقلابی را می‌خریدند و گاهی هم خریدهای گران‌قیمت در کتاب‌شهر انجام می‌دادند و از آن به‌عنوان سرمایه استفاده می‌شد.

مرداد ۱۳۹۷ که حکم محمد قمی به‌عنوان رئیس سازمان تبلیغات اسلامی صادر شد، حدود ۲۸ فروشگاه کتاب‌شهر در سراسر کشور وجود داشت اما تصمیم گرفته شد که بخش هنری از کتاب‌شهر جدا شود و به حوزه هنری سپرده شود. حدود یک‌سال و نیم طول کشید تا کتاب‌شهر در حوزه آثار هنری از خودش سلب مالکیت کند. نزدیک به ۱۷ سال است که کتاب‌شهر در حال فعالیت است. بنا به نظر یکی از کارشناسان حوزه کتاب چشم‌اندازی که در ابتدای تاسیس این مجموعه فروشگاه‌های عنوان شده بود، راه‌اندازی حدود ۱۵۰ کتابفروشی در سراسر کشور است اما در حال حاضر تعداد کتابفروشی‌های این مجموعه به عدد ۲۱ رسیده است. از اریبهبشت سال ۹۸ و با ورود تیم جدید مجموعه کتاب‌شهر، حدود دو سال برای توسعه این فروشگاه تلاش شد اما مدیران این مجموعه، درنهایت به این نتیجه رسیدند که سازمان هر آنچه داشته را برای این زنجیره فروشگاه‌های گذاشته است و نتیجه مطلوب به دست نیامده است. به نظر می‌رسد مدل توسعه کتاب‌شهر حالا دیگر یک ایده شکست‌خورده است که در چند نکته اساسی می‌توان، آن را ارزیابی کرد.

اولین نکته این است که کتابفروشی باید در مکانی احداث شود که محل رفت‌وآمد باشد. همان چیزی که در نامه معاون اول رئیس‌جمهور هم به آن اشاره شده است اما مکان‌هایی که برای فروشگاه‌های کتاب‌شهر در سراسر کشور انتخاب شده است، عمدتا شامل این قابلیت نیستند و راه افتادن‌شان منطق اقتصادی نداشته است. عدم توسعه اثبات می‌کند که مدیران کل سازمان تبلیغات برای ایده کتاب‌شهر در استان‌های مختلف همراهی نکردند و درنهایت چون نتیجه‌ای نداشته به تعطیلی رسید.

دومین نکته درمورد مجموعه کتاب‌شهر به نظام توسعه فروشگاه‌ها برمی‌گردد که بر یک شالوده غلط که بهره‌گیری از امکان تحت‌تملک سازمان تبلیغات بود، بنا شده است. همین اتفاق باعث می‌شود تا به عدم توسعه در این فروشگاه‌های کتاب برسیم. البته از جایی متوجه شدند این کار به عدم توسعه می‌رسد، برای همین دیگر خودشان به سراغ اجاره مکان رفتند و اگر کسی پیدا می‌شد که مغازه‌ای داشت اینها وارد زنجیه کتابفروشی می‌شدند. تا یک جایی خوب بود اما به یکباره هزینه تجهیزات بالا رفت، تقریبا بین یک تا ۳ میلیارد برای هر کتابفروشی نیاز به تجهیز داشتند. یعنی اگر ۱۰ کتابفروشی در استان‌های



مختلف خواهدد تجهیز شود، نیاز به ۳۰ تا ۴۰ میلیارد بودجه دارد. این هزینه کمی برای یک سازمان نیست و برای همین وقتی کتاب‌شهر و بالاتر از آن سازمان تبلیغات نمی‌توانند عده‌های بیشتری را برای تجهیز بیاورند، مسیر پیشرفت و توسعه خیلی کند پیش می‌رود. در برخی استان‌ها که سود اقتصادی ندارد و به همین خاطر هم در برخی جاها فروشگاه‌های کتاب‌شهر تعطیل می‌شود.

یکی دیگر از مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد، استانداردسازی فروشگاه‌ها است که در این مورد توانستند فروشگاه‌ها را به یک استاندارد فرهنگی برسانند و برخلاف توسعه کمی که موفق نبودند در استانداردسازی موفقیت‌هایی داشته‌اند. اما یک نکته مهم که به هدف راه‌اندازی این فروشگاه‌ها هم برمی‌گردد، تدبیری است که در گزینش آثار اتخاذ شده است. حدودا عرضه کتاب‌های ۴۰ ناشر در این فروشگاه‌ها ممنوع است. وقتی می‌خواهید ویتزین داشته باشید، در توسعه به مدل فروشگاه‌های شهر کتاب نگاه می‌شود اما در عرضه آثار ورود برخی کتاب‌ها ممنوع می‌شود، ناخودآگاه بخشی از مخاطب‌ها از دست می‌روند و این اتفاقی است که در کتاب‌شهر رقم می‌خورد. همین باعث می‌شود که به لحاظ فروش، این فروشگاه‌ها رقم‌های زیادی نداشته باشند و کسی برای سرمایه‌گذاری وارد نشود که هزینه کند و درنتیجه باعث شکست می‌شود.

بنا به شنیده‌ها، فروشگاه‌های «کتاب‌شهر» تهران در حال حاضر بین ۵ تا ۷ میلیارد تومان در سال هزینه دارند. ۵ میلیارد هزینه ستاد تهران و بقیه برای تجهیز، بدهی و تسهیلات. در الگویی که برای کتاب‌شهر رسمیه شده است، دنبال کتابفروشی می‌گردند و بعد ایده‌هایشان را روی کتابفروشی‌ای که پیدا شده، پیاده می‌کنند. این کار روی کاغذ ایده خوبی است اما در تجربه عملی باعث شکل‌گیری گسترده کتاب‌شهرها نشد. نکته مهم دیگر این است که «کتاب‌شهر» در شهرهای بزرگ نتوانست خودش را توسعه دهد، برای همین به سراغ شهرهای کوچک رفت و درنهایت آنجا هم نتوانست اقتصاد خودش را بچرخاند و کسب درآمد کند.

■ ابهامات یک نامه

نامه‌ای که توسط معاون اول رئیس‌جمهور صادر شده است ابهاماتی دارد که توجه نکردن به آن می‌تواند مقدمات شکست در این پروژه باشد. نکته اول اینکه ستادی برای اجرای این طرح در نظر گرفته نشده است. پروژه‌ای با این سطح از مراودات مالی نمی‌تواند در اجرای ماموریت خود فاقد یک نهاد تصمیم‌گیر باشد. خطاب قرار گرفتن استانداران در این نامه و همچنین دستوری که در آن صادر شده هم در نوع خود قابل‌توجه است. واضح است که برای طراحی و اجرای یک پروژه در سطح استان باید موقعیت مکانی پروژه متناسب با موضوع انتخاب شود. با یک بخشنامه و به کار بردن این تعبیر که فروشگاه‌ها باید در نقاط مختلف و پررفت‌وآمد باشند بعید است که استانداران بتوانند بدون مزایده و مناقصه این کار را انجام دهند. ضمن اینکه وقتی در نامه آمده است که طبق مقررات این کار صورت بگیرد دیگر نیازی به بخشنامه نیست، یک توضیح است که استانداران باید به آن توجه کنند و الزام قانونی می‌آورد. اگر هم بخواهند وارد کار خیر در این حوزه بشوند وقتی گردش اقتصادی قرار است اتفاق بیفتد؛ وارد فازهای دیگر می‌شود و اینکه چرا یک فردی باید از این تسهیلات بدون مزایده و مناقصه استفاده کند. همه این ابهامات استانداران را در قفره این بخشنامه دچار تردید خواهد کرد.

یکی دیگر از موارد قابل توجه این بخشنامه، قرار دادن کتاب‌شهر به عنوان الگوی کتابفروشی است. براساس این الگوی فرهنگی، فروش آثار ۳۰ ناشر در این فروشگاه‌ها ممنوع است و کتاب‌هایشان در این فروشگاه‌ها وجود ندارد. البته اگر نگاه دقیقی به وضعیت این مجموعه فروشگاه‌ای بود، متوجه می‌شدند که الگوی فرهنگی کتاب‌شهر، نمی‌تواند اقتصاد کتابفروشی‌ها را تامین کند. براساس اطلاعاتی که به دست روزنامه «فرهنگستان» رسیده است؛ از ۲۱ کتابفروشی کتاب‌شهر، حدود ۶ کتابفروشی درآمد اقتصادی دارند. یک سوم دیگر امور را می‌گذرانند و یک سوم دیگر حتی سودده هم نیستند. همچنین ۵ فروشگاه در استان‌های مختلف به دنبال تغییر مدیریت هستند چون قراردادهایی که تنظیم شدند از منظر مدیران فروشگاه‌ها قراردادی یک‌طرفه است. فروشگاه‌های چند شهر که اوضاع خوبی هم ندارند، یا در آستانه تعطیلی است یا اینکه مدیریت آن در حال واگذاری است. نکته مهم دیگری که در راه‌اندازی کتابفروشی‌ها باید ملاحظ قرار گیرد همان پاخور بودن یک کتابفروشی یا محلی پررفت‌وآمد از یک شهر است. کتابخانه‌ها به عنوان مکان‌هایی که محل حضور کتاب‌دوستان است، می‌توانند به‌عنوان یکی از اماکن مهم شهری در این طرح مورد توجه قرار گیرند. چندی پیش وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه هیات امنای نهاد کتابخانه‌ها به نامه معاون اول رئیس‌جمهور اشاره کرد و گفت: «وجود کتاب‌فروشی در شهر باعث ایجاد هویت فرهنگی می‌شود و بررسی‌های لازم را انجام می‌دهیم تا در کتابخانه‌هایی که امکان ایجاد کتاب‌فروشی وجود دارد این اتفاق رخ دهد؛ البته مباحث قانونی هم مطرح است که همکاران باید بررسی کنند تا موانع قانونی رفع شود.»

نمایش‌هایی که در زمستان ۱۴۰۲ اجرامی شوند

شب در پردیس موسیقی و تئاتر باغ کتاب اجرا دارد.
تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر هم‌بامیزیانی نمایش فزدریک نوشته‌اریک امانوئل شमित و کار حمیدرضا نعیمی شاهد حضور بازیگرانی همچون حمیدرضا نعیمی، امیر کربلایی‌زاده و بهناز نازی است.
در تالار انتظامی هم نمایش «وقتی آقدری که باید همدیگر را زجر داده‌ایم» نوشته مارتین کریمپ با کارگردانی مجتبی جدلی اجرای خود را به تازگی آغاز کرده‌با اجراخوانی نمایشنامه«اللو» به کارگردانی وحیداخوان،تعدادی از دیویولران باسابقه در کنار بازیگران پیشکسوت و گویندگان جوان تر بار دیگر به صحنه تئاتر بازگشته‌اند.
در تالار قشقایی هم نمایش «دوره» به کارگردانی وحید نفروزی صحنه می‌رود.آتش تقی پور که این روزها با نمایش «وراث» به کارگردانی حامد برقیانی در تالار محراب روی صحنه است، داستان جماعتی را روایت می‌کند که منتظر رسیدن خبری هستند که به نحوی زندگی آنان را دستخوش تغییرات می‌کند.نمایش «تهران پاریس تهران» به کارگردانی سعید دشتی دیگر اثر نمایشی است که این روزها روی صحنه است. همچنین از آخرین هفته نمایش «لانگ‌شات» به کارگردانی محمدرضا مالکی در تئاتر «هامون» اجرامی شود.

گل آفساید در زمین بازی نشر

امین صالح روزنامه‌نگار

موضوع بخشنامه اخیر منتشرشده از سوی دفتر معاونت اول رئیس‌جمهوری مبنی بر همکاری و مساعدت استناداران برای ایجاد کتابفروشی در مناطق مختلف کشور با بهره‌مندی از تجربه یک موسسه فروش کتاب وابسته به یک نهاد حاکمیتی یعنی سازمان تبلیغات اسلامی و نیز یک تشکل شبه‌صنفی از زوایای مختلفی قابل بحث و بررسی است. این بخشنامه در حالی تلاش کرده مهم‌ترین مساله و اولویت در عرصه نشر را برای ساماندهی موضوع بنیود فضای فروشگاهی جلوه دهد که هیچ نظرسنجی و مطالعه علمی دقیقی درباره این اولویت بخشی در دسترس نیست و به‌صورتی پرنرنگ گمان می‌رود این موضوع در زمره اولویت‌های دست چندم نشر در کشور باشد.

به عبارتی دیگر درحالی‌که اینکه صنعت نشر کشور طی سال‌های اخیر به دلیل دخالت و حمایت بخش دولتی از خود، زخم‌های عمیقی بر پیکرش دیده که هنوز مرهمی برای آن متصور نیست -که نمونه متاخر آن نیز ایهامات و ایرادات مترتب بر واردات کاغذ و توزیع آن در دولت پیشین است- چرا باید راهبرد دولت فعلی نیز برای حمایت از نشر به جای بسترسازی برای تسهیل فعالیت در این حوزه و ایجاد امکان راهوار برای تولید و عرضه کتاب در ایجا کتابفروشی آن هم از کانال‌های کم‌امپینان خلاصه شود. در آخرین نظرخواهی انجام‌شده از سوی اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران که در گزارش عملکرد چهارساله گذشته این تشکل و در آستانه انتخابات اخیر این تشکل صنفی منتشر شد، بزرگ‌ترین موضوعی که ناشران از آن به‌عنوان سده یاد کرده بودند؛ موضوع تأمین موارد اولیه برای تولید کتاب اعم از کاغذ و اقلام مصرفی مورد نیاز برای چاپ کتاب و پس از آن تسهیل جدی درگیری‌های آنها با ادارات مالیات و بیمه برای احقاق حق خودشان بود.

به عبارت دیگر آن‌طور که بدنه فعال در عرصه نشر یاد می‌کنند مشکلاتی به‌مراتب جدی‌تر از بنیود پایانه‌های فروشگاهی طی سال‌های اخیر حیات و فعالیت آنها را مورد تهدید قرار داده که ساماندهی به آن جز با حمایت و عنایت بدنه دولتی میسر نیست. در یک نمونه دیگر طی سال‌های اخیر کم نبوده و نیستند ناشران و کتابفروشانی که با وجود تأکید و نص رسمی قانون مبنی بر معافیت مالیاتی موسسه‌هایشان، لاجرم از پرداخت مالیات برای اخلاص شدن از نزاع با معیاران مالیاتی و توجیحات آنها بوده‌اند و کم نبوده‌اند ناشران و کتابفروشانی که وقت بسیاری برای اثبات حقانیت و نوع شغل خود را به منظور احقاق این حق قانونی در محکمه و شورای حل اختلاف سپری کرده‌اند. در همین حال بسیاری از ناشران و کتابفروشان نیز طی سال‌های اخیر خود و فعالیت‌شان را از دایره حمایتی به منظور دریافت تسهیلات برای حرکت دادن شغل خود به مسیر پیشرفت و ادامه حیات محروم دیده و تنها افزایش فشار برگرده خود و فعالیت‌شان را حس کرده‌اند.

از سوی دیگر موسسه فروشگاهی که در این بخشنامه به‌عنوان الگو از آن یاد شده با وجود دارا بودن شعبی در برخی شهرستان‌ها به گواهی بسیاری از فعالان نشر فاقد تجربه و توان موفق و بالا در اجرای چنین اقدامی است و اگر چنین نیست گزارشی از اقبال و توفیق این نهاد نیز در نزد افکار عمومی و بدنه فعال نشر منتشر نشده است. این در حالی است که بخش خصوصی طی سال‌های اخیر و بدون استفاده از تسهیلات دولتی موفق شده فضای فرهنگی قابل توجهی را در شهرستان‌های مختلف کشور آن هم بدون نیاز به بخشنامه ایجاد و در کنار اشتغال‌زایی، فضایی متفاوت برای رشد فکری نسل جوان را فراهم سازد. اینکه اجرای چنین اتفاق مهمی را در کشور با پشتوانه بیمه و بدون راهبرد یک تجربه و موسسه که به تأکید فعلاان عرصه نشر در کار خود توفیق چندانی نداشته است، پیوند بزیم نشان از آن دارد که این بخشنامه فرهنگی از همان ابتدای صدور تا رسیدن به سرموتزل مقصود رضایتمندی مخاطبان کتاب راه ناهموار و دشواری در پیش دارد. بر هیچ یک از فعالان حوزه کتاب و نشر پوشیده نیست که نفس‌های این صنعت به‌ویژه برای ناشران و کتابفروشان کوچک و مستقلی که با امید و فکر و اندیشه و سلیقه‌ای بلندبالا و زیبا پای به این عرصه گذاشته‌اند، به شمارش افتاده است. آمار تعطیلی کتابفروشی‌های کوچک و حتی بزرگ طی دو سال گذشته بسیار قابل توجه بوده و در جریان انتشار کتاب نیز وضعیت به مراتب بهتر از این نیست. تقریباً تمامی هزینه‌های تولید کتاب به‌صورت نقدی و آنی محاسبه و مطالبه شده و در مقابل دریافتی‌ها از قبل فروش کتاب در خوشبینانه‌ترین شکل ممکن شش‌ماه از زمان فروش کتاب زمان خواهد برد. دولت برای هموار شدن راه حیات این صنعت دیده نشده است.

بدیهی است که در این موقعیت زمین بازی برای صنعت نشر در اتفاقات و راهبردهای دیگری خارج از بخشنامه‌های دولتی برای ایجاد کتابفروشی تعریف می‌شود و این تمنا چیزی جز یک گل آفساید نیست.

درباره قسمت اول سریال «گناه فرشته»

قصه یک بی‌گناهی

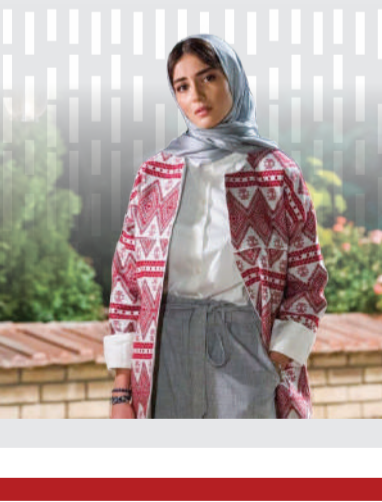
رضا صانعی

منتقد

طبیعتا نوشتن از قسمت اول یک سریال، نوشتن از شمایل کلی آن و حس و حالی است که در مواجهه نخستین با اثر تجربه می‌کنی. نوعی گمانه‌زنی و ترسیم کلیتی است که احتمال وقوع آن را بتوان پیش‌بینی کرد. درواقع ارجاع به شواهدی اولیه است که می‌تواند انگیزه تماشای آن را در دریافت اثر دچار قبض و بسط کند. از این منظر می‌توان گفت گناه فرشته در ژانری جنایی-معمایی روایت می‌شود که از نظرگاه یک زوج وکیل به یک قتل می‌نگرد. قتلی که فقط رخدادی در لحظه‌کنونی یا مرتبط با قاتل و مقتول نیست، بلکه ریشه در رخدادی دارد که بخشی از گذشته درناک وکیل پرونده را احضار کرده تا زخمی کهنه بار دیگر سر باز کند و احتمالا این بار سرخ‌های تازه‌ای از دلیل وقوع آن کشف شود.

گویی در گناه فرشته قرار است به میناجی باگزشایی پرونده یک قتل، پرونده قتلی دیگر در گذشته هم باز شود و با یک روایت و خوانش موازی مواجه شویم که به شکل عجیبی در هم تنیده شده است. قصه قتل مردی توسط خدمتکار زن جوان خانه که سرآغاز داستانی پیچیده است و به نظر می‌رسد او بی‌گناه است اما اثبات بی‌گناهی او کار سختی است و همه شواهد علیه اوست. با ورود حامد تهرانی (شهاب حسینی) به‌عنوان وکیل به پرونده او، ابعاد پیچیده این پرونده روشن می‌شود و قرار است رمزگشایی از همین ماجرا دستمایه روایت قصه‌ای پرپیچ‌وخم باشد. حامد تهرانی ضمن آشنا شدن با پرونده قتل عشیری به این اراده و انگیزه رسیده که از او دفاع کند اما از سوی دیگر امیرآقای در نقش نوید عشیری پسر مقتول قرار دارد که از نشانه‌هایی که در قسمت اول می‌بینم به نظر می‌رسد یک جلدال پرجنجال در پیش است. جدال حامد با نوید تا تقابل خیر و شر را به‌مثابه پیرنگ اصلی قصه معنا کند. مرتبط

بودن قتل عشیری با قتل مادر حامد که ۱۴ سال پیش رخ داده از یک سو و قبول کردن وکالت پرونده عشیری توسط همسر حامد که او هم وکیل دادگستری است، این پرونده را در یک وضعیت پیچیده و خاصی قرار می‌دهد که باید در قسمت‌های بعدی شاهد فرآورده‌های آن باشیم. عناصر و مولفه‌های دراماتیکی که در همین قسمت اول وجود دارد می‌تواند نشانه‌هایی برای مخاطب باشد که با قصه‌ای ملتهب مواجه هست که ماجرای قتل آن چندلایه است. پرونده‌ای که در آن وکیل، فقط مدافع حقوق متکولش نیست بلکه در رنج او هم شریک است و پرونده قتل مادرش به آن گره خورده است. از سوی دیگر یک زوج وکیل وکالت دو سوی این پرونده را به عهده گرفته‌اند و این می‌تواند یک تهدید برای زندگی مشترک آنها باشد. به عبارتی دیگر در اینجا با عقل و عاطفه هم به نبرد با هم رفته‌اند و پای یک پرونده کاری به گذشته یک وکیل و عواطف و پیوندهای خانوادگی او گره خورده که می‌تواند هم فرصت باشد هم تهدید. به اینها باید جدال احتمالی حامد تهرانی و نوید عشیری را هم اضافه کرد که در آن حضور و بازیگرش یعنی شهاب حسینی و امیرآقای احتمالا باید شاهد جدال و کشمکش جذاب و نفس‌گیر در ادامه قصه باشیم. در این میان به نظر می‌رسد با یک شخصیت نافذ دیگری هم مواجه هستیم که می‌تواند بسیاری از مناسبات را تحت تاثیر خود قرار دهد؛ پدر حامد با بازی بهروز رضوی و کریمی متفاوت که پس از سال‌ها دوری از عرصه بازیگری در سریال گناه فرشته جلوی دوربین رفته است. حضور فرید سجادی حسینی هم در نقش پدر فرشته انتخاب هوشمندانه‌ای بود که با توجه به لحن و بیان و ویژگی‌های بازیگری او و در اینجا روحیه حمایتگرانه که تلاش می‌کند از دخترش محافظت کند، متناسب با وضعیت نقش است و می‌توان سویه‌های ترازیک قصه را غنی کند. از آنجا که کارگردان خودش فیلمنامه‌نویس سریال هم است به دیالوگ‌ها در این سریال توجه زیبایی‌شناسانه‌ای شده است و به‌خصوص در گفت‌وگوهای ویژه شخصیت‌ها مثلا حامد و همسرش یا حامد و پدرش شاهد رد و بدل شدن حرف‌هایی هستیم که برخی از آنها قابل تأمل است و در ذهن می‌ماند. شکل روایت هم دست‌کم در قسمت اول ساختاری دایره‌ای داشته است. ابتدا با یک سکانس افتتاحیه ملتهب که برشی از صحنه پس از قتل یا چهره خونین فرشته که انگار از یک مهلکه فرار کرده آغاز می‌شود و در پایان هم، این صحنه و موقعیت در دیدار او با حامد رمزگشایی می‌شود. در فاصله این دو سکانس، تعلیق لازم برای رمزگشایی رخ می‌دهد تا در قسمت اول نمای کلی درام برای مخاطب طراحی شده و تماشای یک قصه ملتهب آغاز شود.



ناکامی‌های متوالی ایران در اسکار

تقصیر کیست؟

مجتبی اردشیری

خبرنگار

با اعلام فهرست اولیه نامزد‌های شاخه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار، مشخص شد که فیلم «نگهبان شب» رضا میرکریمی نتوانسته به این فهرست اولیه راه پیدا کند. اتفاقی که تاحدودی قابل پیش‌بینی بود و تعجب چندانی را در بر نداشت.

این البته اتفاقی است که همواره در فصل معرفی نماینده سینمای ایران به اسکار، در کشورهای مختلف روی می‌دهد. همین امسال، سینمای فرانسه در اتفاقی نادر، فیلم قابل تحسین آناتومی یک سقوط را که نخل طلای کن ۲۰۲۳ را و بیشتر از ۱۰ جایزه جهانی ازجمله بهترین فیلم قاره اروپا را از آن خود کرد، در کمال ناباوری کنار گذاشت و به‌عنوان نماینده سینمای فرانسه انتخاب نکرد. همین روند سبب شد فرآیند اعتراض به این تصمیم، حتی به بیرون از نثریات فرانسوی نیز برسد و سروصدای جهانی به راه بیفتد.

در ایران هم به‌مانند بسیاری از کشورهایی که در این مارا تن شرکت می‌کنند، همواره اعتراض‌هایی مبنی بر انتخاب نماینده اصلی صورت می‌گیرد. هیات انتخاب، در هر دوره‌ای متفاوت بوده و به همین دلیل نمی‌توان انتخاب‌های سالیانه را منتسب به نگاه یا جناحی کرد. در ادوار مختلف عنوان شده که ملاک اصلی انتخاب یک فیلم، فارغ از مباحث کیفی و استانداندرهای فیلمسازی، نگاه ملی‌جاری در فیلم است که بیانگر زیست و فرهنگ ایرانی است. این ملاک، کاملاً طبیعی است و قطعاً به‌عنوان پارامتری مهم توسط هر کشوری دنبال می‌شود اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که تمام تقصیرها را به گردن هیات انتخاب می‌اندازیم و اینکه انتخابی اصلاح از تصمیم آنها نیز وجود دارد که اگر آن انتخاب صورت می‌گرفت، شانس سینمای ایران در رقابت اسکار، بیشتر می‌شد.

طبیعی است که چنین نگاهی، در هر کشوری نیز وجود دارد و هر انتخابی که صورت بگیرد، عده‌ای در مقام منتقد به آن تصمیم خواهند تاخت و هجمه‌ای علیه آن به راه می‌اندازند.

آیا واقعا گزینه‌ای بهتر از نگهبان شب نبود؟

زمانی که هیات انتخاب امسال، فیلم رضا میرکریمی را به‌عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۳ انتخاب کرد، صدای اعتراض برخی بلند عمل و عمدۀ نظر مخالفان در فروش پایین این فیلم بود و آنکه فیلمی که با مردم سرزمین خود ارتباط برقرار نکرده و مردم به تماشای آن نرفته‌اند، چگونه توسط اعضای آکادمی تحویل گرفته خواهد شد؟ این شکل انتقاد تنها روی کاغذ قابل قبول است حال‌آنکه مگر فیلمی چون زیر درختان زیتون که جوایز جهانی بسیاری کسب کرد و نماینده سینمای ایران در اسکار شد، واجد چنین شرایطی بود؟ دیگر انتخاب‌های سینمای ایران در مسیر اسکار نظیر، که زمانی برای مستی اسب‌ها، لاک‌پشت‌ها پراوز می‌کنند، بلردو بغداد، در جستجوی فریده و… نیز به‌مانند نگهبان شب، توفیق چندانی در نمایش عمومی نداشتند اما در رویدادهای جهانی موفق‌تر از حضور داخلی ظاهر شده و جوایزی را به دست آوردند.

بنابراین شرط استقبال داخلی، نمی‌تواند ملاک خوبی برای توفیق یک اثر باشد؛ همچنان‌که سینمای ایران برای سال ۲۰۲۰، فیلم میم مثل مادر را به‌عنوان نماینده سینمای ایران معرفی کرد که با بیش از ۱ میلیون تماشاگر، دومین فیلم پرمخاطب سال ۸۵ بود اما این فیلم نیز به فهرست اولیه شاخه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان راه نیافت. بنابراین باید بپذیریم که استقبال یا عدم استقبال مخاطبان از یک فیلم، هیچ ملاکی برای حدود ۱۰ هزار داور آکادمی نیست و دلایل دیگری در این انتخاب‌ها دخیل است که در ادامه، به آنها خواهیم پرداخت.

بنابراین با رصد یک سال سینمای ایران به این نتیجه می‌رسیم که نگهبان شب، یکی از بهترین انتخاب‌ها برای اسکار ۲۰۲۴ بود و دو انتخاب مهم روی کاغذ یعنی بردارن لیلا و تفریق، مشکلاتی داشتند که هیات انتخاب نمی‌توانست آنها را به‌عنوان نماینده سینمای ایران انتخاب کند. درنتیجه فیلم کارگردانی راهی اسکار شد که پیش‌تر نیز سابقه حضور در این رویداد را داشته و اساسا، شناخت خوبی از سینمای جهان و روابط آن دارد که همین پارامتر، خود می‌توانست به‌عنوان یک امتیاز برای یک فیلم به حساب آید.

نبود دیواری کوتاه‌تر از هیات انتخاب

هرساله و با اعلام نماینده سینمای ایران در اسکار، بیشترین حجم اعتراض‌ها به هیات انتخاب می‌شود. اینکه این هیات می‌توانست انتخابی بهتر داشته باشد که نتیجه مطلوب‌تری را در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی برای نماینده سینمای ایران به همراه بیاورد.

اما سنگینی یک انتخاب یا عدم توفیق نماینده سینمای ایران، در بسیاری از اوقات به گردن هیات انتخاب نیست. در مواقعی مانند انتخاب یک مستند به‌عنوان نماینده سینمای ایران، مخاطب و دلسوزان سینما حق دارند که انتقادهای سنگینی به این انتخاب داشته باشند اما زمانی که یک فیلم استاندارد با کارگردانی مهم برای این رقابت انتخاب می‌شود، باید بیشتر در فرآیند انتخاب قرار بگیریم.

در سال‌هایی کارگردانی مانند اصغر فرهادی فیلمی تولید می‌کند که طبیعی است باتوجه به پیشینه فرهادی و شناختی که از این کارگردان در مجامع هنری بین‌المللی وجود دارد، فیلم این کارگردان به آکادمی معرفی شود اما در سال‌هایی که فیلم شاخص چندانی در گذشته وجود ندارد و هیات انتخاب نیز متشکل از چندین سینماگر است، بی‌انصافی است اگر تمام تقصیرهای ناکامی یک فیلم را به گردن هیات انتخاب بیندازیم، مثلاً برای

۵۲۴ انیمیشن به جشنواره پویانمایی تهران رسید

اعضای هیات انتخاب سیزدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران، ۵۲۴ فیلم رسیده به دبیرخانه این دوره از جشنواره را بررسی و درمجموع ۱۳۹ اثر شامل فیلم کوتاه، کودک و نوجوان، تجربی، سریالی، تبلیغاتی، دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی، دانشجویی و فیلم بلند را برای حضور در بخش مسابقه جشنواره انتخاب کردند. براساس تصمیم هیات انتخاب ۳۹ فیلم کوتاه، ۱۵ اثر در بخش کودک و نوجوان، ۱۲ سریال، ۱۰ اثر تجربی، ۲۸ پویانمایی تبلیغاتی، ۹ اثر دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی، ۲۳ اثر دانشجویی و ۳ فیلم بلند در این دوره به بخش مسابقه ایران راه یافت. در این بین، سازمان سینمایی سوره با ۵۱ اثر در بخش‌های مختلف سیزدهمین جشنواره پویانمایی تهران حضور خواهد داشت. انیمیشن سینمایی «لوپتو» محصول مرکز انیمیشن سوره به کارگردانی عباس عسکری و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی در بخش فیلم بلند و انیمیشن کوتاه «پیش از بهشت» تولید باشگاه فیلم سوره با موضوع مظلومیت کودکان فلسطین به کارگردانی احمد حیدریان و تهیه‌کنندگی محدثه پیرهادی به بخش آثار دینی و ارزش‌های انقلابی

همین امسال، آیا می‌توان در فهرست فیلم‌های اکران‌شده، به فیلمی شباهت‌تر از نگهبان شب برسیم؟

مجموعه عوامل تکنیکالی سبب می‌شوند تا نام یک فیلم به‌عنوان نماینده سینمای ایران به اسکار معرفی شود؛ بنابراین باید در این مورد، به‌دوراز سلیقه و ملاحظه شخصی، به موضوع نگرسته شود.

وظیفه اصلی به دوش صاحبان فیلم است

برخلاف آنچه که انتظار می‌رود، مسئولیت موفقیت یا ناکامی یک فیلم در این شاخه از اسکار، بر عهده صاحبان فیلم است. وقتی فیلمی به‌عنوان نماینده سینمای ایران، به آکادمی اسکار معرفی می‌شود، باید تدابیر بسیار مهمی برای شناساندن آن فیلم در فصل جوایز صورت بگیرد. این تدابیر شامل اکران منظم بین‌المللی و حضور چشمگیر در فصل جوایز است. در هر سال، حدود ۹۰ فیلم از کشورهای مختلف به آکادمی معرفی می‌شود. طبیعی است که حدود ۱۱ هزار داووا آکادمی، نه فرصت آن را دارند که این تعداد فیلم غیرانگلیسی‌زبان را با زیرنویس تماشا کنند و نه رغبتی برای این کار دارند. بنابراین تلاش می‌کنند تا به انتخاب‌های نهایی جشنواره‌های مهمی چون کن و ونیز برسند و کند و یا به تماشای فیلم‌های محدودی که در فصل جوایز، اسم و رسمی به دست آورند، می‌نشینند.

در این میان، تهیه‌کننده و صاحبان یک فیلم تلاش می‌کنند تا از فرصت حدودا سه‌ماهه استفاده کنند و با انعقاد قراردادی با شرکت‌های پخش معتبر بین‌المللی، زمینه اکران جهانی، حضور در فصل جوایز و حتی ارسال فیلم به بخشی از ادواران آکادمی را فراهم کنند. این فعالیت‌ها می‌تواند حتی به اکران خصوصی فیلم برای اعضای آکادمی و روزنامه‌نگاران و منتقدان صاحب‌نقد نیز منجر شود تا در نهایت، نام فیلم در محافل سینمایی پخش شود و شانس

فیلم برای قرار گرفتن در حداقل، فهرست ابتدایی نامزدها بیشتر شود. اگر اصغر فرهادی توانست دو بار جایزه اسکار را از آن خود کند دلیل همش به کارهایی بومی‌گردد که وی، پیش از برگزاری مراسم، با کمپانی بزرگی چون ممنتو برای پخش قرارداد بست که نفوذ و قدرت زیادی در سینمای جهان دارد و بدین ترتیب فیلم، موفقیت‌های جهانی بسیاری کسب کرد و توانست با تبلیغات درست، به این جایزه مهم برسد. قطعاً فیلمی که معرفی می‌شود باید از آن پشتیبانی ایرود و این، کار بزرگ و سختی است که نیاز به وقت عمل و حمایت دارد. برای بچه‌های آسمان که توانست خود را به فهرست پنج نامزد نهایی بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان برساند نیز چنین اتفاقی افتاد، به‌طوری‌که این فیلم نیز توسط میرامکس پشتیبانی و با تبلیغات وسیعی همراه شد که اکران جهانی و افتخارآفرینی‌های متعددی را در فصل جوایز رقم زد. اما اکنون ببینیم برای نگهبان شب چه اتفاقی در این زمینه رخ داد؟ برای دیگر نمایندگان سینمای ایران در این سال‌ها چطور؟ متأسفانه ما به این روال عادت کرده‌ایم که هر ساله به انتخاب نماینده سینمای ایران در آکادمی ایراد بگیریم و چندصاحبی راجع به آن صحبت کنیم و وقتی که نام فیلم در فهرست ابتدایی نامزدها آید، شروع به انتقاد از این روند خواهیم کرد، درحالی‌که فیلم بافلاصحه پس از آنکه به‌عنوان نماینده انتخاب می‌شود، رها

شده و حمایت چندانی از آن نمی‌شود.

این باید به یک فرهنگ در میان سینماگران مستقل ماتبدیل شود که بلافاصله پس از آماده شدن فیلم، با یک پخش‌کننده معتبر و مهم جهانی قرارداد امضا شود تا زمینه بیشتر دیده شدن اثر در مجامع جهانی فراهم آید گرگنه حتی در همان مدت زمان حداکثر سه‌ماهه نیز که اقدام شود، زمینه برای یک اکران پررونق جهانی مطلوب فراهم نمی‌شود و اینطور می‌شود که به جای حل مساله، صورت‌مساله را پاک می‌کنیم و آن را به مواردی چون تصمیم اشتباه هیات انتخاب یا حکومتی بودن یک کارگردان ربط می‌دهیم، درحالی‌که در بسیاری از سال‌ها، فیلم کارگردانان غیرحکومتی به اسکار ارسال شد و

باز هم اتفاقی را رقم زد.

ایسن، ساختار است که باید تغییر کند تا با چنین مختصاتی، حداقل، استانداردهای موجود جهانی در این زمینه، برای تولیدات مهم سینمای ایران رعایت شود تا ناکامی سینمای ایران در جشنواره‌ها و جوایز شاخص بین‌المللی، اینچنین تداوم نداشته باشد. در این زمینه، قطعاً حمایت‌گری نهاد‌های دولتی، دوراندیشی سینماگران و کارگردانان و البته تحرک بیشتر پخش‌کنندگان ایرانی که دسترسی‌های بین‌المللی دارند، منجر به اتفاق‌های خوبی خواهد شد که حضور جهانی سینمای ایران را از انحصار چند نام

مانند فرهادی، مجیدی و… خارج می‌کند.

تا زمانی که این اصل روی ریل قرار نگیرد، وضعیت انتقادی نسبت به جریان معرفی نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار با همین شدت وجود خواهد داشت و به جای حل مساله، صورت‌مساله پاک می‌شود.



فرهنگستان

فرهنگستان

ب

یکشنبه ۳ دی ۱۴۰۲

ا

شماره ۴۰۳۹

ب

www.fdn.ir

ا

FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۱۲

۱۳

جهان‌شماره

بزرگترین

یکشنبه ۳ دی ۱۴۰۲

بزرگترین

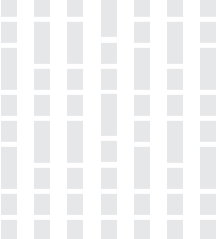
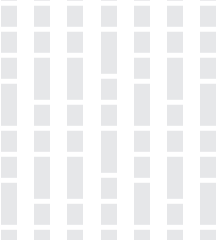
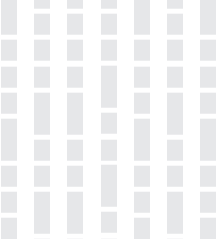
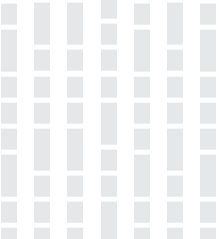
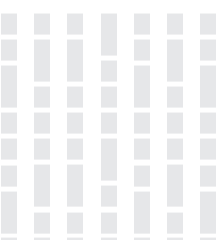
شماره ۴۰۳۹

بزرگترین

www.fdn.ir

بزرگترین

FARHIKHTEGANDAILY



ادامه در صفحهٔ ۱۵

۱۴

فرید زکریا : آمریکا نباید از دنیایی که خود ساخته، دست بکشد

ایر قدرتی که به خود تردید دارد

سجاد عطازاده

منترجم

فرید زکریا، خیزنگار و از نظریه‌پردازان برجسته سیاست خارجی آمریکا و نظریه روابط بین‌الملل، در مقاله «ایر قدرتی که به خود تردید دارد، آمریکا نباید از دنیایی که خود ساخته، دست بکشد» که در شماره ژانویه/ فوریه ۲۰۲۴ نشریه فارن افرز منتشر شده است، به بررسی نقاط ضعف و قوت آمریکا در عصر حاضر پرداخته است. زکریا در این مقاله در پی آن است تا ایالات متحده را همچنان راهبر جهان بداند و بر ادامه تفوق آن در عرصه بین‌الملل در سال‌های آینده تأکید کند، اما خوانش این مقاله نکاتی مهم را نیز روشن می‌کند. اولین مساله نگاه منفی مردم آمریکا به آینده کشور خود است؛ ۶۰ درصد از آمریکایی‌ها بر این باور هستند که کشورشان در سال ۲۰۵۰ از اهمیت کمتری نسبت به اکنون برخوردار خواهد بود. این ناامیدی در فضای انتخاباتی آمریکا نیز خود را نشان داده است و درحالی‌که پیش‌تر بنا بر ادعای زکریا، هر داوطلبی که فضای امیدوارانه‌ای را ترسیم می‌کرد در انتخابات ریاست جمهوری پیروز می‌شد، در رقابت‌های ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ترامپی گوی سبقت را ربود که معتقد بود ایالات متحده در خارج از مرزهای خود با «بی احترامی، تمسخر و هدر رفت [منابع]» روبه‌رو است و جهان در یک «آشفنگی کامل» به‌سر می‌برد. در دوران بایدن نیز علی‌رغم اصلاح نسبی این روند، رگه‌هایی از این ناامیدی وجود دارد؛ ناامیدی‌ای که در سخنرانی جیک سالویان، مشاور امنیت ملی او در موسسه بروکینگز مشخص است، سخنرانی‌ای که پیش‌تر در «فرهیختگان» منتشر شده است. نکته مهم بعدی که در مطلب زکریا مورد اشاره قرار گرفته، فاصله گرفتن متحدان واشنگتن از آمریکا است؛ او در این باره به ترکیه و عربستان سعودی اشاره می‌کند که پیش‌تر جزء متحدان سنتی ایالات متحده به‌شمار می‌رفتند، اما اکنون مسیر مستقل‌تری را دنبال می‌کنند. فرید زکریا معتقد است علی‌رغم همه این مشکلات، آمریکا همچنان بهترین وضعیت را در جهان دارد، اما به نظر می‌رسد نکاتی چند در تحلیل او مورد اشاره قرار نگرفته‌اند؛ اولاً نظم لیبیرالی که آمریکا مدعی سردمداری آن است، شاید هرگز تا به این حد مشروعیت خود را از دست ندهد؛ استانداردهای دوگانه آمریکا که آخرین نمونه آن را می‌توان در سکوت این کشور در برابر جنایات رژیم صهیونیستی در غزه مشاهده کرد، سبب شده تا روایت آمریکایی از نظم جهانی تضعیف شده و تثت رسوایی آن از بام بیفتد. مساله بعدی که خود زکریا هم تολیجا به آن معترف بوده این است که نقش آمریکا در آینده جهان کمتر و کمتر خواهد بود؛ پس از فروپاشی شوروی، ایالات متحده تا چند سال به‌عنوان هژمون و قدرت برتر عمل می‌کرد؛ وضعیتی که نمود آن را می‌توان در جنگ اول خلیج فارس و حتی عملیات‌های موسوم به «ضد توریسم» دید، اما پس از حمله به افغانستان و عراق و گرفتار شدن در باتلاق این کشورها، جایگاه این شوروی به افول رفت و پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ و خیزش چین، این کاهش جایگاه سرعت بیشتری نیز به خود گرفت. در دوران ترامپ نیز با مشی خاص او که نتیجه آن فاصله گرفتن متحدان آمریکا از این کشور بود، «شبکه متحدان» که از امتیازات سنتی آمریکا به‌شمار می‌رفت، ضربه دید. خروج مفتضحانه آمریکا از افغانستان هم که در دوران بایدن رخ داد، به اعتقاد بسیاری نقطه اوج نشانگر این افول به‌شمار می‌رود. زکریا در این میان به نقش جمهوری اسلامی ایران در ممانعت از نیل آمریکا به اهداف خود اشاره می‌کند و با ذکر مثال‌هایی از فعالیت ایران در محور مقاومت، بر این باور است که خروج آمریکا از منطقه خاورمیانه سبب شکل گرفتن خلأ قدرتی شده که ایران از آن منتفع شده است. در ادامه ترجمه این مقاله را می‌خوانید.

بیشتر آمریکایی‌ها فکر می‌کنند کشورشان رو به زوال است. در سال ۲۰۱۸، وقتی مرکز تحقیقات پیو از آمریکایی‌ها پرسید که چه گمانه‌زنی از عملکرد کشورشان در سال ۲۰۵۰ دارند، ۵۴ درصد از پاسخ دهندگان ابراز داشتند که اقتصاد ایالات متحده ضعیف‌تر خواهد بود. تعداد حتی بیشتری — ۶۰ درصد — هم موافق بودند که ایالات متحده اهمیت کمتری در جهان خواهد داشت. این احساس نباید تعجب‌آور باشد؛ زیرا فضای سیاسی آمریکا مدتی است در چنبره این باور است که ایالات متحده در مسیر اشتباهی قرار دارد. بر اساس نظرسنجی گالوپ، تعداد آمریکایی‌هایی که از روند پیشبرد اوضاع راضی هستند در ۲۰ سال گذشته هرگز از ۵۰ درصد عبور نکرده و اکنون ۲۰ درصد است. یکی از راه‌های گمانه‌زنی درباره داوطلب پیروز انتخابات ریاست جمهوری آمریکایی طی دهه‌های گذشته، پاسخ به این پرسش بود: «کدام داوطلب خوش‌بین‌تر است؟» این اصل روشن و خوش‌بینانه از جان اف کندی تا رونالد ریگان و باراک اوباما صدق می‌کرد، اما آمریکا در سال ۲۰۱۶ رئیس‌جمهوری را انتخاب کرد که کمپین انتخاباتی او بر اساس تاریکی و مصیبت شکل گرفته بود. ترامپ تأکید داشت که اقتصاد ایالات متحده در یک «وضعیت اسفناک» است؛ ایالات متحده در خارج از مرزهای خود با «بی احترامی، تمسخر و هدر رفت [منابع]» روبه‌رو است و جهان در یک «آشفنگی کامل» به‌سر می‌برد. او در سخنرانی تحلیف خود هم از افترا عام آمریکایی‌ها، صحبت کرد. کمپین انتخاباتی فعلی او هم این موضوعات را تکرار کرده است. ترامپ، سه ماه قبل از اعلام نامزدی، ویدئویی با عنوان «کشوری در حال زوال» منتشر کرد. کمپین مبارزات انتخاباتی جو بایدن در سال ۲۰۲۰ بسیار سنتی‌تر بود. او مکرراً در فضایل ایالات متحده تمجید کرده و اغلب این جمله آشنا را تکرار می‌کرد: «بهترین روزهای ما هنوز در پیش است.» با این حال، بخش غالب راهبرد حکمرانی او هم بر این تصور استوار است که آمریکا، حتی در زمان روسای جمهور دموکرات و حتی دوران دولت اوباما و بایدن، مسیر اشتباهی را دنبال کرده است. در سخنرانی آوریل ۲۰۲۳ جیک سالویان، مشاور امنیت ملی بایدن، «بسیاری از سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی چند دهه اخیر» را مورد انتقاد قرار داد و جهانی‌سازی و آزادسازی را به دلیل توخالی کردن پایه‌های صنعتی کشور، صادرات مشاغل آمریکایی‌ها به کشورهای دیگر و تضعیف برخی صنایع اصلی مقصر دانست. دغدغه او این بود که «اگرچه ایالات متحده قدرت برتر جهان باقی‌مانده، اما برخی از حیاتی‌ترین «ماهیچه‌های» آن از بین رفته‌اند. این سخنان یک نقد آشنا به عصر نولیبیرال به‌شمار می‌رود. دورانی که در آن تعداد اندکی از کشورها شکوفا شدند اما بسیاری از آنها به ورطه عقب‌ماندگی افتادند. البته با راهبردهایی فراتر از نقد صرف روبه‌رو هستیم. بسیاری از سیاست‌های دولت بایدن به دنبال اصلاح توخالی شدن ظاهری ایالات متحده هستند؛ آنها این منطقی را ترویج می‌کنند که صنایع و مردم آمریکا باید تحت حمایت تعرفه‌ها، یارانه‌ها و دیگر انواع حمایت‌ها قرار گیرند. این رویکرد ممکن است تا حدی پاسخی سیاسی به این واقعیت باشد که برخی از آمریکایی‌ها [در چرخه زندگی] عقب افتاده‌اند و از قضا هم در ایالت‌های چرخشی آن دسته از ایالت‌های آمریکا که هیچ‌کدام از دو حزب اصلی و نامزدهای آنان پشتیبانی قاطع در آن ایالت ندارند] حیاتی زندگی می‌کنند و جلب نظر و آرای آنها مهم به‌شمار می‌رود؛ اما چاره این مساله چیزی بسیار بیشتر از جلب نظر آرای دهندگان حزبی است و دامنه و پیامد‌های گسترده‌تری دارد. ایالات متحده درحال حاضر بالاترین تعرفه‌های گمرکی را بر

واردات از زمان قانون اساموت هاولی [یک قانون حمایت‌گرایانه اقتصادی که در سال ۱۹۳۰ به مرحله اجرا درآمد و مطابق آن آمریکا تعرفه وارداتی بیش از ۲۰ هزار کالا را بایرد دارد. سیاست‌های اقتصادی واشنگتن به‌طور فزاینده‌ای تدافعی است و برای محافظت از کشوری طراحی شده است که ظاهراً در چند دهه اخیر ضرر کرده است. اگر راهبرد کلان ایالات متحده مبتنی بر فرضیات اشتباه باشد، خود این کشور و جهان به بیرازه کشیده خواهند شد. بر اساس معیارهای موجود، ایالات متحده در مقایسه با سایر رقبای اصلی خود در موقعیت پیشنازنی قرار دارد. با این حال، این کشور اکنون با چشم‌انداز بین‌المللی بسیار متفاوتی مواجه است. بسیاری از کشورها در سراسر جهان از نظر قدرت و اعتماد به نفس بالاتر افتاده و دیگر خاضعانه در برابر دستورات آمریکا سر تعظیم فرو نخواهند آورد. برخی از آنها فعالانه به دنبال به چالش کشیدن موقعیت مسلط ایالات متحده و نظمی هستند که فعالانه حول آن شکل گرفته است. در این شرایط جدید، واشنگتن به یک راهبر جدید نیاز دارد؛ راهبردی که مبتنی بر این ادراک باشد که واشنگتن همچنان یک قدرت مهیب باقی‌مانده، اما در دنیایی که در مقایسه با قبل بسیار کمتر آرام است، عمل می‌کند. چالش پیش‌روی واشنگتن این است که به‌سرعت، امانه نرسان، حرکت کند؛ این درحالی است که آمریکا امروز گرفتار وحشت و تردید به خود است.

هنوز هم شماره یک

علی‌رغم همه صحبت‌ها درباره ناکارآمدی و زوال آمریکا، واقعیت امر به‌ویژه در مقایسه با سایر کشورهای ژئومنند کاملاً متفاوت است. در سال ۱۹۹۰ درآمد سرانه ایالات متحده (برحسب قدرت خرید) ۱۷ درصد بیشتر از ژاپن و ۲۴ درصد بیشتر از اروپای غربی بود اما امروزه این میزان به ترتیب به ۵۴ و ۳۲ درصد افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۸ با قیمت‌های فعلی، اقتصاد آمریکا و منطقه پیورو تقریباً یک اندازه بودند اما اقتصاد آمریکا درحال حاضر تقریباً دوبرابر بزرگ‌تر از منطقه پیورو است. از نظر قدرت سخت نیز این کشور در موقعیت فوق‌العاده مطلوبی قرار دارد. آنگوس مدیسون، مورخ اقتصادی معتقد است که بزرگ‌ترین قدرت جهان اغلب قدرتی است که پیش‌تاز مهم‌ترین فناوری‌های زمان خود است؛ هلند در قرن هفدهم، بریتانیا در قرن نوزدهم و ایالات متحده در قرن بیستم. آمریکا قرن بیستم و یکم شاید حتی از قرن بیستم نیز قوی‌تر باشد. فقط کافی است وضعیت این کشور را مثلاً در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با موقعیت امروز آن مقایسه کنید. شرکت‌های فناوری پیشرو در آن زمان از جمله تولیدکنندگان لوازم الکترونیکی مصرفی، ماشین‌ها، رایانه‌ها، در ایالات متحده، آلمان، ژاپن، هلند و کره جنوبی مستقر بودند. درواقع از ۱۰ شرکت ارزشمند جهان در سال ۱۹۸۹، تنها چهار شرکت آمریکایی و شش شرکت دیگر ژاپنی بودند اما امروزه ۹ شرکت از ۱۰ شرکت ارزشمند جهان آمریکایی هستند.

علاوه‌بر این، ارزش جاری ۱۰ شرکت ارزشمند فناوری ایالات متحده بیشتر از مجموع ارزش بازارهای سهام کانادا، فرانسه، آلمان و بریتانیا است. اگر ایالات متحده کاملاً بر فناوری‌های کنونی — به‌خصوص دیجیتال — کردن و اینترنت — مسلط است، احتمالاً در صنایع نسل آینده مانند هوش مصنوعی و مهندسی زیستی نیز موفق خواهد بود. در سال ۲۰۲۳ تا زمان نگارش این مقاله، ایالات متحده ۲۶ میلیارد دلار سرمایه‌خاطر پذیر برای استارت‌آپ‌های هوش مصنوعی جذب کرده است، مقداری که تقریباً شش برابر چین، بالاترین جذب‌کننده بعدی سرمایه در این حوزه به‌شمار می‌رود. در بخش بیوتکنولوژی هم آمریکای شمالی ۳۸ درصد از درآمد‌های جهانی را به‌خود اختصاص داده، درحالی‌که کل آسیا ۲۴ درصد از درآمد‌های جهانی را کسب کرده است. علاوه‌بر این ایالات متحده در آنچه از لحاظ تاریخی یکی از ویژگی‌های اصلی قدرت یک ملت بوده است، پیش‌تاز به‌شمار می‌رود؛ انرژی، امروزه این کشور بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز در جهان است، حتی بالاتر از روسیه یا عربستان سعودی. ایالات متحده همچنین به لطف مشوق‌های موجود در قانون کاهش تورم سال ۲۰۲۲، به‌طور انبوه تولید انرژی سبز را گسترش می‌دهد. در امور مالی هم فقط کافی است به فهرست بانک‌هایی نگاه کنید که توسط «هیات ثبات مالی در سوئیس» با اهمیت از نظر نظام جهانی تعیین شده‌اند. تعداد بانک‌های آمریکا در این فهرست دوبرابر کشور بعدی یعنی چین است. دلار همچنان تقریباً ۹۰ درصد در معاملات بین‌المللی از مورد استفاده است. اگرچه ذخایر دلاری بانک‌های مرکزی کشورهای جهان در ۲۰ سال گذشته کاهش یافته، اما هیچ ارز رقیب دیگری حتی به گرد پای آن نرسیده است.

درنهایت باید به این نکته توجه کرد که اگر جمعیت‌شناسی سرنوشت کشورهای را تعیین کند، ایالات متحده آینده‌ای روشن دارد. اگرچه وضعیت جمعیت‌شناختی آمریکا در سال‌های گذشته بدتر شده، جایگاه جمعیتی

آن در میان اقتصادهای برتر جهان هنوز هم روشن است. نرخ باوروی در ایالات متحده درحال حاضر حدود ۱٫۷ فرزند به ازای هر زن است که کمتر از سطح جایگزینی ۲٫۱ به‌شمار می‌رود اما در مقایسه با ۱٫۵ فرزند برای آلمان، ۱٫۱ فرزند برای چین و ۰٫۸ فرزند برای کره جنوبی مطلوب به‌شمار می‌رود. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که ایالات متحده نرخ باوروی سطح پایین خود را با استفاده از مهاجرت و شبیه‌سازی مهاجران با جامعه آمریکا جبران می‌کند. سالانه یک میلیون نفر به‌صورت قانونی به آمریکا مهاجرت می‌کنند، البته این آمار در دوران ترامپ و کرونا کاهش یافت اما اکنون دوباره بهبود یافته است. از هر پنج نفر در دنیا که در خارج از سرزمین محل تولد خود زندگی می‌کنند، یک نفر ساکن ایالات متحده است و میزان جمعیت مهاجران چهار برابر آلمان، دومین کشور پیشرو در این حوزه به‌شمار می‌رود. درحالی‌که پیش‌بینی می‌شود چین، ژاپن و اروپا در دهه‌های آینده با کاهش جمعیت مواجه شوند، ایالات متحده به رشد خود ادامه خواهد داد. البته آمریکا با مشکلات زیادی مواجه است اما کدام کشور با چنین مشکلاتی روبه‌رو نیست؟ به علاوه آمریکا از منابعی برخوردار است که در این مسیر می‌تواند برداشته بر این مشکلات فائق آید. کاهش نرخ باوروی در چین که میراث سیاست تک‌فرزندی این کشور به‌شمار می‌رود، علی‌رغم انواع مشوق‌های دولتی ظاهراً غیرممکن است که معکوس شود. به علاوه از آنجا که دولت می‌خواهد فرهنگ یکپارچه چین را حفظ کند، قصدی برای پذیرش مهاجران ندارد.

واشنگتن با باربدهی و کسری بودجه درحال افزایش روبه‌رو است اما بار مالیاتی کل آن در مقایسه با سایر کشورهای ژئومنند پایین است. دولت ایالات متحده برای تثبیت امور مالی خود و حفظ نرخ‌های مالیاتی نسبتاً پایین می‌تواند به درآمد کافی دست یابد. یکی از گام‌های آسانی که در این مسیر می‌تواند برداشته شود، اجرای سیاست مالیات بر ارزش افزوده است. نسخه‌ای از مالیات بر ارزش افزوده در تمامی اقتصادهای بزرگ سراسر جهان وجود دارد که اغلب با نرخ‌های حدود ۲۰ درصد وضع می‌شود. دفتر بودجه کنگره تخمین زده است که ۵ درصد مالیات بر ارزش افزوده باعث افزایش سه‌تریلیون دلاری درآمد درطول یک دهه خواهد شد و بدیهی است که نرخ بالاتر هم سبب ایجاد درآمد بیشتر خواهد شد، بنابراین با تصویری از اختلالات ساختاری غیرقابل اصلاح که به‌طور اجتناب‌ناپذیری منجر به فروپاشی خواهند شد، روبه‌رو نیستیم.

بین دنیاها

ایالات متحده علی‌رغم قدرت خود، رهبری در جهان تک‌قطبی را برعهده ندارد. آمریکا در دهه ۱۹۹۰ در جهانی بدون رقبای ژئوپلیتیک به‌سر می‌برد. اتحاد جماهیر شوروی درحال فروپاشی بود (جانستین آن روسیه نیز به‌زودی درحالی‌نامطلوب قرار گرفت) و چین هنوز در صحنه بین‌المللی کشتگرایی نوپا به‌شمار می‌رفت که کمتر از ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به‌خود اختصاص داده بود. واشنگتن در آن دوره می‌توانست کارهای زیادی انجام دهد. آمریکا برای آزادسازی کویت، با حمایت گسترده بین‌المللی، ازجمله تایید دیپلماتیک مسکو، علیه عراق جنگید. به‌جنگ‌های یوگسلاوی پایان داد. سازمان آزادی بخش فلسطین را وادار کرد که توریسم را کنار بگذارد و اسرائیل را به رسمیت بشناسد. به علاوه اسحاق رابین، نخست‌وزیر اسرائیل را متقاعد ساخت که صلح کند و با یاسر عرفات، رهبر ساف در محوطه چمن کاخ سفید دست بدهد. در سال ۱۹۹۴ به‌نظر می‌رسید حتی کره شمالی مایل به کشتگری در یک چهارچوب آمریکایی و پایان دادن به برنامه تسلیحات هسته‌ای خود است. هنگامی که بحران‌های مالی ۱۹۹۴ دکریک و ۱۹۹۷ کشورهای آسیای شرقی رخ نمودند، ایالات متحده با سازمان‌دهی کمک‌های عظیم آنها رانجات داد. درواقع همه راه‌ها به واشنگتن ختم می‌شد.

اما امروزه واشنگتن با جهانی روبه‌رو است که در آن رقبایی واقعی وجود دارند و کشورهای بسیار بیشتری، اغلب در نمرد از خواسته‌های واشنگتن، منافع خود را اظهار می‌کنند. برای درک این پویایی‌های جدید اصلانیازی نیست روسیه یا چین را در نظر بگیرید؛ فقط کافی است به کشوری مثل ترکیه بنگرید؛ کشوری که [تنها] ۳۰ سال قبل یک متحد مطیع ایالات متحده به‌شمار می‌رفت و برای امنیت و رفاه خود به واشنگتن وابسته بود. هر زمان که ترکیه یکی از بحران‌های اقتصادی دوره‌ای خود را پشت‌سر می‌گذاشت، ایالات متحده به نجات آن کمک می‌کرد؛ اما امروزه آنکارا کشوری بسیار ژئومنندتر و از نظر سیاسی بالغ‌تر است که توسط یک رهبر قوی، محبوب و پوپولیست، رجب طیب اردوغان رهبری می‌شود و به‌طور معمول با ایالات متحده مخالفت می‌کند؛ حتی زمانی که درخواست‌هایی در بالاترین سطح ارائه می‌شود.

واشنگتن برای این تغییر آمادگی نداشت. در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده یک تهاجم دو جبهه‌ای به عراق را برنامه‌ریزی کرده بود؛ از کویت در جنوب و از



ترکیه در شمال؛ اما از قبل با ترکیه هماهنگ نکرده بود؛ زیرا تصور می‌کرد که مانند همیشه [سر بزرگناه] قادر به کسب مجوز لازم از آنکارا خواهد بود؛ اما هنگامی که پنتاگون درخواست استفاده از خاک ترکیه را ارائه کرد، پارلمان این کشور مخالفت کرد و در نتیجه این تهاجم به شکلی عجولانه و با برنامه‌ریزی نادرست انجام شد؛ اتفاقی که می‌تواند یکی از دلایل رخداد‌های [نامطلوب] آتی بوده باشد. به علاوه، ترکیه در سال ۲۰۱۷ قراردادی را برای خرید یک سامانه موشکی از روسیه امضا کرد؛ اقدامی که دست‌زدن به آن از سوی یکی از اعضا ناتو و فوجیان به‌شمار می‌رفت. دو سال بعد هم آنکارا با حمله به نیروهای کرد در سوریه — متحدان آمریکا که به تاژگی به شکست داعش کمک کرده بودند — به ایالات متحده دهن‌کجی نمود.

پژوهشگران اکنون بر سر تک‌قطبی، دوقطبی یا چندقطبی بودن جهان با یکدیگر اختلاف نظر دارند و برای تایید هر کدام از این شکل‌بندی‌ها نیز دلایل به‌خصوصی وجود دارند. با در نظر گرفتن تمامی معیارهای قدرت سخت، ایالات متحده همچنان به‌تنهایی قوی‌ترین کشور باقی می‌ماند؛ کما اینکه مثلاً در مقایسه با دو ناو هواپیمابر چین، ۱۱ ناو از این نوع در اختیار دارد. البته شاید با نگاه به قدرت افکنی کشورهایی مانند هند، عربستان سعودی و ترکیه، این تصور ایجاد شود که جهان چندقطبی است اما حقیقت آن است که چین به‌وضوح دومین قدرت بزرگ جهان به‌شمار می‌رود و شکاف بین دو قدرت برتر جهان و سایر کشورها عظیم و چشمگیر است. اقتصاد چین و هزینه‌های نظامی آن از مجموع هزینه‌های سه کشور بعدی بیشتر است. همین شکاف بین دو کشور برتر و بقیه جهان بود که هانس مورگنتا [پژوهشگر برجسته روابط بین‌الملل و از سردمداران نظریه واقع‌گرایی کلاسیک] را وادار کرد تا اصطلاح «دوقطبی» را پس از جنگ جهانی دوم رایج کند. او معتقد بود که در آن مقطع و پس از اینکه قدرت اقتصادی و نظامی بریتانیا فروپاشید، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی از هر کشور دیگری قدرتمندتر به‌شمار می‌رفتند. با تعمیم این منطق به دنیای کنونی، شاید به این نتیجه رسید که جهان فعلی هم دوقطبی است. اما قدرت چین هم دارای محدودیت‌هایی است که از عواملی فراتر از مشکلات جمعیتی آن ناشی می‌شوند. این کشور فقط یک هم پیمان قراردادی — کره شمالی — و تعداد انگشت‌شماری متحد غیررسمی مانند روسیه و پاکستان دارد. این در حالی است که ایالات متحده از ده‌ها متحد برخوردار است. در خاورمیانه هم یکن علی‌رغم موفقیت اخیر خود در احیای روابط بین ایران و عربستان سعودی، چندان فعال به‌شمار نمی‌رود.

البته در آسیا نیز چین از نظر اقتصادی در همه جا حاضر است، اما به‌طور مداوم از سوی کشورهایی مانند استرالیا، هند، ژاپن و کره جنوبی نیز به‌طور مداوم عقب رانده می‌شود. در سال‌های اخیر هم کشورهای غربی نسبت به قدرت فزاینده چین از نظر فناوری و اقتصاد محتاط شده‌اند و به‌سمت محدود کردن دسترسی‌های آن حرکت کرده‌اند.

مثال چین به‌درک تفاوت بین قدرت و نفوذ کمک می‌کند. قدرت از منابع سخت اقتصادی، فناوریانه و نظامی — تشکیل شده است. این در حالی است که نفوذ کمتر ملموس است. قدرت در حقیقت توانایی وادار کردن کشور دیگری به انجام کاری است که در غیر این صورت آن را انجام نمی‌داد. به بیان دیگر، می‌توان قدرت را انحراف سیاست‌های یک کشور دیگر در جهتی دانست که شما ترجیح می‌دهید. نقطه‌ای که قدرت تبدیل آن به نفوذ است و با در نظر گرفتن این معیار، هم واشنگتن و هم یکن با دنیایی از محدودیت‌ها روبه‌رو هستند. برخورداری سایر کشورها هم از منابع افزایش یافته است و همین مساله سبب تقویت اعتماد، غرور و ملی‌گرایی آنها شده است. این کشورها هم خود را با قدرت بیشتری در صحنه جهانی مطرح می‌کنند. این امر، علاوه بر کشورهای کوچک اطراف چین، درباره بسیاری از کشورهای دیگر هم که برای مدت‌ها متوط آمریکا بودند، صدق می‌کند. به علاوه، امروزه با گروه جدیدی از قدرت‌های طبقه متوسط مانند هند، برزیل و اندونزی هم روبه‌رو هستیم که در پی اتخاذ راهبردهای منحصربه‌فرد خود هستند. هند در دوران نخست‌وزیری ناندرا مودی، سیاست «چند همسویی» را دنبال کرده و در موارد مختلف بین آمریکا و روسیه در پیگیری اهداف خود دست به انتخاب می‌زند. دهل‌ی نو حتی در گروه بریکس هم خود را با چین همسو کرده است؛ کشوری که در سال ۲۰۲۰ درگیری‌های مرزی مرگباری را با آن تجربه کرد.

ساموئل هانتینگتون، دانشمند برجسته علوم سیاسی، در سال ۱۹۹۹ و در مقاله‌ای با عنوان «ایر قدرت تنها» در فارن افرز سعی کرد برای توصیف جهان نوظهور از اصطلاح تک‌قطبی فراتر رود. اصطلاحی که او برای توصیف این وضعیت به کار برد «تک-چندقطبی» بود؛ عبارتی که بسیار نامانوس بوده اما در عین حال به تبیین چیزی واقعی می‌پرداخت. من نیز در سال ۲۰۰۸ و زمانی که در پی توصیف این جهان نوظهور بودم، از اصطلاح «جهان پسا-آمریکایی»

استفاده کردم، زیرا به ذهن من خطور کرد که برجسته‌ترین ویژگی این جهان آن است که هم‌زمان با کم‌رنگ شدن تک قطبی ایالات متحده، همه کشورها در پی جهت دادن به جهان هستند. این عبارات هنوز هم بهترین واژه برای توصیف جهان نوظهور به شمار می‌رود.

بی‌نظمی جدید

دو بحران بزرگ بین‌المللی را در نظر بگیرید؛ حمله به اوکراین و جنگ اسرائیل و حماس، در ذهن ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، کشور او در عصر تک قطبی تحقیر شده است؛ اما با گذر زمان روسیه توانسته است بر اثر عوامل مختلف و در اس آنها، افزایش قیمت انرژی، به عنوان یک قدرت بزرگ به صحنه جهانی بازگردد. پوتین قدرت دولت روسیه را بازسازی کرده است، کشوروری که می‌تواند از منابع طبیعی فراوان خود درآمد کسب کند. او اکنون می‌خواهد امتیازات اعطاشده از سوی مسکو در دوران ضعف او ملغی سازد.

این کشور به دنبال بازپس‌گیری بخش‌هایی از امپراتوری روسیه است که در دیدگاه پوتین برترین کشور روسیه بزرگ مهم به شمار می‌روند؛ مهم‌ترین بخش اوکراین است و در کنار آن باید به کره‌ستان که در سال ۲۰۰۸ از سوی مسکو مورد تهاجم قرار گرفت، اشاره کرد. مولداوی هم که روسیه از طریق جمهوری ترانس‌نیسترا یا در آن جای پا دارد، می‌تواند گزینه بعدی حمله روسیه باشد. تجاوز پوتین به اوکراین بر این تصور استوار بود که ایالات متحده علاقه‌رایه متحدان اروپایی خود از دست داده است و آنها اشتعال متفرق و وابسته به انرژی روسیه هستند. پوتین کریمه و مناطق مرزی شرق اوکراین را در سال ۲۰۱۴ با بلعید و سپس درمست پس از تکمیل خط لوله نورد استریم ۲ که گاز روسیه را به آلمان می‌رساند، تصمیم گرفت به اوکراین حمله کند. او امیدوار بود که این کشور را فتح کند و بدین ترتیب بزرگ‌ترین شکستی که روسیه در عصر تک‌قطبی متحمل شده بود را جبران کند. پوتین اشتباه محاسباتی کرد، اما حرکت او دیوانه‌وار نبود؛ زیرا به هر حال تهاجمات قبلی او با مقاومت کمی روبه‌رو شده بودند.

فضای ژئوپلیتیکی در خاورمیانه هم با تمایل مستمر واشنگتن برای خروج نظامی از این منطقه طی ۱۵ سال گذشته شکل گرفته است. این سیاست در زمان جورج دبلیو بوش آغاز شد که بر اثر شکست جنگی که در عراق آغاز کرده بود، نبرقه‌داد شد. سپس در زمان باراک اوباما ادامه یافت؛ اوباما بر نیاز به کاهش حضور ایالات متحده در خاورمیانه تاکید داشت تا واشنگتن بتواند با موضوع مبرم‌تر ظهور چین روبه‌رو شود. این راهبرد که به عنوان «چرخش به آسیا، معروف شد، در حقیقت چرخش از خاورمیانه هم نام داشت. دولت آمریکا احساس می‌کرد که ایالات متحده بیش از حد دست به سرمایه‌گذاری نظامی در این منطقه زده است. این تغییر با خروج ناگهانی و کامل واشنگتن از افغانستان در تابستان ۲۰۲۱ به اوج خود رسید. نتیجه این اقدامات شکل‌گیری شادی بخش ترازون فزاینده؛ بلکه ایجاد هیواد بوده است که بازیگران منطقه‌ای به‌شدت به دنبال پر کردن آن بوده‌اند. ایران به لطف جنگ عراق که توازن قوا بین سنی‌ها و شیعیان منطقه را بهم زد نفوذ خود را گسترش داده است. با سرنگونی سنی صدام حسین، عراق توسط اکثریت شیعه خود اداره شده است که بسیاری از رهبران آن روابط نزدیکی با ایران دارند. این گسترش نفوذ ایران در سوریه نیز ادامه یافته است، جایی که تهران از دولت بنشار اسد حمایت می‌کند و به آن امکان داده است تا از یک شورش وحشیانه جان سالم به در ببرد. تهران همچنین از حوثی‌ها در یمن، حزب‌الله در لبنان و حماس در سرزمین‌های اشغالی اسرائیل حمایت می‌کند.

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و برخی دیگر از کشورهای سنی میانه‌رو هم که بر اثر همه این رخدادها متلاطم شده بودند، روند همکاری ضمنی را با دشمن بزرگ دیگر ایران، یعنی اسرائیل آغاز کردند. به نظر می‌رسید که این اتحاد رو به رشد، با اینکه نقطه عطف آن توافقنامه‌های ۲۰۲۰ ابراهیم بودند با عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی به اوج خود برسد. البته مساله فلسطین همواره مانعی بر سر اسر این راه بود، اما عقب‌نشینی واشنگتن و پیسروی‌های تهران اعراب را متمایل به نادیده گرفتن این موضوع که زمانی مهم به شمار می‌رفت، کرد. حماس، متحد ایران نیز که به‌دقت در حال نظاره این اوضاع بود تصمیم گرفت تا کل این ساختار را بر هم زند و به این‌ترینیب این گروه و آرمان آن به کانون توجهات بازگشت.

مهم‌ترین چالش برای نظم بین‌المللی کنونی در آسیا و با ظهور قدرت چین است. اگر چین عزم ایالات متحده و متحدانش را باتلاش برای الحاق اجباری تایوان به سرزمین اصلی آزمایش کند، می‌تواند بحران دیگری ایجاد کند - بسیاری بزرگ‌تر از دو مورد دیگر. تاکنون تردید شی‌جین‌پینگ، رهبر چین درمورد استفاده از نیروی نظامی یادآور این نکته است که کشورش برخلاف روسیه، ایران و حماس از ادغام شدید با جهان و اقتصاد آن سود زیادی به دست آورده است؛ اما اینکه آیا این ایجاد می‌تواند پابرجا خواهد ماند یا خیر، یک سوال باز است؛ و افزایش احتمال تهاجم به تایوان امروز در مقایسه با مثلا۲۰

سال پیش نشانه دیگری از تضعیف تک قطبی و ظهور دنیای پس‌آمریکاست. نشانه‌دیگر کاهش نفوذ ایالات متحده در این نظم نوظهور آن‌است که تضمین‌های امنیتی غیررسمی ممکن است جای خود را به ضمانت‌های رسمی‌تر بدهد. برای چندین دهه عربستان سعودی زیر چتر امنیتی آمریکا زندگی کرده است، اما این وضعیت مبتنی‌بر یک توافق نانوشته بود و واشنگتن هیچ تعهد یا تضمینی به ریاض نداده بود. در این شرایط اگر پادشاهی سعودی تهدید می‌شد امیدوار می‌بود که رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده به نجات آن بیاید. مثلاًدر سال ۱۹۹۰ و زمانی که عراق پس از حمله به کویت عربستان سعودی را تهدید کرد رئیس‌جمهور جورج‌اچ‌دبلیو‌بوش با نیروی نظامی به کمک ریاض آمد - اما هیچ معاهده یا توافقی او را ملزم به انجام این کار نکرده بود اما امروز عربستان سعودی احساس قدرت بسیار بیشتری دارد و دیگر قدرت بزرگ جهانی، چین، هم که بزرگ‌ترین مشتری نفت این کشور محسوب می‌شود به دنبال جذب آن [به اردوگاه خود] است.یادشاهی سعودی در زمان یلیعهدی محمدبن‌سلمان،پرتوقع‌تر شده‌است و خواستار دریافت ضمانت امنیتی مشابه کشورهای ناتو و همچنین فناوری هسته‌ای از ایالات متحده است. هنوز مشخص نیست که آیا ایالات متحده این درخواست‌ها را برآورده خواهد کرد یا خیر. پاسخ قطعی به عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل‌گره خورده‌است اما خود این واقعیت که خواسته‌های سعودی جدی گرفته می‌شود نشانه‌ای از پویایی قدرت در حال تغییر است.

قدرت‌مانا

نظم بین‌المللی که ایالات متحده آن را ایجاد و حفظ کرد، در بسیاری از جبهه‌ها به چالش کشیده شده است اما آمریکا همچنان قدرتمندترین بازیگر در این ترتیب به شمار می‌رود. سهم این کشور از تولید ناخالص جهانی تقریباً همان مقدار دهه ۸۰ یا ۹۰ میلادی است؛ نکته مهم‌تر نیز این‌است که آمریکا در مقایسه باگذشته متحدان بیشتری یافته است. در پایان دهه ۱۹۵۰، ائتلاف «جهان‌آزاد، که در جنگ سرد جنگید و پیروز شد، از اعضای ناتو؛ ایالات متحده، کانادا، ۱۱ کشور اروپای غربی، یونان و ترکیه به اضافه استرالیا، نیوزیلند، ژاپن و کره جنوبی تشکیل شده بود اما ائتلافی که امروز از ارتش اوکراین حمایت یا تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال می‌کند تقریباً همه کشورهای اروپایی و همچنین تعدادی از کشورهای دیگر را شامل می‌شود. به‌طور کلی، «وست پلاس» حدود ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و ۶۵ درصد از هزینه‌های نظامی جهانی را به خود اختصاص داده است.

چالش مبارزه با توسعه‌طلبی روسیه واقعی و مهیب است. قبل از جنگ، اقتصاد روسیه حدود ۱۰ برابر اقتصاد اوکراین و جمعیت آن تقریباً چهار برابر بیشتر بود. به علاوه، روسیه یک مجتمع نظامی - صنعتی وسیع هم دارد اما نمی‌توان اجازه داد که تهاجم این کشور به موفقیت برسد. یکی از ویژگی‌های اصلی نظم بین‌المللی لیبرال که پس از جنگ جهانی دوم برقرار شده است، به رسمیت نشناختن مرزهای تغییر یافته توسط نیروهای نظامی از سوی جامعه بین‌المللی است. از سال ۱۹۴۵، اقدامات تجاوزکارانه موفق بسیار کمی از این نوع وجود داشته است؛ دقیقاً برخلاف قبل از آن، یعنی زمانی که مرزها در سراسر جهان به‌طور معمول به دلیل جنگ و فتح دست به‌دست می‌شدند. موفقیت روسیه در نبل به فتحی آشکار، سابقه‌ای را که به‌سختی به دست آمده است از بین می‌برد.

اما چالش چین متفاوت است. صرف‌نظر از مسیر اقتصادی این کشور در سال‌های آینده، چین یک ابرقدرت به‌شمار می‌رود. اقتصاد این کشور در حال حاضر نزدیک به ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص داده است. این کشور از نظر هزینه‌های نظامی پس از ایالات متحده در رتبه دوم قرار دارد. اگرچه چین به اندازه ایالات متحده در صحنه جهانی نفوذ ندارد اما توانایی آن برای تأثیرگذاری بر کشورهای سراسر جهان به لطف مجموعه گسترده‌وام‌ها، کمک‌های مالی و مساعدت‌های خود افزایش یافته است اما چین مانند روسیه کشوری خرابکار نیست. این کشور در داخل نظام بین‌المللی رشد کرده و با موهبت آن ثروتمند و قدرتمند شده است و نسبت به واژگونی این نظم، بسیار نگران است. چین به‌طور کلی به دنبال راهی برای گسترش نفوذ خود است و اگر به این نتیجه برسد که برای نبل به این هدف راهی جز ایفای نقش یک «خرابکار» را ندارد دست به این کار خواهد زد. ایالات متحده باید از آن دسته تلاش‌های مشروع چین که در راستای افزایش نفوذ اقتصادی این کشور انجام می‌شوند حمایت کند و در عین حال خواسته‌های نامشروع آن را پس بزند. یکن طمی چند سال گذشته به چشم خود دیده است که چگونه سیاست خارجی تهاجمی آشکار این کشور، نتایج معکوس به بار آورده است. این کشور اکنون از دیپلماسی قاطعانه «گرگ‌جنگجوی خود» عقب‌نشینی کرده و بعضی‌ا از اظهارات متکبرانه پیشین شی‌جین‌پینگ درباره «عصر جدیدی است. تسلط چین جایی خود را به درک نقاط قوت آمریکا و مشکلات چین داده‌اند. به نظر می‌رسد شی، حداقل به دلایل تاکتیکی

به دنبال نبل به یک «قرار موقت» با آمریکااست. او در سپتامبر ۲۰۲۳ به گروهی از سناتورهای آمریکایی اظهار داشت: «ما هزار دلیل برای بهبود روابط چین و ایالات متحده داریم اما یک دلیل برای تخریب این روابط وجود ندارد». صرف‌نظر از نسیات چین، ایالات متحده از مزایای ساختاری قابل‌توجهی برخوردار است. آمریکا موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی منحصربه‌فردی دارد. دو اقیانوس وسیع و دو کشور همسایه دوست آن را احاطه کرده‌اند. این در حالی است که قاره محاط چین شلوغ و متخاصم است و هر بار که پکن دست به قدرت‌نمایی می‌زند یکی از همسایگان قدرتمندش، از هند گرفته تا ژاپن و ویتنام را از خود دور می‌کند. چندین کشور این منطقه استرالیا، ژاپن، فیلیپین و کره جنوبی از متحدان ایالات متحده بوده و مزیتان نیروهای نظامی این کشور در خاک خود هستند. این پویایی‌ها سبب ایجاد محدودیت برای چین شده‌اند. اتحاد‌های واشنگتن در آسیا و مناطق دیگر به عنوان سنگری در برابر دشمنان آمریکا عمل می‌کنند. برای تحقق این واقیعت، ایالات متحده باید تقویت این اتحاد‌ها را محور اصلی سیاست خارجی خود قرار دهد. درواقع، این راهبرد در مرکز رویکرد بایدن به سیاست خارجی بوده است. او روابطی را که در زمان دولت ترامپ از هم پاشیده بود، ترمیم و روابط پایدار را نیز تقویت کرده است. بایدن قدرت چین را کنترل کرده و اتحاد‌های آمریکا را در آسیا تحکیم کرده است، در عین حال در پی ایجاد رابطه کاری با پکن نیز بوده است. سرعت و مهارت او در اکتش به بحران اوکراین باید پوتین را غافلگیر کرده باشد زیرا پوتین اکنون با غربی مواجه است که خود را از انرژی روسیه جدا کرده و مجازات‌کننده‌ترین تحریم‌ها را علیه یک قدرت بزرگ در طول تاریخ اعمال کرده است. هیچ‌یک از این گام‌ها نیاز به پیروزی اوکراین در میدان نبرد را برطرف نمی‌کند اما بافتاری را ایجاد می‌کند که در آن وست پلاس دارای اهم قابل‌توجهی بوده اما روسیه با آینده‌ای تیره و تار در بلندمدت مواجه است.

خطر افول گرایی

بزرگ‌ترین نقص موجود در رویکرد ترامپ و بایدن نسبت به سیاست خارجی - که در هر دو آنها مشترک است - از دیدگاه بدبینانه مشابه ایشان ناشی می‌شود. هر دو تصور می‌کنند که ایالات متحده قربانی بزرگ نظام اقتصادی بین‌المللی است که خود ایجاد کرده است. به علاوه، بر هر دو مفروض است که این کشور نمی‌تواند در دنیای بازارهای باز و تجارت آزاد رقابت کند. اعمال محدودیت‌هایی برای دسترسی چین به پیشرفته‌ترین فناوری‌های صادراتی ایالات متحده طبیعی است اما واشنگتن اکنون بسیار فراتر رفته و تعرفه‌هایی را بر نزدیک‌ترین متحدان خود از چوب گرفته تا فولاد و ماشین‌لباسوبی وضع کرده است. به علاوه، الزاماتی نیز در نظر گرفته شده است که مطابق آنها بودجه دولت ایالات متحده باید برای «خرید کالاها ی آمریکایی» استفاده شود. الزاماتی که حتی محدودکننده‌تر از تعرفه‌ها هستند زیرا تعرفه‌ها فقط قیمت تمام‌شده کالاها ی وارداتی را افزایش می‌دهند اما خرید کالاها ی آمریکایی مانع ایتیاع کالاها ی خارجی به هر قیمتی می‌شوند. حتی سیاست‌های هوشمندانه‌ای مانند حرکت به سمت انرژی سبز نیز از سوی حمایت‌گرایی فرآگیری در دوستان و متحدان ایالات متحده را منزوی می‌سازند، تضعیف می‌شوند. نگوزی اوکونجو- ایوبالا، دبیرکل سازمان تجارت جهانی، اظهار داشته است که کشورهای ثروتمند اکنون دست به عالی‌ترین سطح تزویر می‌زنند. جهان غرب پس از دهه‌ها ترغیب کشورهای در حال توسعه برای آزادسازی و مشارکت در اقتصاد جهانی باز و همچنین سرزنش کشورهای حمایت‌گرایی، پرداخت یارانه و سیاست‌های دستوری صنعتی، اکنون از انجام آنچه که مدت‌ها خود موعظه آن را کرده، خودداری می‌کند. کشورهای ثروتمندی که تحت چنین نظامی به ثروت و قدرت رسیده‌اند، اکنون تصمیم گرفته‌اند تا این نبردان ترقی را از زیر پای کشورهای دیگر بکشند. خانم اوکونجو- ایوبالا گفته: «آنها اکنون دیگر نمی‌خواهند در یک زمین بازی برابر رقابت کنند و در عوض ترجیح می‌دهند به یک نظام مبتنی‌بر قدرت به جای یک نظام مبتنی‌بر قوانین روی آورند.» مقامات ایالات متحده زمان و انرژی زیادی را صرف صحبت درباره نیاز به حفظ نظم بین‌المللی مبتنی‌بر قوانین کرده‌اند. در قلسب این نظام چهارچوب بازگامی‌باز قرار دارد که از سوی توافقنامه برتون وودز (۱۹۴۴) و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (۱۹۴۷) ایجاد شده است. دولتمردانی که از دل جنگ جهانی دوم بیرون آمده بودند، خود شاهد ناآنجاب‌آباد حاصل از ناسیونالیسم رقابتی و حمایت‌گرایی بوده و مصمم بودند از بازگشت جهان به آن مسیر جلوگیری کنند. آنها در این هدف موفق شدند در دنیایی از صلح و رفاه را ایجاد کردند که به چهار گوشه زمین گسترش یافت. نظام تجارت آزادی که آنها طراحی کردند به کشورهای فقیر اجازه داد تا ثروتمند و قدرتمند شوند، به علاوه، جذابیت جنگ و تلاش برای تسخیر قلمروها را کمتر کرد. بسیاری از جذابیت‌های ایالات متحده ناشی از این واقعیت است که این کشور هرگز یک قدرت امپراتوری در مقیاس انگلستان یا فرانسه نبوده و خود یک

مستعمره بوده‌است. آمریکا از عرصه‌های اصلی سیاست قدرت جهانی فاصله [جغرافیایی] دارد و به علاوه با تأخیر و اکراه وارد دو جنگ جهانی رخ داده در قرن بیستم شد. ایالات متحده حتی در ما-جرا جویی‌های خارج از مرزهای خود به‌ندرت به دنبال قلمروگشایی بوده‌است اما شاید مهم‌ترین نکته این است که آمریکا پس از سال ۱۹۴۵ دیدگاهی از جهان را بیان کرد که منافع دیگران را در نظر می‌گرفت. نظم جهانی که آمریکا پیشنهاد، ایجاد و تضمین کرد برای ایالات متحده خوب بود اما برای بقیه جهان نیز مطلوب به شمار می‌رفت. آمریکا به دنبال کمک به کشورهای دیگر بود تا به ثروت، اعتماد و عزت بیشتر برسند. این ویژگی هنوز هم بزرگ‌ترین نقطه قوت ایالات متحده است. مردم سرتاسر جهان ممکن است طالب واه‌ها و کمک‌هایی که می‌توانند از چین دریافت کنند، باشند اما این احساس را دارند که جهان بینی چین اساساً برای بزرگ کردن خود این کشور است. پکن اغلب درباره «همکاری برد-برد» صحبت می‌کند اما واشنگتن سابقه انجام این کار را دارد.

ایمان خود را حفظ کنید

اگر ایالات متحده به دلیل ترس و بدبینی، از این دیدگاه گسترده، باز و سخاوتمندانه نسبت به جهان چشم‌پوشی کند، بسیاری از مزایای طبیعی خود را از دست خواهد داد. آمریکا مدت‌ها است که اقدامات فردی را که مغایر با اصول اعلام شده این کشور انجام گرفته است، به‌عنوان استثناهایی برای تقویت وضعیت خود و کل نظم موجود معرفی کرده است. درحقیقت واشنگتن برای نبل به نتیجه‌ای سریع، هنجارها را می‌شکند اما شمانمی‌توانید برای حفظ یک نظام آن را نابود کنید. بقیه جهان نیز در حال تماشا و یادگیری است؛ کما اینکه در حال حاضر، کشورها در یک مسابقه رقابتی هستند و برای محافظت از اقتصاد خود دست به دامن یارانه، تعرفه‌های ترجیحی و موانع مختلف شده‌اند. آنها قوانین بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند و برای توجیه اقدامات خود به دورویی واشنگتن اشاره می‌کنند. این الگو متاسفانه مشتمل بر عدم احترام رئیس‌جمهور قبلی [ترامپ] به هنجارهای دموکراتیک نیز می‌شود. حزب حاکم لهستان پس از شکست در انتخابات اخیر، تئوری‌های توطئه مشابه ترامپ را مطرح کرد و ادعاهای ژائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور برزیل مبنی بر تقلب در انتخابات، حامیان او را به حمله‌ای شبیه به ۹/۱۱ به به پایتخت کشورش واداشت.

منشأ نگران‌کننده‌ترین چالش پیش‌روی نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین چین، روسیه یا ایران نیست، بلکه خود ایالات متحده آمریکا است. اگر آمریکاد در بیسم افراطی از افول خود غرق شود و از نقش رهبری در امور جهانی عقب‌نشینی کند، خلأهای قدرت را در سراسر جهان باز ایجاد خواهد کرد و قدرت‌ها و بازیگران مختلف را تشویق خواهد نمود که قدم در دنیای بی‌نظمی بگذرانند. اکنون خود شاهد آن هستیم که خاورمیانه پس از آمریکا چه شرایطی دارد. [فقط کافی است] چیزی شبیه به آن را در اروپا و آسیا تصور کنید اما این بار قدرت‌های بزرگ و نه قدرت‌های منطقه‌ای، دست به ایجاد اختلال زده و پیامدهای شدیدی را در عرصه جهانی به بار آورند. تماشای بازگشت بخش‌هایی از حزب جمهوری خواه به انزوگرایی که در دهه ۱۹۲۰ مشخصه این حزب بود و این حزب قاطعانه با مذاخله خارجی ایالات متحده، علی‌رغم سوختن اروپا و آسیا در آتش، مخالفت می‌کرد، برای من نگران‌کننده است.

آمریکا، از سال ۱۹۴۵، شاهد مباحثاتی درباره نحوه تعامل خود با جهان بوده است اما هرگز اصل این تعامل مورد سدهال قرار نگرفته است. اگر آمریکا واقعا به داخل چرخش کند، نیروهای نظم و ترقی دچار عقب‌نشینی خواهند شد. واشنگتن همچنان می‌تواند دستور کار جهانی را تنظیم کند، اتحاد بسازد، به حل مشکلات جهانی کمک کند و با استفاده از منابع محدود و بسیار کمتر از دوران جنگ سرد، بازآرندگی ایجاد کند. اگر این نظم فرو بپاشد، قدرت‌های سرکش بر اسب مراد سوار شوند و اقتصاد باز جهانی ضربه دیده یا بسته شود، واشنگتن باید بهای بسیار بیشتری را بپردازد. ایالات متحده از سال ۱۹۴۵ در برقراری نوع جدیدی از روابط بین‌الملل نقش محوری داشته است؛ روابطی که در طول دهه‌ها قدرت و عمق آن افزایش یافته است. این نظام در خدمت منافع اکثر کشورهای جهان و همچنین منافع خود ایالات متحده است. نظام مذکور اکنون با فتنسارها و چالش‌های جدیدی مواجه است اما بسیاری از کشورهای قدرتمند نیز از صلح، رفاه و دنیای مبتنی بر قوانین و هنجارها بهره‌مند شده‌اند. کسانی که نظام کنونی را به چالش می‌کشند، هیچ دیدگاه جایگزینی نندازند که بتوانند جهان را به درون آن جمع کنند. آنها صرفاً به دنبال یک مزیت محدود برای خود هستند. علی‌رغم همه مشکلات داخلی، ایالات متحده بیش از هر بازیگر دیگری به‌طور منحصربه‌فردی توانایی و موقعیت آن را دارد تا نقش اصلی را در حفظ این نظام بین‌المللی ایفا کند. تا زمانی که آمریکا ایمان خود را به پیروژه خود از دست ندهد، نظم بین‌المللی کنونی می‌تواند در دهه‌های آتی نیز شکوفا شود.

حوزه علمیه زنان و حکمرانی در ایران



زهرا راد

مسئول کارگروه خانواده پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه علمیه قم

تحصیل علوم دینی برای زنان به شکل سازمان یافته و منظم در جامعه شیعی قدمت چندانی ندارد و معمولاً به صورت انفرادی، پراکنده و تحت نظارت برخی فقهای خاص و برای زنان خاص برگزار می‌شد. اولین مدرسه علمیه بانوان که دروس حوزوی را در سطح مختلف و به رسم آموزش‌های علمیه، به زنان ارائه داد، «مکتب توحید» خوانده می‌شد. این مدرسه توسط شهید آیت‌الله قدوسی و به سال ۱۳۵۲ در قم تأسیس شد و منشأ تکثیر و گسترش مدارس زنانه در قم و کل کشور قرار گرفت. پس از آن و در سال ۱۳۶۳، حکم تجمیع کلیه مدارس بانوان قم ذیل «جامعه الزهرا»، صادر شد و همین حکم، بزرگ‌ترین مدرسه علمیه بانوان در جهان اسلام را بنیان‌گذاری کرد. اما پراکندگی مدارس علمیه خواهران در سراسر کشور و نیازمندی به مدیریت کلان و سازماندهی و نظارت، شورای عالی حوزه علمیه قم را به تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، سوق داد. این مرکز از سال ۱۳۷۵ تاکنون به سیاست‌گذاری، ساماندهی و نظارت بر مدارس علمیه خواهران در سراسر کشور اشتغال دارد. این تاریخچه نشان می‌دهد که تفکر انقلاب اسلامی نگاهی مثبت و مبتنی بر ضرورت‌سنجی، نسبت به تحصیل علوم دینی بانوان داشته و بنیانگذاران مدارس خواهران، در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی با اهداف بلند و در راستای تفکر انقلابی دست به تأسیس این مدارس زدند. حکم امام‌راحل در مورد تأسیس جامعه الزهرا(س) و تجمیع مدارس ذیل آن پس از انقلاب نیز این ایده را تثبیت کرده است. به این ترتیب می‌توان به جرأت این تحول انقلابی در حوزه‌تعلیم و آموزش زنان شیعه تلقی کرد. با این وصف زنان شیعه‌ها هم به موازات تحولات تاریخی با یک تغییر بنیادین روبه‌رو شده و می‌توانند در عالی‌ترین سطح دانش دینی تحصیل کنند. این همه، از نظریه سیاسی امام‌راحل در حوزه‌تشکیل حکومت نشأت می‌گیرد و زنان به‌عنوان نیمی از جامعه انقلابی که برای اولین بار و به دستور حضرت‌شان به عنوان یک قبیله شیعی، در سطح مختلف مبارزات

است. حوزه علمیه خواهران باید بتواند به‌عنوان یک نهاد فرهنگی در تمامی شهرها و استان‌ها از ظرفیت‌هایش برای گسترش فرهنگ انقلابی استفاده کند و با هدایت زنان به مسیرهای منتهی به آرمان انقلاب، وظیفه خود را در

زهرا راد

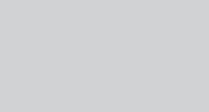
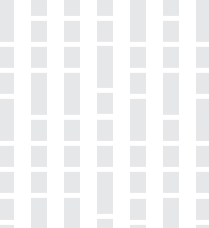
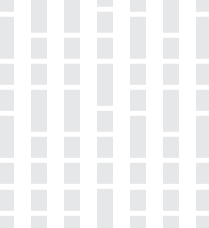
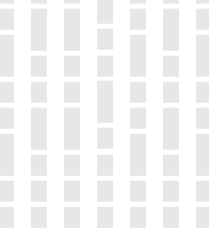
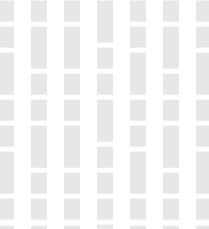
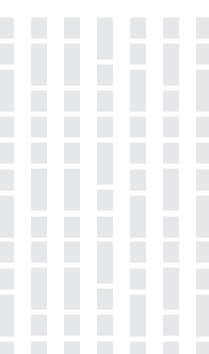
این حوزه انجام دهد. از طرفی لازم است حوزه‌های اختصاصی زنان ناظر به مدیریت بدن، ورزش، بهداشت و سلامت، ازدواج، همسرداری، تربیت فرزند و مسائل دختران جوان و نوجوان و… توسط حوزه علمیه خواهران مورد اهتمام و توجه قرار گیرد و برای ساماندهی و مدیریت زنان در این حوزه‌ها، تربیت نیرو و آموزش و هدفگذاری صورت گیرد. این مهم مستلزم توجه حوزه علمیه به امر فرهنگ زنانه بوده و تعریف آن به‌عنوان یکی از وظایف حوزه علمیه خواهران ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی تربیت زن فقیه و مجتهد متخصص حکمرانی، سطح دیگری از وظایف حوزه علمیه خواهران است تا بتواند در مسائل زنان که ارتباط وثیق و جدایی‌ناپذیری با قفه شیعه دارد، تکلیف حاکمیت را روشن کند و قفه سیاست‌گذاری زنان را پایه‌گذاری و تدوین کند. زن فقیه سیاست‌گذار کسی است که می‌تواند مبتنی بر قفه شیعه و به روش قفه جواهری، نیازهای حاکمیتی زنان را برطرف کرده و سیاست‌های جمهوری اسلامی را سامان دهد.

تشخص زن انقلابی که جمهوری اسلامی به او بخشیده، زمانی به کمال خود خواهد رسید که بتواند در سطح حکمرانی حضور پررنگ و فعالی داشته باشد و سهم تاثیر زنانه خود را به درستی ایفا کند. در این میان زنان طلبه نقش ویژه‌ای دارند و دلیل آن چیزی نیست غیر از این معنا که انقلاب اسلامی یک انقلاب دینی و مبتنی بر قفه شیعه است و آنچنان که جمعیت دینی رهبری انقلاب را برعهده دارد، ذاتاً فقیه و عالم به علوم دینی هم به پشتوانه دانش الهی خویش، باید نقش‌بیارند در سیاست‌گذاری و حکمرانی زنان در جمهوری اسلامی داشته باشند و بتوانند امر فرهنگ زنانه را مسکانداری کنند. امید است جمهوری اسلامی در یک تعامل سازنده با حوزه علمیه خواهران بتواند از این ظرفیت ارزشمند برای هدایت و راهبری زنان بهره‌برداری کند.

فرهنگ‌یگان

جهان‌شهر

<div><div>🌐</div><div>یکشنبه ۳ دی ۱۴۰۲</div></div>
<div><div>📰</div><div>شماره ۴۰۳۹</div></div>
<div><div>🌐</div><div>www.fdn.ir</div></div>
<div><div>🌐</div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div>

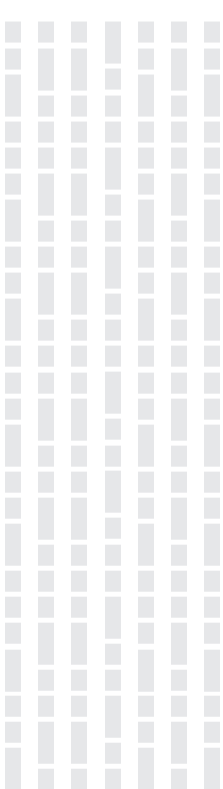


ادامه از صفحه ۱۴

۱۵

اقتصاد

<div><div>📅</div><div>یکشنبه ۳ دی ۱۴۰۲</div></div>
<div><div>📄</div><div>شمارهٔ ۴۰۳۹</div></div>
<div><div>🌐</div><div>www.fdn.ir</div></div>
<div><div>📡</div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div>



مدیرمسئول:

- محمدامین ایمانچانی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

- مسعود فروغی

سردبیر:

- محمد زعیم‌زاده

تلفن وفتکس:

- ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)

کدپستی:

- ۱۱۳۵۳۳۸۱۶

چاپ:

- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

- خیابان حافظ،بایین‌ترازجمهوری

روبه‌روی ساختمان‌بوس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

۱۶

مروری بر نقش مردم و دولت در اقتصاد اسلامی

نظریه اقتصادی شهید صدر قابلیت اجرایی شدن دارد؟

امیرحسین خواجه‌دصالحی
دانشجوی اقتصاد

صحت یا در عدالت همواره از مسائل مورد توجه در موضوعات اقتصادی است؛ در واقع یکی از کلان مسائل حوزه اندیشه اقتصادی که باید‌ها و نباید‌های اقتصادی را معرفی کرده و فراتر از توصیف صرف پدیده‌هاست، به بحث درمورد عدالت معطوف می‌شود. اقتصاد در دو حوزه اقتصاد توصیفی **positive economy** و اقتصاد هنجاری **normative economy** به تحلیل پدیده‌ها می‌پردازد. اقتصاد توصیفی به مسائل اقتصادی از منظر علمی و تجربی پرداخته و اقتصاد هنجاری به مسائل از بعد تعریف باید‌ها و نباید‌ها برای نیل به آنها اشاره دارد. موضوع عدالت نیز ازجمله موضوعاتی است که به حد فاصل بین علم اقتصاد و باید‌ها و نباید‌های اقتصادی که از دل مکاتب و اندیشه‌های اقتصادی استخراج می‌شود شناخته می‌شود. درواقع عدالت ازجمله مباحثی است که هرچند تمام افراد از آن به‌عنوان امری مطلوب سخن می‌گویند اما اینکه منظور هر کدام از افراد از مفهوم عدالت چیست، به نوع نگاه آنها بستگی داشته و در آن تفاوت عقیده وجود دارد و نظریه‌های متفاوتی در طول تاریخ در رابطه با عدالت مطرح شده است. بر همین اساس اندیشمندان مختلف دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به موضوع عدالت داشته‌اند. در گزارش پیش با نگاهی به مفهوم عدالت در نظریات شهید صدر، به این سوال پاسخ داده می‌شود که این نظریه قابلیت اجرایی شدن دارد یا خیر؟

برخی نظریه‌های عدالت در طول تاریخ

بر مبنای برخی نظریه‌های عدالت، فقر یک پدیده کاملاً طبیعی است. از این رو نه‌تنها دولت نباید در این مورد دخالت کند بلکه حتی ممکن است کمک افراد خیر نیز توصیه نشود. طبق برخی نظریه‌های عدالت، حتی در بین خداپاورانی در غرب و در شرق همچون تونسند (Townsend) که یک کشیش مسیحی بود وجود فقر، نوعی تقدیر الهی و بنابراین دخالت دولت برای محو فقر دخالت در مشیت الهی تلقی می‌شود. در مقابل، متفکر لیبرالی چون رابرت نوزیک، گرچه با کمک داوطلبانه افراد به فقرا مخالف نیستند، ولی کمک دولت به فقرا از طریق اخذ مالیات ازثروتمندان را نوعی زدزی، یعنی نقض حق مالکیت خصوصی افراد می‌بینند. از سوی دیگر، متفکر لیبرال دیگری چون جان رالز طبق اصول عدالت پیشنهادی خود معتقد است که دولت برای برقراری شرایط تساوی منصفانه فرصت در جامعه باید از ثروتمندان مالیات گرفته و این مالیات را صرف کمک به فقرا و تأمین نیازهای اساسی آنان کند. رالز معتقد است که کمک به فقرا نه‌تنها عادلانه است بلکه به‌خاطر نقش آن در اثباتست سرمایه انسانی می‌تواند به رشد تولید نیز منجر شود.

سرانجام فان پاریس، فیلسوف و اقتصاددان بلژیکی معتقد است که برخلاف تصور رایج بخش زیادی از درآمد هر فرد محصول صرف تلاش وی نیست بلکه محصول اثباتست منابع و عوامل تولید طی هزاران سال تمدن بشری است. بر این مبناست که وی نتیجه می‌گیرد همه افراد جامعه و نه‌فقط فقرا، حق دارند از یک درآمد پایه برخوردار شوند. از طرفی در اسلام نیز نظریاتی در رابطه با مفهوم عدالت وجود دارد که از جمله مهم‌ترین این نظریات به شهید صدر مرتبط است. نظریه عدالت شهید صدر که به نظریه تأمینی-توزیعی معروف بوده در تلاش است تا از منظر اسلام به مقوله عدالت پرداخته و در ادامه آن، نحوه توزیع ثروت در جامعه، ارتباط تولید و توزیع در نظام اقتصادی، نقش مردم و دولت در اقتصاد و برطرف کردن نابرابری‌ها و استفاده از منابع در دسترس را توضیح دهد.

نظریه تأمینی-توزیعی شهید صدر

شهید صدر معتقد است که عدالت هم در ساحت فردی و هم در ساحت اجتماعی معنا دارد؛ بعد فردی عدالت به معنای رعایت حد اعتدال در شریعت و ساحت اجتماعی عدالت نیز شامل دو رکن تعادل اجتماعی و تأمین اجتماعی است؛ البته رکن تأمین اجتماعی خود به دو صورت مردمی و دولتی است که تفاوت آن در گستردگی این دو سویه است. از نگاه شهید صدر عدالت اجتماعی مقارن با نوعی توازن اجتماعی است و کارکرد رکن تأمین اجتماعی، برگشت جامعه به توازن مورد هدف است. همچنین ایشان معتقد است که هر جا سخن از نظام اجتماعی اسلام و مکتب اجتماعی اصلاحگر آن است محور اصلی اندیشه عدالت اجتماعی است.

سوال اصلی‌ای که در ذهن هر مصلح اجتماعی مطرح می‌شود این است که کدام نظام اجتماعی بین منافع فردی و مصالح جمعی سازگاری ایجاد می‌کند؟ در پاسخ به این سوال مکاتب مختلف پاسخ‌هایی متفاوت ارائه می‌دهند؛ به‌عنوان مثال مکتب سرمایه‌داری مشکل را در طبیعت و محدودیت منابع طبیعی می‌داند و از این جهت عمده تمرکز آن بر رفع این مشکل و ایجاد عدالت در جامعه است. مکتب سوسیالیسم نیز مشکل را در تناقض میان شیوه‌های تولید و روابط توزیع تلقی می‌کند و از این منظر به مقوله عدالت نگاه می‌کند. از طرفی شهید صدر معتقد است که مکتب اسلام مساله را در درون انسان می‌جوید و معتقد است که ظلم انسان‌ها در توزیع نامناسب و نادرست جلوه می‌کند و ناهنجاری آنها در بهره‌برداری نکردن از طبیعت متبلور می‌شود. مکتب، اصول و روش تنظیم حیات اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی است و در مکتب اقتصادی اسلام این اصول باید درباره مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام باشد. همان‌طور که در مطالب پیشین عنوان شد اندیشه عدالت در نگاه شهید صدر حدفاصل میان علم و مذهب (مکتب) است. از این رو عدالت از مقوله عینی (objective) نبوده، در نتیجه قابل اندازه‌گیری یا آزمون با ابزارهای علمی متداول نیست؛ بنابراین مکتب، معرف شاخص‌های غیرتجربی برای

سنجش و تحلیل این مفهوم است. از همین روست که می‌توان دریافت که چرا از نظر هر مکتب مفهوم عدالت متفاوت است و در طول تاریخ نیز نظریات متفاوتی در رابطه با عدالت مطرح شده است که حتی در تضاد و تقابل با هم هستند. البته شهید صدر معتقد است که تمایز میان علم و مذهب یک تمایز نسبی و عینی نیست بلکه نوعی تعامل میان این دو وجود دارد از همین رو قوانین علمی در اقتصاد سرمایه‌داری چهارچوبی مکتبی دارند.

از طرف دیگر شهید صدر بیان می‌کند که عدالت تنها یکی از ارکان اقتصاد اسلامی است؛ در واقع اصل عدالت اجتماعی در کنار اصل مالکیت چندگانه و اصل آزادی محدود اقتصادی، سه رکن اقتصادی هستند که در تعامل با هم قرار داشته و موجب تمایز مکتب اسلامی از سایرین می‌شود. در واقع در اقتصاد اسلامی نه‌تنها عدالت یکی از ارکان است بلکه مالکیت خصوصی نیز جزء ارکان اقتصادی بوده و فعالیت اقتصادی با رعایت برخی چهارچوب‌ها اعم از عدم سلب اختیار از سایرین، از ارکان اقتصاد اسلامی بوده و مورد تأیید است.

اما چرا عدالت بسیار مورد توجه اقتصاد اسلامی است؟ شهید صدر در پاسخ به این سوال بیان می‌کند که تک‌تک افراد و درنتیجه جامعه صالح انسانی به‌عنوان خلیفه‌الله در زمین هستند. از این رو تک‌تک افراد در برابر جامعه و جامعه در برابر خداوند مسئول است. این وظیفه در برابر جامعه و خداوند ایجاب می‌کند که عدالت در تولید و توزیع ثروت بسط و اقامه پیدا کند. عدالت در رشد و توسعه ثروت، به‌معنای بسنج امکانات و منابع جامعه جهت بهره‌گیری از امکانات و آبادانی زمین و تکثیر نعمت‌ها و عدالت در توزیع ثروت به معنای عدم تعارض تصرفات جامعه در ثروت‌ها با خلافت عمومی است. البته شهید صدر خلافت عامه انسان در هستی را منوط به برخی شروط می‌داند؛ از جمله اینکه انتساب جماعت بشری به خلیفه‌اللهی در صورتی است که حول محوری واحد، یعنی خداوند جمع شده باشند و برپایی مناسبات اجتماعی براساس آزادی انسان از بندگی غیر خدا بوده باشد و برادری همگانی در مناسبات اجتماعی، به‌واسطه نابودی هرگونه بهره‌کشی عینیت بخشیده شده باشد. بنابراین خلافت و جانشینی به معنای سپردن امانت و بیانگر مسئولیت‌آور بودن آن است.

همچنین شهید صدر معتقد است که دین متکفل ارائه برنامه و نقشه تفصیلی تحقق عدالت اجتماعی است و مکتب کوشیده است با سازوکارها و عناصر مندرج در آن به اقامه عدل در جامعه کمک کند. این گفته شهید صدر، نافعی نوعی عرفی‌گرایی است که مأموریت دین را تنها بیان تکلیف به تحقق عدالت بداند و اینکه عدل چیست و راهکار تحقق آن کدام است را به عرف واگذار کند. از این رو لازم



است تا تحقق عدالت ملازم با واقع‌گرایی و اخلاق‌گرایی باشد، یعنی به لحاظ عملی‌کردن نظریه عدالت تحقق آن را با ضمانت عینی و واقعی تضمین کرده باشد و از آنجا که اسلام عوامل روحی را نیز مهم می‌شمرد تلاش دارد تا جهت نیل به هدف ترکیب عامل روحی و روش اجرایی را مدنظر قرار دهد.

به بیان دقیق‌تر شهید صدر معتقد است چه‌بسا عملی در ظاهر براساس مکتب اسلامی و مکتب‌های مادی دیگر یکسان تلقی شود. به‌طور مثال در همه مکاتب از ثروتمندان برای رفع نیاز نیازمندان مالیات اخذ می‌شود اما از نگاه مکتب اسلام صرف این کار اصل کفالت عامه را تحقق نمی‌بخشد زیرا این کار فاقد عامل روحی و انگیزشی در انسان است و این کار صرفاً جنبه عینی کار را تحقق بخشیده است. بنابراین در مکتب اسلام واجبات مالی همچون خمس و زکات که برآمده از انگیزه روحی و با هدف قرب الهی است را تعبیه کرده است.

ابعاد وارکان نظریه عدالت اسلامی

همان‌طور که در ابتدا بیان شد، نظریه عدالت اسلامی شامل دو اصل عام است؛ یکی اصل تعادل و توازن اجتماعی و دیگری اصل تأمین اجتماعی که خود آن شامل دو بعد مردمی (اصل تکافل عامه) و بعد دولتی (تخصیص درآمد دولت به معیشت عمومی) است. البته شهید صدر معتقد است اصل توازن در سطح معیشت است و نه در سطح درآمد و افراد در سطحی معینی از معیشت زیست می‌کنند اما دارای تفاوت‌هایی به فراخور مراتب خود هستند. این تفاوت‌ها مبنای تکوینی و تشریحی دارند؛ مبنای تکوینی آن نابرابری بنیادین انسان‌ها به لحاظ استعدادها و قابلیت‌ها بوده و مبنای تشریحی آن، پذیرش معیار کار در نظام توزیع است. تأمین معیشت در قالب تأمین اجتماعی به‌صورت مردمی به این صورت است که بنا به اصل اخوت و برادری مسلمانان، نیازهای حیاتی و اصلی افراد در جامعه اسلامی برعهده ایشان است. تأمین معیشت در قالب تأمین اجتماعی به‌صورت دولتی نیز گستره وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. طبق نظر شهید صدر، دولت اسلامی باید به تمام نیازهای مردم تا حد کفالت و در حد معیشت عمومی جامعه پاسخ دهد. البته شهید صدر معتقد است تا زمانی که بستر اجرایی معیار کار فراهم باشد، معیار نیاز فعال نخواهد شد. از نگاه شهید صدر، فقر نه به معنای ناتوانی در تأمین نیازهای اصلی، بلکه به معنای قرار نداشتن در سطح متوسط معیشت عمومی است.

اهمیت مساله توزیع در نظریه عدالت

عدالت در حیات اجتماعی و به‌ویژه حیات اقتصادی مرتبط با مساله



پشتیبانی از فناوری‌های تولید انرژی از منابع تجدیدپذیر مانند باد، خورشید، هیدروپاور، و بیوانرژی، به کاهش وابستگی به منابع انرژی سنتی و آلاینده و تعدیل تولید گازهای گلخانه‌ای می‌پردازد.»

به گفته قادری حضور در نمایشگاه بین‌المللی شهر پایدار فرصتی است تا این سازمان‌ها تجارب و دستاوردهای خود را با سایر شرکت‌ها به اشتراک بگذارند، از تکنولوژی‌های نوین نظیر سیستم‌های کنترل و پایش هوشمند و سامانه‌های اطلاعات مکانی (GIS) بهره‌مند شوند، و رویکردهای پیشرفته در زمینه مدیریت منابع آب و برق و تحقق شهرهای هوشمند را معرفی کنند. این فعالیت‌ها باعث افزایش شناخت جهانی نسبت به توانمندی‌ها و دستاوردهای برق، آب و آبفای کشور می‌شود و به تحقق اهداف توسعه

توزیع است. در طول تاریخ، گاه از عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از انواع عدالت یادشده و گاه عدالت وصف هرگونه توزیع موهبت‌ها و منابع تلقی شده است. بنابراین همواره پریشش از چیستی عدالت، مقارن با نوعی پریشش از توزیع عادلانه بوده است. در اسلام روابط توزیعی مستقل از روابط تولیدی بوده و شکاف میان فقیر و غنی، حاصل روابط نادرست توزیعی است و نظریه عدالت در اسلام، فردگرا در عین جمع‌گرا و جمع‌گرا در عین فردگرا بودن است، یعنی هم به بعد فردی انسان‌ها هم به بعد اجتماعی توجه دارد. اسلام در مرحله تولید تلاش دارد تا نگرش فرآیندی و فعال جهت کاهش بنیادین نابرابری‌ها داشته باشد. از این رو، وسعت توزیع ثروت در نظریه عدالت اسلامی، شامل عدالت در توزیع منابع مادی تولید و عدالت در توزیع ثروت‌های تولیدشده است. از آنجا که همواره دو عامل سرمایه و نیروی کار در تولید دخالت دارند، شهید صدر معتقد است این عوامل تولید، همگن و هم‌سطح نیستند؛ زیرا هم سطح قرار دادن انسان (خلیفه الهی) با سرمایه فیزیکی و مالی، اهانت به کرامت انسانی است. از این رو توزیع ثروت ایجادشده بین عوامل مختلف تولید، با در نظر گرفتن یک قالب ساده و همیشگی امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین نظریه توزیع در مکتب اسلام، نظریه‌ای چندمعیاره، انسان‌مدار، عدالت‌بنیان و تعادل‌بخش است و به این نکات توجه دارد.

از طرف دیگر در نظام توزیع اسلامی، دو معیار به‌عنوان ابزار اولیه گسترش ثروت معرفی می‌شود؛ اولین معیار، معیار کار و دیگری معیار نیاز است. معیار کار موجب پذیرش نابرابری‌های اجتماعی کمی و کیفی و قبول تفاوت در برخورداری‌ها با به‌رسمیت شناختن تنوع استعداد‌های انسانی شده و معیار نیاز موجب پذیرش اصل تأمین اجتماعی (تکافل عامه و مداخله‌های دولت اسلامی) برای ایجاد عدالت اسلامی می‌شود. بنابراین با در نظر گرفتن ساختار انگیزشی انسان، معیار کار بر معیار نیاز مقدم است و همان‌طور که قبلاً اشاره شد، تا زمانی که بستر اجرایی معیار کار فراهم باشد، معیار نیاز فعال نخواهد شد. البته لازم به ذکر است که نیاز، تنها معیار توزیع محصول در منطق مارکسیستی است. شهید صدر در مرحله مبادله اقتصادی نیز بیان می‌کند گاهی مبادله از قالب واقعی خود خارج شده و ابزاری برای استثمار انسان می‌شود که تجلی آن در انواع احتکارهاست. در اقتصاد مدرن که پول به‌عنوان فناوری جدید در مبادله، نقش ذخیره ارزش پیدا کرده است، فروش کالا و خدمات به‌ازای اخذ پول، به مال‌اندوزی انجامید و موجب اختلال میان تولید و مصرف شد. از این رو، نظریه عدالت اسلامی بیان می‌کند که لازم است بر جریان مبادله نظارت کامل صورت گرفته و اقدامات توزیعی به‌منظور به‌گردش انداختن پول کنز شده تعبیه شود تا نقش پول در خلق نابرابری نظام مند از میان برود. در مرحله مصرف نیز اسلام تلاش می‌کند تا برای مصرف تعیین کمی و کیفی (تحریم اسراف و تبذیر) صورت داده و در سطح معیشت نیز توازن شکل دهد؛ زیرا تجمل‌گرایی و اشرافیت طبعی با عدالت اجتماعی در تضاد است.

اختیارات و وظایف دولت اسلامی در راستای اقامه عدالت اجتماعی

طبق منطقه الفراع، دین به حاکم اسلامی اجازه داده است تا در برخی مسائل اجتماعی یا در نظر گرفتن ضوابطی و با توجه به نیازهای هر زمان، حکم و قانون وضع کند. برخی از انواع مداخلات دولت و حاکم اسلامی در اقتصاد شامل موارد زیر است:

۱- نظریه پیشینی توزیع با مالیات بر زمین

۲- بستن زکات بر پول‌های راکد جهت گردش ثروت و پول

۳- به‌کارگیری ائفال و منابع در اختیار حاکم اسلامی جهت شکل‌گیری تعادل اجتماعی

۴- تضمین رشد و توسعه اقتصادی در چهارچوب عدالت اجتماعی

۵- حفظ تعادل نظام تولیدی با تأمین تولید کالاهای ضروری و جلوگیری از تولید مازاد

۶- سازوکارهای معطوف به کنترل سطح معیشت با تحریم اسراف و تأمین معیشت سطوح ضعیف جامعه؛ به‌گونه‌ای که معیشت عموم جامعه به یکدیگر نزدیک شود.

به‌منظور اجرای اصل توازن اجتماعی، برخی امکانات برای دولت تعبیه شده است، ازجمله تعیین مالیات‌های ثابت خمس و زکات و دریافت مستمر آنها جهت مراقبت از توازن عمومی و حمایت از تهیدستان یا ایجاد بخش‌های عمومی با مالکیت دولت و جهت دادن به دولت در بهره‌وری به‌منظور برقراری توازن.

عدالت؛ زیرساخت اصلی نظریه اقتصادی شهید صدر

در نظریه تأمینی-توازنی شهید صدر، عدالت از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که از آن صحبت به میان آمده، تا جایی‌که عدالت را بستری برای دستیابی به سایر اهداف، ازجمله رشد، توسعه و آزادی می‌داند و عدالت از مهم‌ترین ارکان اقتصاد اسلامی معرفی شده که برای دسترسی به آن، هم جنبه مردمی و هم جنبه دولتی آن مورد توجه است. البته این معنا نیست که در این نظریه، عدالت به معنای برابری تمامی افراد جامعه در همه ابعاد منظور شده باشد، بلکه عدالت در سطح معیشت افراد مورد توجه است و بنا به مبنای تکوینی و تشریحی توازن اجتماعی، تفاوت در میزان درآمد و ثروت افراد با یکدیگر پذیرفته‌شده و قابل دفاع است. بنابراین با توجه به مبنای نظریه شهید صدر، وظیفه دولت در تأمین سطح معیشت مناسب و وسایل زندگی افراد جامعه است که از طریق ایجاد امکانات برای فعالیت‌های اقتصادی آن انجام می‌گیرد.



پایدار و بهبود کیفیت زندگی در جوامع محلی کمک می‌کند.

نمایشگاه بین‌المللی شهر پایدار، بزرگ‌ترین گردهمایی و تنها رخداد صنعتی و تجاری حوزه پایداری شهری و توسعه پایدار در کشور است که با مشارکت بیش از ۲۸۰ شرکت‌کننده شامل وزارتخانه‌ها، شهرداری تهران و مراکز استان‌ها، مناطق آزاد، نهادهای تأمین مالی و بیمه، صنایع و معادن، خودروسازها، حوزه آب و برق و انرژی، اپراتورها، و حضور گسترده شرکت‌های دانش‌بنیان، از ۲۵ تا ۲۸ بهمن ماه سال جاری در جزیره نیام و مشاهدۀ اخبار دومین نمایشگاه علاقه‌مندان می‌توانند برای ثبت‌نام و مشاهده اخبار دومین نمایشگاه بین‌المللی شهر پایدار به تاریخ ۱۶ هلدینگ چهارفصل، مجری این رویداد، به نشانی www.4fasco.com مراجعه کنند.